



انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل

پایگاه خبری دانشجویان پیام نور
دکتر محمدحسن خانی*

مقدمه

تحولات داخلی کشورها که در حقیقت زیرمجموعه و اجزای اصلی تشکیل دهنده نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند همواره به شکل‌های گوناگون نظام منطقه‌ای^۱ مجاور آنها و نیز کلیت نظام بین‌الملل^۲ را تحت تأثیر قرار داده است. نگاهی به تاریخ روابط بین‌الملل به خوبی این روند تأثیرگذاری متقابل میان پویایی تحولات داخلی و شکل‌گیری ترتیبات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی را نشان می‌دهد.

*استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع) - Email: khani@isu.ac.ir

1. Neighbouring Regional System
2. International System

در اواسط قرن هفدهم هنگامی که وقوع و شیوع جنگهای موسوم به جنگهای سی ساله بین سالهای ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ صحنه داخلی کشورهای اروپایی را دگرگون کرد، دیری نپایید که این تحولات به ظاهر داخلی، آرایش سیاسی در کل اروپا را دستخوش تغییر کرد و نظم جدید منطقه‌ای را در اروپا بوجود آورد. نظمی که به‌طور آهسته اما محسوس نظام بین‌الملل آن زمان را شدیداً تحت تأثیر قرار داد.^۱

این سیر طی قرن هجدهم نیز در تاریخ روابط بین‌الملل به خوبی مشهود است. جنگهای استقلال آمریکا که برخی از مورخین تحت عنوان انقلاب آمریکا از آن یاد می‌کنند، گرچه در دهه نخست ماهیتی داخلی و بومی داشت، خیلی زود منشاء تأثیرات شگرف و عمده‌ای در چگونگی شکل‌گیری نظام بین‌الملل و نظم نوین جهانی در پایان قرن هجدهم شد. تأثیراتی که محسوس‌ترین آنها در آرایش جدید دول اروپایی و تحدید نقش آنها در قاره آمریکا و ظهور یک بازیگر جدید و مهم یعنی ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌الملل بود.

۱. تحلیل تاریخی

رخداد مهم دیگری که مثال خوبی برای اثبات و نشان دادن چگونگی تأثیرگذاری تحولات داخلی یک کشور بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بشمار می‌رود، وقوع انقلاب کبیر فرانسه است. آنچه در سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ درون مرزهای کشور فرانسه بود. رخ داد گرچه در نگاه اول جوهر و ماهیتی بومی و فرانسوی داشت

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به:

Polišenský, J.V. (1968), "The Thirty Years' War and the Crises and Revolutions of Seventeenth-Century Europe", *Past and Present*, No. 39. (Apr., 1968), pp. 34-43.

Asch, Ronald G. (1997) *The Thirty Years War: The Holy Roman Empire and Europe, 1618-1648*, New York: St. Martin's Press.

که حاصل سلسله کنش‌ها و واکنش‌های میان نیروهای سیاسی و اجتماعی جامعه فرانسه به نظر می‌رسید، این تحولات خیلی زود و حتی قبل از آنکه نتیجه قطعی و نهایی آنها داخل فرانسه روشن شود، منشاء تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در سطح اروپا شود.

این تأثیرات در دهه‌های بعد توانست از سطح منطقه‌ای فراتر رود و نظام بین‌الملل را دستخوش تغییرات قابل توجهی کند. به عقیده بسیاری از مورخین تاریخ اروپا، شکل‌گیری و وقوع انقلاب کبیر فرانسه در کنار رخداد سالهای پس از آن عمیق‌ترین و ماندگارترین تأثیرات سیاسی و اجتماعی را در چگونگی و سیر تحولات در قاره اروپا و جهان بر جای نهاده است. در حوزه نظری وارد کردن گفتمان‌های جدیدی مانند ناسیونالیسم مدرن، آزادی، برابری، و حقوق بشر به ادبیات حاکم بر نظام بین‌المللی از جمله این تأثیرات بود.

در عرصه تأثیرات عملی انقلاب فرانسه بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان از شیوع سریع شعارها و ایده‌های انقلاب فرانسه در سطح اروپا در کوتاه مدت و وقوع جنبشها و انقلابهای آزادیخواهانه و ملی‌گرایانه در میان مدت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نام برد.^۱

تحولات سیاسی حاکم بر اروپای مرکزی در قرن نوزدهم که نقطه اوج آنها را می‌توان در انقلابهای ۱۸۴۸ مشاهده کرد و بالاخره اتحاد آلمان در ۱۸۷۱ را نیز می‌توان در زمره مثالهایی ذکر کرد که چگونگی ارتباط میان تحولات داخلی کشورها و نیز نظام بین‌الملل را نشان می‌دهد. به زعم برخی از مورخین و

۱. برای مطالعه بیشتر در باره تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب فرانسه رجوع کنید به:

Schwab, Gail M. and Jeanney, John R. (1995), *The French Revolution of 1789 and Its Impact*, London: Greenwood Press.

Trevor Mason, Haydn and Doyle, William (1989), *The Impact of the French Revolution on European Consciousness*, Gloucester: Sutton Publication.

تحلیل گران تولد آلمان متحد در ۱۸۷۱ ممکن است سمبل و ماحصل تلاشهای طولی‌المدت آلمانی‌تبارهای اروپا برای نیل به وحدت و یکپارچگی سیاسی باشد که در ظاهر امری داخلی به‌شمار می‌رود. اما در یک نگاه عمیق‌تر این رخداد هم در پروسه وقوع و هم در تأثیرات و پیامدهای خود رنگ و بویی فراملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی داشت.^۱

تحولات داخلی کشورها در قرن بیستم نیز از این قاعده مستثنی نبود. به‌طوریکه می‌توان ادعا کرد ارتباط تنگاتنگی میان سیر تحولات داخلی کشورهای نظیر روسیه تزاری، آلمان نازی و چین و آنچه نظم جهانی را در قرن بیستم شکل داد قابل مشاهده است. انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه تزاری هم در چگونگی پایان یافتن جنگ جهانی اول و هم شکل‌گیری نظم پس از جنگ تأثیرات به‌سزایی داشت. بعدها با روی کارآمدن استالین اثرات عمیق‌تر تحولات داخلی اتحاد جماهیر شوروی که همگی زاینده انقلاب ۱۹۱۷ بود بر تحولات بین‌المللی و نظام بین‌الملل آشکارتر شد.

این واقعیت که تقسیم جهان به دو بلوک شرق - غرب و کمونیسم - سرمایه‌داری که در سالهای نیمه دوم قرن بیستم خود را در قالب جنگ سرد

۱. انقلابهای موسوم به انقلابهای ۱۸۴۸ که گاهی اوقات تحت عنوان بهار ملتها و نیز سال انقلابها نیز از آن یاد می‌کنند. در مدتی کوتاه، سراسر پایتختها و شهرهای مهم اروپایی از وین تا رم، از پراگ تا بوداپست و از پاریس تا برلین را فرا گرفت. این انقلابها تأثیرات مهمی بر صحنه سیاسی اروپا بر جای نهاد و منشاء تحولات عمده‌ای در کشورهای اروپایی شد. برای مطالعه بیشتر در این خصوص به منابع زیر رجوع کنید:

Sperber, Jonathan (2005) The European Revolutions, 1848 - 1851: New Approaches to European History, Cambridge : Cambridge University Press.

Jones, Peter (1991) The 1848 Revolutions, London: Longman.

Robertson, Priscilla Smith (1968), Revolutions of 1848: A Social History, Princeton: Princeton University Press.

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۴۱

نشان داد به نوعی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نشأت گرفته، به سختی قابل انکار است. البته پرواضح است که عامل انقلاب روسیه تنها عامل تامه در شکل دهی به مسیر تحولات نبود بلکه دهها عامل سیاسی-اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر نیز در این زمینه دخیل بودند.^۱

روی کارآمدن حزب نازی در اوایل دهه ۳۰ قرن بیستم میلادی در آلمان و به دست گرفتن قدرت توسط هیتلر در کنار ظهور فاشیسم در ایتالیا نیز در نگاه اول بیان کننده سیر تحولات داخلی در دو کشور آلمان و ایتالیا است. با این وجود ناگفته هویداست که چگونه این تحولات به ظاهر داخلی تأثیرات و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی داشته و چگونه نظم و نسق جهانی را دستخوش تغییر و تحول کرده است.

انقلاب کمونیستی چین و روی کارآمدن مائو در این کشور، نمونه‌ای دیگر از چگونگی تأثیرپذیری نظام منطقه‌ای و نظام بین‌المللی از تحولات داخلی کشورها است. تحولاتی که برای چندین دهه روابط میان مراکز قدرت در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد و معادلات سیاسی، نظامی و امنیتی در شرق آسیا، منطقه پاسیفیک و شبه جزیره کره را تعیین کرد.

پایگاه خبری دانشجویان پیام نور

۱. تحولات سالهای جنگ سرد، ایده صدور انقلاب سرخ به اقصی نقاط جهان به‌ویژه همسایگان شوروی در شرق اروپا و بالاخره شکل گیری جنبشهای چپ ملهم از انقلاب روسیه همگی در زمره این تأثیرات هستند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به:

Toynbee, Arnold Joseph. (1967). The Impact of the Russian Revolution, 1917-1967: The Influence of Bolshevism. Oxford: Oxford University Press.
Kowalski, Ronald (1997) The Russian Revolution: 1917-1921, London: Routledge.

۳۴۲ ○ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

۲. سطوح و ابعاد تأثیر گذاری

وقوع انقلاب اسلامی ایران در آخرین سال دهه هفتاد قرن بیستم میلادی شاید آخرین و در عین حال در زمره نمونه‌های مهم کلاسیک انقلاب‌هایی بود که تأثیرات آن خیلی زود و با سرعت غیرقابل پیش‌بینی از مرزهای ملی فراتر رفت و پیامدهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی داشت.

برای تبیین بهتر ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر نظام منطقه‌ای و بین‌المللی در دو دهه هشتاد و نود میلادی جا دارد ابتدا فلسفه و چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در دو دهه شصت و هفتاد را بررسی می‌کنیم. در واقع، به چالش گرفتن سیاست خارجی محمدرضا پهلوی و به‌ویژه حملات شدید رهبری انقلاب به اسرائیل و آمریکا و پرداختن به مسئله فلسطین از مواردی بود که از ابعاد منطقه‌ای و تأثیرات جهانی نهضت اسلامی در ایران حکایت می‌کرد. در مقیاسی کلان‌تر و به‌ویژه در سالهای اول پس از پیروزی، انقلاب اسلامی ایران با به چالش گرفتن مشروعیت و کارآمدی اصول و قوانین حاکم بر سیاست بین‌الملل ابعاد و مرزهای تأثیرگذاری خود بر نظام بین‌الملل را گسترده‌ای فراتر از نمونه‌های سلف خود قرار داد.

در یک چشم انداز تاریخی، تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل را می‌توان در دو دوره زمانی قبل و بعد از جنگ سرد بررسی کرد. این نکته را نیز بایستی مدنظر داشت که انقلاب ایران وقتی به پیروزی رسید که روابط دو بلوک شرق و غرب هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی افغانستان را اشغال کرد به شدت تیره شد و کشورهای جهان و منطقه در یکی از دو اردوگاه شرق یا غرب آرایش یافتند. انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی خود با ارائه گفتمان جدید خود تحت عنوان نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، نظم کهن و سنتی تعلق و وابستگی به یکی از دو بلوک شرق یا غرب را بطور جدی و عملی به چالش

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۴۳

گرفت. مردود اعلام کردن این نظم کلاسیک مهمترین چالشی بود که انقلاب اسلامی ایران پیش پای نظام بین الملل در پایان دهه هفتاد قرار داد. بر این اساس، تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل را در سه سطح متفاوت به شکل زیر می توان بررسی کرد:

الف) در سطح منطقه ای

ب) در سطح جهان اسلام

ج) در سطح بین المللی

۱-۲. سطح منطقه ای

در سطح منطقه ای که نخستین سطح بوده است و کشورهای مجاور همسایگان ایران را در بر می گیرد، انقلاب اسلامی بیشترین و سریعترین تأثیرات را برجای گذارد. امواج ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران خیلی سریع در پایتخت کشورهای همسایه و در شهرهای کوچک و بزرگ در این کشورها انعکاس گسترده ای یافت و که دولتها و ملتهای منطقه عکس العمل های متفاوتی به آن نشان دادند. در حالیکه مردم کوچه و خیابان و بسیاری از نخبگان و دانشگاہیان و روشنفکران در این کشورها این تحول عظیم را به فال نیک گرفتند و آنرا منشاء تغییرات مثبت و عمیقی در منطقه دانستند، اکثریت دولتهای منطقه با نگرانی و دغدغه روبه تزایدی به وقوع انقلاب در ایران می نگرستند و به ویژه از احتمال تسری امواج و شعارهای انقلاب ایران به کشورهای خود نگران بودند. احتمالی که در صورت وقوع می توانست آینده این دولتها را در هاله ای از ابهام فرو برد و سرنوشتی شبیه حکومت محمدرضا پهلوی را برای آنها در پی داشته باشد. در این جهت سیاست قدرتهای فرامنطقه ای نظیر ایالات متحده و برخی کشورهای غربی در دامن زدن به نگرانی ها و شک و تردید های دول منطقه بسیار مهم و قابل مطالعه است.

ید
ه
ت
و
گی
در
ات
از
ران
ی
نین
را
را
نیز
وک
به
رب
ید
علق
الش

در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب در ایران کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا تمام سعی خود را بکار بردند با یاری گرفتن از ابزار تبلیغاتی خود و ایجاد جنگ روانی این احساس خطر و ذهنیت منفی و تهدیدآمیز رهبران کشورهای منطقه را از انقلاب ایران به حیداکثر برسانند و انمود کنند که رهبران انقلاب ایران در صددند تا با توسل به ابزار فیزیکی و خشونت‌آمیز، انقلاب خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به این کشورها صادر کنند. گرچه رهبران جمهوری اسلامی همواره هرگونه تلاش برای صدور فیزیکی انقلاب یا مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر را تکذیب می‌کردند، از تاثیرگذاری و الهام بخشی امواج انقلاب ایران خشنود بودند. برای مثال می‌توان به سخنان امام خمینی (ره) در این بار اشاره کرد:

"اینکه می‌گوییم باید انقلاب به همه جا صادر بشود این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم همه کشورها باید در محل خودشان باشند ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شده و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازنشان کوتاه کردند این در همه ملتها و در همه دولتها بشود. آرزوی ما این است معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه‌بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود، خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهند." (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۴۹)

گرچه مشهودترین تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای در کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق به چشم می‌خورد. با این حال در سایر کشورهای منطقه نظیر پاکستان و ترکیه، به دلیل روابط حسنه دولتهای این

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۴۵

کشورها با تهران و عدم احساس تهدید اسلام آباد و آنکارا از تهران، پدیده انقلاب ایران در سطح دولتها نیز با استقبال نسبی مواجه شد. همسایه بزرگ شمالی ایران یعنی اتحاد جماهیر شوروی که در آن زمان کشور مسلمان و همسایه افغانستان را نیز در اشغال داشت، با پیروزی انقلاب اسلامی به گونه‌ای کاملاً متفاوت برخورد کرد. شوروی‌ها که با حساسیت خاص تحولات انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت و جنبش بزرگ ضدآمریکایی در منطقه می‌دانستند و از آن استقبال می‌کردند نگران تأثیرات میان مدت و درازمدت آن در جمهوری‌های مسلمان‌نشین قفقاز و آسیای مرکزی خود نیز بودند و باتوجه به شعار نه شرقی، نه غربی انقلاب ایران، همواره از تشدید جو ضدکمونیستی در منطقه نگران بودند. موضع صریح ایران درخصوص اشغال افغانستان و محکومیت این اشغال از دیگر منابع تنش در روابط تهران و مسکو به‌شمار می‌رفت.

۲-۲. سطح جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران شاید بیشترین و عمیق‌ترین بازتاب و تأثیرات خود را در سطح دوم یعنی جهان اسلام داشت. جهان اسلام در اینجا همه کشورهای مسلمان مجاور و همسایه ایران، جنوب و شرق آسیا، خاورمیانه عربی، شمال آفریقا و حتی جوامع اسلامی در اروپای غربی و آمریکای شمالی را نیز دربرمی‌گیرد. نکته جالب توجه در این خصوص تأکید آشکار و پافشاری شدید رهبری انقلاب بر این بعد انقلاب و طرح‌ها و اندیشه‌های آن برای جهان اسلام است. فراز ذیل از امام خمینی (ره) در این باره کاملاً گویاست:

مسلمانان باید بدانند که پس از انقلاب اسلامی و توجه به قدرت خارق‌العاده اسلام، توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکا از ایجاد تفرقه بین برادران اهل سنت و تشیع و هجوم به ایران که مرکز ثقل نهضت اسلامی است تا نقشه عمیق و گسترده هجوم به لبنان و آن

و در رأس
فتن از ابزار
ت منفی و
برسانند و
فیزیکی و
ورها صادر
دور فیزیکی
ی کردند، از
ل می‌توان

بشود این
کشورگشایی
دانسیم همه
بن چیزی که
تند و دست
و در همه
ب ما این
رفتاری که
همه مخازن
می‌کنند،

نطقه‌ای در
ال در سایر
لتهای این

۳۴۶ ○ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

جنایات عظیم، همه و همه برای اسلام زدایی و تضعیف جریان است، به بیروت و لبنان خلاصه نمی‌شود، که اسلام در همه جا و در کشورهای اسلامی خصوصاً منطقه خلیج فارس و حجاز مرکز وحی الهی، هدف است. هدف اول آن است که حکام منطقه، چشم بسته در فرمان امریکا و از آن دردناکتر اسرائیل باشند و ننگ هر تحقیر و نوکری را بپذیرند. در چنین جو و فاجعه عظیمی، ملت‌های اسلامی نباید بی تفاوت باشند و از هیچ کوششی در راه حفظ اسلام و کشورهای اسلامی نباید دریغ کنند." (امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۹)

ایشان در جای دیگری با تاکید بر وحدت اسلام چنین هشدار می‌دهند:

"مسلمانان حاضر در مواقف کریمه در هر ملت و مذهب که هستند باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان ﷺ، ابر قدرت‌ها خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیر زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی، تفرقه انداختن بین مسلمانان به هر شکل که بتوانند می‌باشد. ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان بپاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد." (امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۴۶)

به اعتراف اکثریت قریب به اتفاق تحلیل‌گران غربی و بومی جهان اسلام، انقلاب اسلامی ایران تأثیرات مهم و تعیین‌کننده‌ای در سراسر قلمرو و گستره جهان اسلام برجای گذارد. برای اثبات این مدعا کافی است سفری کوتاه به پایتختهای جهان اسلام از اسلام‌آباد تا آنکارا، قاهره تا رباط، کوآلامپور تا

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۴۷

جاکارتا یا شهرهایی با جمعیت قابل ملاحظه مسلمان نظیر ارومچی در سین کیانگ چین داشته باشید و در کوچه و خیابان یا مراکز دانشگاهی و مساجد این شهرها حضور یابید تا انعکاس و ابعاد نفوذ و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را در جهان اسلام دریابید.

برنارد لوئیس در توصیف انقلاب اسلامی، آن را انقلابی واقعی و دارای اصالت و در ردیف انقلابهای بزرگ تاریخ یعنی انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه ذکر می‌کند.^۱

وی سپس با اذعان به اهمیت و نقش انقلاب ایران در جهان اسلام اظهار می‌کند که این انقلاب تأثیرات شگرف و عمیقی در تمامی جوامعی که با آنها منظومه گفتمان مشترک داشت برجای گذارد و از این حیث جهان اسلام در کلیت خود از انقلاب ایران تأثیر پذیرفت. (Lewis 1999)

اسلامی کردن مسئله فلسطین یکی از جلوه‌های پررنگ تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در مناسبات و تحولات جهان اسلام است. ظهور و شکل‌گیری و افزایش روزافزون قدرت حماس و جهاد اسلامی فلسطین و بالاخره تولد انتفاضه مردم فلسطین، همگی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران ارزیابی می‌شود. در میان گروه‌های فلسطینی که به‌طور جدی از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند بایستی به جهاد اسلامی فلسطین^۲ اشاره کرد. باری روبین در کتاب خود تحت عنوان "انقلابیون و اصلاح‌طلبان در نهضت‌های معاصر اسلامی در خاورمیانه" با اشاره به میزان تأثیرپذیری حرکت‌های انقلابی معاصر در جهان

۱. برنارد لوئیس استاد دانشگاه پرینستون و مستشرق جنجال بر انگیز آمریکایی اظهارات فوق را در یک سخنرانی در مؤسسه مطالعات عالی ریموند ماکلر در دانشگاه تل آویو در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۹ ایراد کرده است.

متن کامل سخنرانی در آدرس اینترنتی ذیل قابل دسترسی است:

<http://www.tau.ac.il/dayancenter/mel/lewis.htm>

2. Palestinian Islamic Jihad

اسلام از وقوع انقلاب اسلامی ایران به طور مشخص به چگونگی تأثیرپذیری حرکت جهاد اسلامی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران و فاصله گرفتن آن از گرایشات ملی‌گرایانه‌ای اشاره می‌کند که محور فعالیت سایر گروه‌ها و حرکت‌های فلسطینی بوده‌اند. وی استقبال حرکت‌های دانشجویی در دانشگاه‌های فلسطینی از الگوی انقلاب اسلامی را نتیجه سرخوردگی جوانان فلسطینی، عملکرد سازمان‌های قومیت‌محوری نظیر اخوان المسلمین می‌داند. (Rubin 2003)

از دیگر جلوه‌های حضور انقلاب اسلامی در جهان اسلام می‌توان به تلاش ایران برای ایجاد همبستگی اسلامی میان ملتها و دولتهای اسلامی اشاره کرد. این تلاش در سه سطح رسمی، نیمه رسمی و غیررسمی قابل مشاهده است. در سطح رسمی این تلاش در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و تلاشهای دوجانبه دیپلماتیک میان تهران و پایتخت‌های جهان اسلام صورت می‌گیرد. نقطه اوج این جلوه را می‌توان در سالهای ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی مشاهده کرد، این ریاست با میزبانی ایران از رهبران جهان اسلام در پاییز ۱۳۷۶ در تهران آغاز شد. در دو سطح نیمه رسمی و غیررسمی نیز می‌توان به تلاشهای ایران برای استفاده از مراسم حج جهت بیداری، هوشیاری و حرکت مسلمانان به سوی اتحاد و یگانگی و نیز به ابتکارات تهران برای ایجاد وحدت میان شیعه و سنی، برگزاری کنفرانسهای علمی با هدف تقریب میان مذاهب اسلامی و غیره اشاره کرد. اعلام روز جهانی قدس و نیز هفته وحدت دو نمونه و راهکار اجرایی ایران برای نیل به اهداف فوق تلقی می‌شود.

۲-۳. سطح بین‌المللی

و بالاخره تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح جهانی و نظام بین‌الملل را می‌توان در چارچوب دستاوردهای درازمدت و کلان انقلاب مطالعه کرد. به چالش گرفتن وضع موجود در نظام بین‌الملل که به شدت به نفع قدرتهای بزرگ

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۴۹

سلطه گر و به ضرر کشورهای کوچک و ضعیف است، مهمترین چالش میان ایران و واضعان و حامیان وضع موجود در نظام بین الملل است. جلوه هایی از این چالش و اعتراض انقلاب ایران به آنچه را رهبری انقلاب آن را استکبار جهانی اعم از شرق و غرب نام نهاد در جملات زیر قابل مشاهده است:

"در سالهای طولانی، تبلیغات دامنه دار دولت های شرق و غرب موجب این شد که ملت های مسلم از آنان یاری بخواهند و گمان کنند که ترقیات این کشورهای ضعیف، در گرایش به یکی از این دو ابر قدرت است، لکن به هر طرف که تمایل پیدا کردند، بعد از مدتی فهمیدند که آنها جز اسیر کردن اینها و بردن خزاین و غارت کردن مخازن آنها کار دیگری نمی کنند. در عصر ما ملت دریافت که شاه به واسطه پیوندی که با غرب مخصوصاً با آمریکا دارد و همین طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است. بلکه نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده است و فهمیده اند جنایات فوق العاده ای که مرتکب می شود به واسطه پیوندی است که شاه با ابر قدرت ها دارد، از این جهت ملت ما بپا خواست و سایر ممالک از جمله ممالک اسلامی نیز به این حقیقت توجه پیدا کردند و با مطالعه تاریخشان درک کردند که تمام گرفتاری هایی که ملت ها پیدا کردند از دست این ابر قدرت ها است و اسلام که تمام آرزوی بشر را به طور شایسته در دسترس آنها قرار داده؛ دارای قوانین غنی ای است که هر کس به آنها توجه پیدا کند. ناچار به اسلام گرایش پیدا خواهد کرد و مسلمین بعد از سالهای طولانی که در غفلت بودند، حالا مقداری رو به بیداری گذاشتند و مقداری توجه به اسلام پیدا کردند و

پذیری
تن آن از
رکتهای
سطینی از
عملکرد

به تلاش
کرد. این
در سطح
دوجانبه
اوج این
مشاهده
در تهران
های ایران
ن به سوی
ه و سنی،
ره اشاره
نرایی ایران

ن الملل را
ه کرد. به
تهای بزرگ

۳۵۰ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

امید این هست که توجه آنها به اسلام بیشتر بشود و اسلام را آن طور که هست بشناسند. در صورت شناخت صحیح، گرایشات آنها به شرق و غرب به کلی منقطع خواهد شد. (امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۱۸۳-۱۸۴)

با این همه کماکان نوک حمله انقلاب اسلامی متوجه آمریکا و نقش آن در نظام بین الملل و بویژه منطقه خاورمیانه باقی ماند. این استراتژی کلی انقلاب ایران را می توان در جملات زیر آشکارا یافت:

"مهمترین و درد آورترین مساله ای که ملت های اسلامی و غیراسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع آمریکاست. دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می گردد، استثمار می نماید." (امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۸۴)

اعتراض شدید ایران به وجود حق و تیر در شورای امنیت سازمان ملل، درکنار به چالش گرفتن مناسبات اقتصادی غیر عادلانه میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و نیز یکسویه بودن روابط فرهنگی میان شمال و جنوب، همگی از نمونه های بارز تقابل و مواجهه میان اصول بنیادین انقلاب اسلامی و شرایط حاکم بر نظام بین الملل در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

یکو
در قرارگ
دانست.
سه انقلاب
نویسنده
می نامد.
به
انقلاب
رسمیت
مطالعه پد
تدا اسکا
با تجزیه
افزودند.
درمقایس
همانگون
به شمار
جدید در
9: 293
رای
ضمن بر
شکل ده
ایران پس

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۵۱

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر را می‌توان در قرارگرفتن آن در زمره انقلابهای سرنوشت‌ساز جهان در تاریخ معاصر دانست. ماروین زونیس در زمره نویسندگانی است که انقلاب ایران را در ردیف سه انقلاب بزرگ و ماندگار تاریخ ذکر می‌کند. (Zonis 1996) و رابین رایت نویسنده و روزنامه‌نگار جنجالی آمریکایی آنرا آخرین انقلاب بزرگ عصر مدرن می‌نامد. (Wright 2000)

به موازات اینکه دولتمردان، سیاستمداران، تحلیل‌گران و افکار عمومی انقلاب اسلامی ایران و ابعاد تأثیرگذار آن بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را به رسمیت شناختند، به تدریج محافل آکادمیک و دانشگاهی نیز علاقه و افری به مطالعه پدیده انقلاب اسلامی و مقایسه آن با سایر انقلابهای جهان نشان دادند. تدا اسکاچپول^۱ در زمره این افراد به‌شمار می‌رود. بعدها سایر متفکرین آکادمیک با تجزیه و تحلیل و نقد آراء و افکار وی ابعاد جدیدتری به مطالعات وی افزودند. احمد اقبال، پژوهشگر و محقق در توضیح و تأیید نظریه اسکاچپول در مقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فرانسه به صراحت اظهار می‌کند همانگونه که انقلاب فرانسه نقطه عطف و آغاز یک دوران جدید در اروپا به‌شمار می‌رود، انقلاب ایران نیز دقیقاً چنین نقشی در ایجاد و آغاز یک دوران جدید در جنوب و غرب آسیا و بطور عام‌تر در جهان سوم ایفا کرد. (Eqbal 1989: 293)

راینهارد شولز در کتاب خود تحت عنوان "تاریخ مدرن جهان اسلام" ضمن برشمردن نقش ایران و انقلاب اسلامی در جهان اسلام به اهمیت آن در شکل‌دهی به تاریخ مدرن جهان اسلام می‌پردازد. وی در بخشی از کتاب خود، ایران پس از انقلاب اسلامی را مهمترین نامزد دارای نقش هژمون در جهان

1. Theda Skocpol

اسلام و نیز مهمترین رقیب عربستان سعودی در جهان اسلام می‌داند. گرچه وی تلاش ایران را برای ایفای نقشی که وی آنرا تولد نوین جمهوریت در جهان سوم می‌نامد موفقیت‌آمیز نمی‌داند. (Schulze 2000: 226) اما با این همه اذعان می‌کند انقلاب اسلامی، آغازی سمبلیک برای دوران جدیدی از اعتماد به نفس در جهان اسلام به‌شمار می‌رود. نکته جالب توجه در تحلیل و ارزیابی شولز از نقش پیروزی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام اشاره کنایه‌آمیز وی به این حقیقت است که پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی که مصادف با سال ۱۳۹۹ یا سال پایانی قرن چهاردهم هجری قمری بود را می‌توان نشانه‌ای سمبلیک از این واقعیت دانست که قرن پانزدهم قرن احیا و نقش‌آفرینی اسلام خواهد بود. (Schulze 2000)

تجدید حیات اسلام و مطرح شدن اسلام انقلابی به‌عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. بسیاری از نویسندگان و تحلیل‌گران، ابعاد و حیطه نفوذ ایران را در محیط منطقه‌ای و کشورهای همجوار ایران محدود نمی‌دانند و تأثیرات این تحول را در شمال آفریقا و شرق آسیا نیز جستجو می‌کنند. (Mutalib 1990: 877)

به باور محققینی چون محمد ابوبکر، تجربه انقلاب اسلامی ایران یک چهره جدید و محبوب را از اسلام به دروازه کشورهای مسلمان شرق آسیا از جمله مالزی برد. الهام از انقلاب اسلامی ایران در شرق آسیا و به‌ویژه مالزی هیچ‌گاه به محبوبیت توده‌ها محدود نشد بلکه بسیاری از احزاب سیاسی را بر آن داشت تا اسلام و تمسک به اسلام را با الگوگیری از انقلاب اسلامی به‌عنوان یک مکانیسم و سلاح برای جذب آراء برای خود بدانند. (Abubakar 1981)

پروفسور حسین مطلب، استاد علوم سیاسی در دانشگاه ملی سنگاپور با اشاره به چگونگی و میزان نفوذ انقلاب اسلامی ایران بر جریان‌ها و حرکت‌های

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۵۳

سیاسی - اجتماعی در شرق آسیا به طور مشخصی به ذکر نمونه‌هایی از مالزی می‌پردازد و اذعان می‌کند درست پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نهضت‌ها و حرکت‌هایی چون نهضت اسلامی جوانان مالزی و نیز حزب اسلامی مالزی^۲ با الهام گرفتن از الگوی انقلاب اسلامی ایران خواهان توسل به قرآن و سنت و نقش آنها به عنوان منابع حقوقی برای تدوین قوانین شدند. (Mutalib 1990: 884)

در کنار تأثیرات منطقه‌ای پیروزی انقلاب اسلامی در سطح خاورمیانه و جهان اسلام، وقوع انقلاب اسلامی که به سرنگونی محمدرضا پهلوی و فروپاشی یکی از هم‌پیمانان و متحدان غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا منجر شد امواج گسترده‌ای در مقیاس جهانی در نظام بین‌الملل ایجاد کرد. زمانی که ایالات متحده متحد استراتژیک خود را در منطقه از دست داد نوعی موازنه قوا میان دو ابرقدرت به نفع مسکو بر هم خورد و ناتوانی آمریکا و غرب در حمایت مؤثر از شاه در مقابله با انقلابیون نیز یک سرافکنندگی جبران ناپذیر برای واشنگتن به‌شمار می‌رفت. این امر آنگاه به اوج خود رسید که ایرانی‌ها برای دومین بار در کمتر از یک سال با تسخیر سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی که از نگاه آنها جاسوسانی بودند که در لباس دیپلمات برای سرنگونی حکومت نوپای انقلابی نقشه می‌کشیدند، آمریکاییها را به شدت تحقیر کردند و جایگاه آنرا به عنوان یک ابرقدرت در نظام بین‌الملل به چالش گرفتند.^۳ شاید به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران، انقلاب ایران را یک شک بزرگ برای امپریالیسم آمریکا دانستند. سرنگون کردن یک رژیم تحت حما

Malaysian Islamic Youth Movement (ABIM)

Malaysian Islamic Party of Malaysia (PAS)

۳. برای مرور تحلیلهای بیشتر در این خصوص رجوع کنید به :

Encyclopedia Britannica (2007) under: International Relations: The Iranian Revolution

pp. 142.

وی
سوم
عان
نس
لز از
این
سال
انه‌ای
سلام

هم و
دهای
گران،
حدود
ستجو

ن یک
سیا از
مالزی
بر آن
ان یک

ناپور با
کتهای

روزنامه کسپ

۳۵۴ ○ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

آمریکا بدون آنکه آمریکا بتواند کاری برای نجات او انجام دهد همراه بیرون رفتن ایران از پیمان سنتو که به فروپاشی آن منجر شد و بالاخره پایان دادن به نقش ژاندارمی منطقه از دیگر تأثیرات منطقه ای و فرامنطقه ای انقلاب ایران محسوب می شود. (Haliday 1980: 3)

از دید پاره ای از تحلیل گران نظیر فرد هالیدی، قطع کردن دست اجانب و پایان دادن به مداخله بیگانگان، به ویژه کشورهای قدرتمند اروپایی و ایالات متحده آمریکا که سابقه ای به درازای تاریخ مدرن ایران از قرن نوزدهم تا ۱۹۷۹ داشت در زمره دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی به شمار می رود. نکته جالب توجه از دیدگاه هالیدی آن است که ایران کشوری که در دوران قبل از انقلاب ۱۳۵۷ تا این حد تحت تأثیر و نفوذ جهان خارج بود به یکباره با پیروزی انقلاب اسلامی به تأثیرگذارترین و صاحب نفوذترین کشور و بازیگر در منطقه تبدیل شد و توانست حوزه همسایگی خود را از شرق به سمت افغانستان و از غرب و جنوب به سمت دنیای عرب به شدت تحت نفوذ و تأثیر خود قرار دهد. (Haliday 1989: 19)

هنگامی که از تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل صحبت می شود، دیدگاههای متفاوت و متنوعی درباره چگونگی و میزان این تأثیرات به چشم می خورد. اما با این همه این اصل که انقلاب اسلامی به رغم همه فشارها و تهدیدات و حملات پنهان و آشکاری که علیه آن صورت گرفت، توانست نه تنها بقاء و استمرار یابد بلکه بر میزان نفوذ خود در ترتیبات منطقه ای و بین المللی بیفزاید، این واقعیتی است که منجر مشترک و کف حداقلی این تحلیل ها را در برمی گیرد. اریک هوگلند، نویسنده شهیر نیویورک تایمز در این خصوص نفس بقاء و استمرار حیات انقلاب اسلامی را به رغم تمامی تلاشهایی که برای سرنگونی آن به عمل آمده است قابل ملاحظه ترین واقعیت در خصوص ایران و جایگاه آن در نظام بین الملل می داند. (Hoogland 1989: 4)

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۵۵

برای بسیاری از نویسندگان و متفکرین متمایل به چپ در سراسر جهان حتی در ایالات متحده آمریکا، انقلاب ایران را سرشکستگی بزرگی برای جهان سرمایه‌داری و چیزی می‌داند که آنها آنرا امپراطوری شیطان آمریکا می‌نامیدند. ریچارد فالک، میشل فوکو و ادوارد سعید در زمره متفکرین و نویسندگانی بودند که لااقل در آستانه وقوع انقلاب اسلامی و در سالهای نخستین پس از پیروزی با چنین رویکردی به انقلاب می‌نگریستند.^۱ بر مبنای چنین دیدگاهی، انقلاب ایران نمونه یک خیزش محبوب مردمی از درون جهان سوم به منظور مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و با هدف استقرار یک نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و در تعارض آشکار با اصول جهان سرمایه‌داری بود. (Falk 1979)

انقلاب ایران به‌رغم ماهیت شیعی خود، به دلیل نگاه باز، جامع، و کلان‌نگر علمای شیعه توانست خیلی راحت و زود در اقصی نقاط جهان اهل سنت نیز نفوذی قابل توجه و ماندگار پیدا کند. از نظر نویسندگانی چون الیزابت مایر یکی از دلایل این نفوذ را باید در این واقعیت جستجو کرد که به رسمیت شناختن و احترام کامل به اقلیت اهل تسنن و فرقه‌های اصلی آن همواره مورد تاکید رهبران انقلاب ایران بوده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بدان تصریح شده است. (Mayer 1987:133)

سؤال اساسی و عمده‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا چگونه انقلاب اسلامی به‌رغم تأثیرات عظیم و شگرفی که بر شکل‌گیری نضج‌گیری حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام داشت هیچگاه به وقوع دو

۱. میشل فوکو و دیدگاه‌های وی درباره انقلاب ایران یکی از نمونه‌های قابل توجه در این است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص به منبع زیر مراجعه کنید:

J. and Kevin B. Anderson (2005) *Foucault and the Iranian Revolution: Gender and the Seductions of Islamism*. Chicago: Chicago University Press.

بیرون
دادن به
ایران
عانب و
ایالات
۱۹۷۹
جالب
انقلاب
انقلاب
تبدیل
غرب و
ود قرار
می‌شود،
چشم
شارها و
نه تنها
المللی
ما را در
نفس
برای
ایران و

۳۵۶ ○ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی از نوع خود در جهان اسلام منجر نشد و چرا فروپاشی و سرنگونی حکومت‌های حاکم بر آن کشورها و تأسیس یک جمهوری اسلامی مشابه ایران را به دنبال نیاورد. آصف بیات در زمره تحلیل‌گرانی است که معتقد است دلیل اصلی این امر این بود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به موازات تأثیرگذاری و ارسال پیام انقلابی به جوامع اسلامی و حرکت‌های مردمی در جهان اسلام، نوعی پیام بیدارباش نیز برای حکومت‌ها و رهبران این کشورها نیز فرستادند و رهبران کشورهای چون مصر با درس گرفتن از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کوشیدند با رویکردها و راهکارهای متفاوت، گاه با اعطای آزادیهای محدود و گاه با سرکوبهای مقطعی و شدید از تکرار وقوع انقلاب ایران در کشورهای خود جلوگیری کنند. (Bayat 1988: 169)

به زعم بسیاری از ناظران و متفکران که راجع به انقلاب اسلامی، ریشه‌های آن و نیز تأثیرات آن بر محیط اطراف خود کتاب و مقاله نوشته‌اند، وقوع انقلاب اسلامی در ایران تأثیر شگرف و بی‌چون و چرایی را بر ظهور و کامیابی پدیده اسلام انقلابی همچون یک ایدئولوژی بر جای گذارد، پدیده‌ای که توانست به زودی شانه به شانه و همگام سایر ایدئولوژی‌های انقلابی در تاریخ معاصر جهان گام بردارد. (AmirArjmand 1986: 414)

انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر ایدئولوژی‌های انقلابی در غرب که در قرن بیستم ظهور کردند یک ویژگی و تفاوت عمده داشت و آن اینکه برخلاف ایدئولوژی‌هایی نظیر نازیسم و کمونیسم نه تنها بخش عظیمی از انرژی و پتانسیل خود را صرف مبارزه با پدیده‌ی مذهب نکرد بلکه از تمامی پتانسیل‌های مذهب بعنوان پدیده‌ای که منشاء آن در اعتقادات و باور توده‌ها است برای خدمت به انقلاب و ایدئولوژی انقلابی بهره گرفت. (AmirArjmand 1986: 414)

با طرح ایده امت اسلامی همچون یک واحد و بازیگر سیاسی در نظام بین‌الملل و تلاش برای تبیین و ترویج آن، رهبران انقلاب اسلامی ایران لااقل در

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۵۷

بعد نظری، بنیادی ترین اصل سیاست بین الملل از عهد و ستفالی تاکنون یعنی دولت-ملت را به چالش گرفتند. از این منظر تقسیم کشورها بر اساس مرزهای جغرافیایی ابداع و سوغات غربی است که به زور و اجبار بر سایر ملل از جمله جهان اسلام تحمیل شده است. (Zubaida 1988:3)

یکی از ویژگیهای مهم و قابل ملاحظه در خصوص انقلاب اسلامی که مورد توجه ناظران و تحلیل گران قرار گرفته، کامیابی و موفقیت نسبی آن در حوزه های اقتصاد اسلامی از قبیل سیستم های مالیاتی و بانکداری مبتنی بر قوانین اسلامی و نیز در حوزه های سیاسی از قبیل مردم سالاری دینی بوده است. سامی زبیده، نویسنده، تحلیل گر و استاد دانشگاه لندن در این خصوص می نویسد:

«تجربه جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست در مقایسه با همسایگانش بسیار متفاوت است. گفتمان هایی نظیر مشروعیت و رضایت پدیده هایی کاملاً اسلامی هستند که در ایران مورد توجه قرار گرفته و موجب شده اند ایران پس از انقلاب از حیث باز بودن و تکرگرا بودن قابل مقایسه با همسایگان عرب خود نباشد بلکه نزدیکترین مدل به نمونه مدرن غربی باشد.»
(Zubaida 1988: 6)

۳۵۸ ○ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

فرجام سخن

همانگونه که طی این نوشتار نشان دادیم اجماع نظر زیادی در میان نویسندگان و نظریه پردازان انقلاب در خصوص اهمیت انقلاب اسلامی ایران و همسنگ و همپراز بودن آن با انقلابهای کلاسیک و بزرگ جهان از جمله سه انقلاب فرانسه، روسیه و چین وجود دارد. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران در سطوح سه گانه بین‌المللی، منطقه‌ای و جهان اسلام توانسته است بر نظام بین‌الملل تأثیرات عمیق و مهمی برجای گذارد. در خصوص تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌توان از به چالش گرفتن نظام دو قطبی در سالهای پایان جنگ سرد و قبل از فروپاشی بلوک شرق و سپس به چالش گرفتن اصالت و مشروعیت ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مهمترین این تأثیرات نام برد. به چالش گرفتن قدرت و هیمنه ایالات متحده آمریکا و تحقیر آن در زمره دیگر نقش آفرینی‌های پر رنگ انقلاب ایران در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌رود. انقلاب ایران چهره و تصور اسلام را در جهان و به‌ویژه در جهان غرب تغییر داد و آنرا با سیاست عجین کرد. انقلاب اسلامی برای جهان اسلام نوعی بازگشت به خوشتن و تجدید حیات سیاسی و اجتماعی را به ارمغان آورد. به‌طوریکه تب اسلام انقلابی از ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب در ایران، خیابانهای قاهره، بیروت، ریاض، اسلام‌آباد و سایر پایتختهای جهان اسلام را دربرگرفت. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران همچنین توانست نوعی اعتماد به نفس و امید را در کشورهای جهان سوم پدید آورد و این کشورها را برای رسیدن به استقلال واقعی و رها شدن از وابستگی سیاسی و اقتصادی به مراکز قدرت جهانی امیدوارتر کند.

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۵۹

فهرست منابع

الف: فارسی

۱. امام خمینی (۱۳۷۹) *صحیفه نور*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلدهای: ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۹.

ب: لاتین

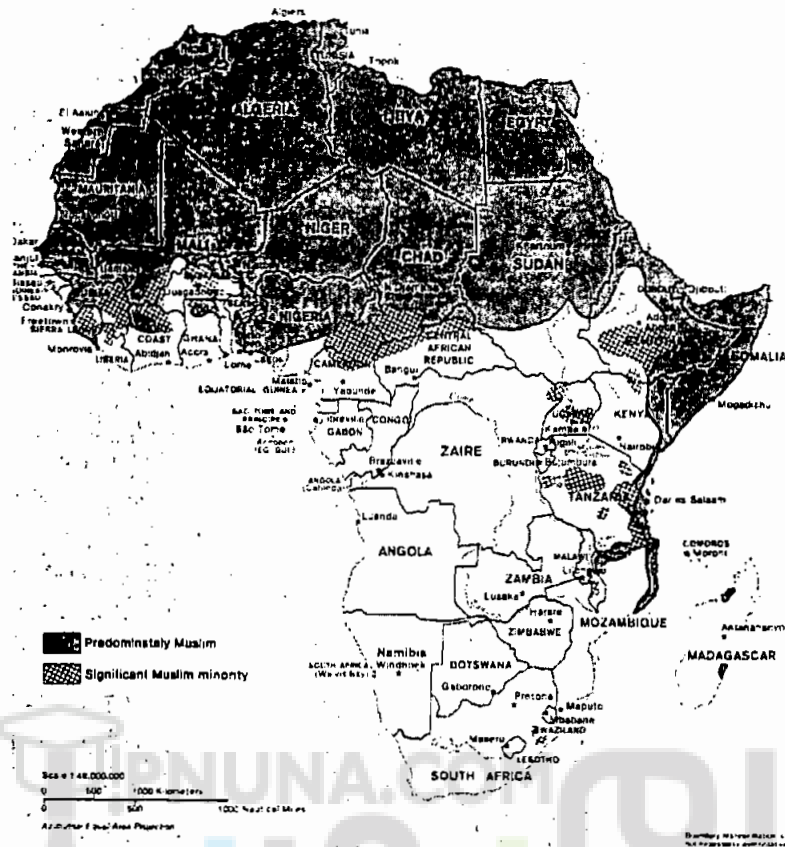
2. Abubakar, Mohammad (1981) "Islamic Revivalism and the Political Process in Malaysia," *Asian Survey*, vol.21, No 10 (Oct. 1981) pp.1040-1059.
3. Afravy, J. and Kevin B. Anderson (2005) *Foucault and the Iranian Revolution: Gender and the Seductions of Islamism*. Chicago: Chicago University Press.
4. AmirArjmand, Saeid (1986) "Iran's Islamic Revolution in Comparative Perspective", *World Politics*, vol.38, No.3, pp.383-414.
5. Asch, Ronald G. (1997) *The Thirty Years War: The Holy Roman Empire and Europe, 1618-1648*. New York: St. Martin's Press.
6. Bayat, Asef (1988) "Revolution Without Movement, Movement Without Revolution: Comparing Islamic Activism in Iran and Egypt", in: *Comparative Studies in Society and History*, vol. 40, No.1, pp.136-169.
7. Eqbal, Ahmad (1989) "Comments on Skocpol", *Theory and Society Journal*, vol. 11, No. 3 pp. 293- 300.
8. Falk, Richard (1979) "Iran's Home-Grown Revolution", *The Nation*, vol. 228 No .5.
- Haliday, Fred (1980) "Iran's Revolution: The First Year", *MERIP Reports*, No.88, pp.3-5.

۳۶۰ گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران

9. Haliday, Fred (1989) "The Revolution's First Decade", *Middle East Report*. No.156, pp.19-21.
10. Hoogland, Eric (1989) "The Islamic Republic at War and Peace", *Middle East Report*. No.156, pp.4-12.
11. Jones, Peter (1991) *The 1848 Revolutions*. London: Longman.
12. Kowalski, Ronald (1997) *The Russian Revolution: 1917-1921*. London: Routledge.
13. Lewis, Bernard (1999), Speech at Dayan University, Israel. The Full Text of the Speech can be accessed at: <http://www.tau.ac.il/dayancenter/mel/lewis.htm>
14. Mayer, Ann Elizabeth (1987) "Law and Religion in the Muslim Middle East", *The American Journal Comparative Law*. vol. 35, No 1. pp.127-184.
15. Mutalib, Hussein (1990) "Islamic Revivalism in ASEAN States: Political Implication", *Asian Survey*. vol. 30, No.9. pp.877-891
16. Polisenský, J.V. (1968), "The Thirty Years' War and the Crises and Revolutions of 16. Seventeenth-Century Europe", *Journal of Past and Present*. No. 39. (Apr., 1968), pp. 34-43.
17. Robertson, Priscilla Smith (1968), *Revolutions of 1848: A Social History*. Princeton: Princeton University Press.
18. Rubin, Barry. (2003). *Revolutionaries and Reformers: Contemporary Islamist Movements in the Middle East*. New York: SUNY Press.
19. Schulze, Reinhard (2000) *Modern History of Islamic World*. London: Touris.

انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل ○ ۳۶۱

20. Sperber, Jonathan (2005) *The European Revolutions, 1848 - 1851: New Approaches to European History*. Cambridge : Cambridge University Press.
21. Toynbee, Arnold Joseph (1967) *The Impact of the Russian Revolution, 1917-1967: The Influence of Bolshevism*. Oxford: Oxford University Press.
22. Wright, Robin (2000) *The Last Great Revolution: Turmoil and Transformation in Iran*. New York: Knopf.
23. Zonis, Marvin (1996) quoted in Wright Robin, *Sacred Rage, The Crusade of Modern Islam*. New York: Linden Press.
24. Zubaida, Sami (1988), "An Islamic State? The Case of Iran." *Middle East Report*. No. 153, pp.3-7.



انقلاب اسلامی و آفریقا

پایگاه خبری دانشجویان پیام نور

دکتر محمدرضا حاتمی

معنی که هرگونه تلاشی جهت تغییر و وضع و نظم موجود بین المللی که همان سلطه استبداد جهانی است باتوجه به قدرت نظامی قدرتهای بزرگ به شدت پاسخ داده می شود و به عنوان یاغی از نظم موجود تنبیه خواهد شد.

مع الاسف برخی از مسلمانان نیز چنین ایده ای را بعنوان و اقعیتی لایتغیر و ثابت پنداشته و تلاش خودرا صرف دور شدن از فرهنگ اسلامی و پیوستن به تمدن و فرهنگ غرب می کردند.

درچنین شرایطی انقلاب اسلامی ایران فارغ از همه قطب بندیها و معادلات سیاسی بین الملل، بعنوان جلوه نیرومند از ارزشها و فرهنگ و تمدن اسلامی با هدف نفی هرگونه کفر و شرک و حذف نظامهای فرعونی و سلطنتی، حفظ استقلال و آزادی، حاکمیت احکام الهی در کلیه شئون حکومتی، مبارزه دائم با استکبار و استعمار شرق و غرب و اسرائیل، حمایت و پشتیبانی از کشورهای مسلمان تحت ستم و حرکتها و جنبشهای آزادیبخش جهانی پدید آمد و تفکرات و ایدئولوژیهای حاکم جهانی را بی اعتبار و در

دهه های پایانی قرن بیستم میلادی از سالهای بسیار مهم در تاریخ معاصر اسلام و نیز نهضتهای اسلامی می باشد. انقلاب اسلامی به عنوان بزرگترین پدیده تاریخ اسلام و شگفت انگیز ترین انقلاب این قرن براساس اصول و بنیادهای اسلام و منطبق با نیازهای عصر بوقوع پیوست. این پدیده دقیقاً در زمانی پدیدار شد که ساختار نظام بین الملل مبتنی بر دو قطب لیبرال دموکراسی غرب از یکسو و کمونیزم و سوسیالیسم شرق در نقطه مقابل آن بود. بالطبع جنبشها و انقلابهایی که بوقوع می پیوست یا متکی به شرق و منطق بر ایدئولوژی مارکسیسم بود و یا ازجانب امپریالیسم غرب و ایدئولوژی لیبرال دموکراسی حمایت می شد و بویژه که از طرف غرب چنین نیز و انمود شده بود که اسلام یک پدیده کهنه و ارتجاعی است و همه باید مشروعیت و برتری تمدن غرب را بپذیرند و اصولاً دوره معاصر را دوره پایان مذهب و عصر لائیک و ایسمهای خود چون لیبرالیسم و ناسیونالیسم نام نهادند. بدین

دوره طلوع روز آفریقا

**دکترین انقلاب اسلامی که توسط
حضرت امام خمینی(ره) ارائه گردید،
موجی از حرکت انقلابی و بیداری
اسلامی را در جهان اسلام و در سطح
منطقه استراتژیک خاورمیانه و بویژه
در قاره آفریقا بوجود آورد.**

ابراز نگرانی شدید، تجدید حیات اسلامی را مهمترین و اقعه قرن بیستم می نامد و اظهار می دارد که شور و هیجان مذهبی انقلاب ایران از مرزها خواهد گذشت.

یکی دیگر از جرائد مشهور ضمن تحلیل حرکت جهانی اسلام با اشاره به انقلاب اسلامی ایران می نویسد: بی تردید انقلاب آیت الله خمینی در ایران بارقه ای پدید آورده است که موج انقلاب اسلامی کنونی را ایجاد کرده است.(۲)

خبرگزاری فرانسه نیز در گزارشی با اشاره به رشد گرایشات اسلامی توسط مسلمانان آسیا، آفریقا و دیگر نقاط جهان و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آنها به مطالب مهمی اشاره می کند.

« ده سال پس از ظهور جمهوری اسلامی در ایران که جان تازه ای به کالبد بنیاد گرایی بخشید می گذرد، سال ۱۹۸۹ افشاگر اهمیت گسترده رشد این جنبش در جهان غرب است، تصادف تاریخ خواست که پیدایش فضای باز سیاسی در بعضی از کشورهای نقش کاتالیزور را در این پدیده ایفا کند. برای خالی کردن زیر پای طرفداران بازگشت به اسلام ناب، تعداد زیادی از رژیمها ناگزیر شدند با صدای قویتر و رساتر خود را پیروان پیغمبر(ص) بدانند. اکنون با به صدا در آمدن زنگ ورشکستگی ایدئولوژیهای چپ نه تنها احزاب مارکسیستی بلکه لیبرالها نیز ناگزیر به تجدید نظر در استراتژی خود هستند.(۳)

بنابراین دکترین انقلاب اسلامی که توسط حضرت امام خمینی(ره) ارائه گردید، موجی از حرکت انقلابی و بیداری اسلامی را در جهان اسلام و در سطح منطقه استراتژیک خاورمیانه و بویژه در قاره آفریقا بوجود آورد و جمهوری اسلامی ایران بعنوان ام القرای بلاد اسلامی و خاستگاه کانون انقلاب جهانی اسلام مطرح شد.

اهمیت قاره آفریقا :

قاره آفریقا با بیش از سی میلیون کیلومتر مربع پس از آسیا بزرگترین قاره کره زمین و دارای بیش از هفتصد میلیون نفر جمعیت و در برگیرنده ۵۴ کشور مستقل است. علیرغم آنکه واژه آفریقا مترادف با فقر و محرومیت، خشکسالی و عقب ماندگی

هم شکست و به سالیان سال ذلت و خواری مسلمانان پایان بخشید و با استقرار نظامی مبتنی بر شریعت اسلامی نور امید و حیات را به میلیونها مسلمان در سرتاسر جهان تاباند و این واقعیت را به منصفه ظهور گذاشت که اسلام به عنوان یک مکتب کامل نقش خود را در نجات مسلمانان از مصیبتها و حقارتهای دوران معاصر که از طرف غرب و شرق به آنها تحمیل شده بود، ایفا خواهد کرد.

اکثر اندیشمندان مسلمان نیز این موضوع را که فرهنگها و ایدئولوژیهای و ارداتی و مادی همچون ناسیونالیزم، لیبرالیسم غرب، سوسیالیسم و کمونیسم راه حل مشکلات آنها نیست به خوبی درک کرده و به انقلاب اسلامی به عنوان یک مکتب برتر و راه متکاملی که سعادت بشر را در بازگشت مجدد به معنویت معرفی می کند و در پی استقرار عدالت و آزادی است نگاه می کنند. بویژه آنکه تجربه عملی آن تجربه ای موفق، آزموده و موثر بوده است.

بدین ترتیب یکی از مهمترین و قایع قرن بیستم یعنی ظهور انقلاب اسلامی ایران با آرمان تجدید حیات اسلامی فصلی جدیدی را در تاریخ مسلمانان بوجود آورد که در نتیجه آن در سراسر جهان اسلام که در برگیرنده مناطق وسیعی از موریتانی و نیجریه در غرب آفریقا تا مالزی و اندونزی در شرق آسیا و در قلب اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین است، جنبش و حرکت عظیمی در مقابل استکبار و استبداد جهانی شکل گرفت و همچنان نیز ادامه دارد.

مجله العالم در این خصوص می نویسد : شواهد گوناگون دال بر این است که در دهه هشتاد جنبشهای اسلامی در سراسر جهان و نه فقط کشورهای اسلامی افق جدیدی پیدا کرده و اوج گرفته است. آخرین سال دهه هفتاد ۱۹۷۹ با ظهور انقلاب اسلامی و ایجاد دولت اسلامی در ایران همراه بود که متعاقب آن حرکتها و جنبشهای اسلامی در بیشتر کشورها بوقوع پیوست. پدیده دیگر مطرح شد اینکه مسجد بعنوان پایگاه اجتماعی در آمد، همچنین نوشته های اسلامی افزایش و مردم نیز متقابلاً به آن اقبال نشان دادند. شهادت محمد باقر صدر در عراق، جنگ لبنان و مقاومت مردم مسلمان و عقب نشینی نیروهای صهیونیستی از این سرزمین(۱۹۸۲) ترور سادات در سال ۱۹۸۱، تحولات تونس در اواسط دهه هشتاد، راه یابی مسلمانان به پارلمان اردن در سال ۱۹۸۹، خروج نیروهای شوروی از افغانستان در فوریه ۱۹۸۹ پس از ده سال مبارزه دائم و خونین مجاهدین مسلمان، عکس العمل های مردم در مقابل مسئله بی حجابی و غیره، همه نشانه بارزی از قدرت اسلام است. برد نهضت زیاد و فقط محدود به کشورهای اسلامی نشده بلکه در اروپا، شوروی(سابق)، چین و هند نیز محسوس است.

مسئله کتاب سلمان رشدی و عکس العمل مسلمانان، قضیه حجاب دختران مسلمان در فرانسه و انگلستان و بلژیک نیز در همین راستا است.(۱)

مؤشه دایان و زیر خارجه اسرائیل در دولت بگین انقلاب اسلامی ایران را یک زلزله در منطقه نامید و کیسینجر نظریه پرداز و طراح سیاست خارجی آمریکا گفت که مهمترین خطری که منافع آمریکا را در خاورمیانه تهدید می کند ناشی از انقلاب اسلامی ایران است و برژنف صدر هیأت رئیسه اتحاد شوروی سابق در گزارش بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست ضمن



پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و انعکاس رسانه ای آن، امواج خیزش اسلامی و حرکت‌های آزادیبخش در سراسر جهان و از جمله در کشورهای آفریقایی با شتاب فزاینده ای شکل گرفت و خیل عظیم مردم مشتاق و ستمدیده آفریقا شیفته و مجذوب الگوی انقلاب اسلامی شده و از حضرت امام خمینی رهبر بزرگ آن تجلیل و تقدیر کرده و او را ستودند.

بوده اما این قاره در برپایی تمدن بشری پیشتاز بوده و از منابع عظیم انسانی و معادن غنی زیرزمینی برخوردار و دارای ظرفیتها و توانمندیهای بسیار است. این قاره به همان اندازه به دنیای خارج نیاز دارد که تمامی جهان به آفریقا نیازمند است. از نظر دخایر معدنی این قاره تأمین کننده اصلی صنایع کشورهای صنعتی است و براساس آمارهای یونسکو ۹۶ در صد الماس، ۹۰ در صد کروم، ۸۵ در صد پلاتینوم، ۵۰ در صد کبالت، ۵۵ در صد منگنز، ۴۰ در صد بوکسیت، ۱۲ در صد مس، ۵۰ در صد فسفات، ۵۰ در صد طلا و ۳۰ در صد توریم و اورانیوم جهان در آفریقا قرار دارد. پتانسیل عظیم انرژی این قاره هنوز دست نخورده باقی مانده است و در حال حاضر فقط ده کشور آفریقایی در زمره تولید کنندگان نفت هستند. در حالی که این قاره مالک ۲۰ تا ۲۵ در صد پتانسیل هیدرولیک جهان است که تاکنون بخش کوچکی از آن تحت کنترل در آمده است.

ویژگی دیگر این قاره، موقعیت ممتاز آن در جغرافیای سیاسی جهان است. دسترسی آفریقا به حساس ترین مناطق سوق الجیشی و آبراههای استراتژیکی چون تنگه های باب المندب و جبل الطارق، کانال سوئز و دماغه امیدنیک و قرار گرفتن در میان اقیانوسهای هند و اطلس شمالی و جنوبی و دریای سرخ و مدیترانه، جایگاه ویژه ای به این قاره بخشیده است.

از لحاظ فرهنگی قریب ۶۰ در صد جمعیت این قاره پهناور را مسلمانان تشکیل می دهند. به تعبیر دیگر آفریقا تنها قاره ای است که بیشتر جمعیت آن مسلمان است. جالب آنکه رشد جمعیت مسلمانان و اسلام در آفریقا به مراتب بیشتر و سریعتر از بقیه ادیان و از جمله مسیحیت است.

به لحاظ کشاورزی باید گفت به دلیل بارانهای فراوان بیشتر زمینهای این قاره حاصلخیز است و جنگلهای انبوه در کنار مزارع سرسبز از ثروتهای خدادادی آفریقا محسوب می شود. کارشناسان معتقدند یک سوم ظرفیت رودخانه کنگو که یکی از بزرگترین رودهای جهان است می تواند برق کل آفریقا را تأمین کند. همچنین براین باورند که اگر از ظرفیت کشاورزی این قاره به نحو صحیح استفاده شود، آذوقه تمام مردم آفریقا تأمین خواهد شد.

از نظر مساحت بزرگترین کشورهای آفریقا سودان و الجزایر کشورهای مسلمان هستند و از نظر جمعیت نیز دو کشور مصر و نیجریه در رده های اول و دوم قرار دارند. بیش از ۲۰۰ میلیون

نفر از جمعیت آفریقا به عربی که زبان اول اسلام است، صحبت می کنند. زبان سواحیلی و هوسا که در شرق و غرب این قاره متداول است اختلاطی از زبانهای فارسی، عربی و ترکی است که از ممالک اسلامی از جمله ایران بوسیله شیرازیها به این خطه وارد شده است.

به لحاظ بین المللی مجموعه کشورهای آفریقایی حدود یک سوم اعضای سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای وابسته را تشکیل می دهند لذا نقش بین المللی این کشورها همواره در تحولات جهانی حائز اهمیت خواهد بود. در واقع کشورهای جهان برای پیشبرد هدفهای بین المللی خود به آرای این کشورها نیازمندند. وجود تشابه و قرابت ادیان بومی آفریقا با اسلام بسیار بیشتر از ادیان دیگر از جمله مسیحیت است. بومیان این قاره به یک نیروی ماورایی که یگانه است معتقدند مثلاً Gye Nyame یکی از سمبلها و نمادهای اصلی کشور مردم غنا است بدین معنا که تنها خدای واحد و برتر خالق کل هستی است و بجز او از کسی نباید ترسید. (۴) بنابراین چنین اعتقادی مانع از نفوذ اندیشه مبتنی بر تثلیث مسیحیت در جامعه آفریقایی است آنها همچنین به وجود روح، معاد روحانی و جسمانی، چند همسری و احترام به والدین در حد پرستش معتقد هستند. مشترکات فوق و از طرف دیگر اهانت و هجمه مسیحیت به ارزشها و باورها و مقدسات بومیان و ادیان محلی باعث شده است که مردم آفریقا بیشتر به اسلام گزارش پیدا کنند و به همین دلایل است که پروفیسور علی مزروعی آفریقا شناس کنیایی معتقد است آفریقا در آینده قاره اسلام خواهد بود. (۵)

در مجموع قاره آفریقا، قاره فرهنگ و تمدن، اسلام، ذخائر غنی طبیعی و ظرفیت عظیم اقتصادی است و باید به این واقعیت پی برد که: قرن بیست و یکم قرن آفریقا است. هرکسی که بخواهد بر جهان حکومت کند و کلیدهای قدرت را در دست داشته باشد باید کلید قاره سیاه را در بر داشته باشد.

انقلاب اسلامی و آفریقا:

اگرچه جنبشهای اسلامی تقریباً از اوایل قرن حاضر در جهان اسلام آغاز شده اند. اما حقیقت این که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و انعکاس رسانه ای آن، امواج خیزش اسلامی و حرکت‌های آزادیبخش در سراسر جهان و از جمله در کشورهای آفریقایی با شتاب فزاینده ای شکل گرفت و خیل عظیم مردم مشتاق و ستمدیده آفریقا شیفته و مجذوب الگوی انقلاب اسلامی شده و از حضرت امام خمینی رهبر بزرگ آن تجلیل و تقدیر کرده و او را ستودند.

آقای دکتر موسی علی نانگولی (۶) محقق و نویسنده معروف اهل اوگاندا در سخنرانی در سال ۷۴ در خصوص چگونگی شیفتگی اش به انقلاب اسلامی و حضرت امام می گوید: « در مورد انقلاب ایران باید بگویم من نیز مانند سایر مردم جهان افکار مغشوشی در این زمینه داشتم تا اینکه یک روز در لندن کاغذ کوچکی بدستم رسید که روی آن نوشته شده بود، ای مردم جهان علیه مستکبران متحد شوید و شعار حضرت امام خمینی (ره) بود. ابتدا من فکر کردم که ایشان باید آفریقایی باشند چون حرف ما آفریقایی ها را می زنند ولی پس از دقت در مورد این فرد متوجه شدم ایشان آفریقایی نیستند بلکه در ما را مطرح می کنند و به زبان ما سخن می گویند. حضرت امام خمینی انسانی است که نیازهای بشریت را ورای منطقه و ملیت بیان می کند. (۷)

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که با تأکید بر عواطف و احساسات محرومان و مستضعفان جهان و نیز با تکیه بر تعالیم و ایدئولوژی اسلامی می توان بپا خاست و انقلاب کرد و نهایتاً حکومت دلخواه را تشکیل داد. این الگو برای نهضتها و حرکت‌های اسلامی که سالیان سال در تردید و سردرگمی میان مارکسیزم و تئوریهای غربگرایانه بودند، جذابیت و مقبولیت خاصی داشت. بنابراین جوانان و نیروهای انقلابی در کشورهای اسلامی به گونه ای تلاش کردند با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی دست به کار شده و جنبشها و حرکت‌های اسلامی را به راه اندازند لذا تأثیر بر حرکت‌های اسلامی، یکی از فرایندهای اساسی انقلاب اسلامی به حساب می آید که با عنوان صدور انقلاب از آن نام برده می شود. بدیهی است که صدور انقلاب به معنای فیزیکی و جغرافیایی آن نیست بلکه نوعی الگودهی و الهام بخشی برای جهان اسلام مد نظر است و این مطلبی است که رهبران انقلاب اسلامی بدنبال آن بودند. آیت الله مطهری در این باره می گوید: «انقلاب ما آن وقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است به دنیا معرفی کنیم.» (۸)

قابل ذکر است که بیشترین تأثیر انقلاب اسلامی در زمینه های فکری و فرهنگی، عقیدتی و سیاسی است. و از جهات فوق بود که انقلاب اسلامی اساساً ایجاد گر جنبشها و حرکت‌های اسلامی در جهان شد و یا اینکه حرکت‌های موجود آرام و خفته را تحریک و فعال کرد و به ایجاد یک بیداری عظیم اسلامی انجامید. دریک تقسیم بندی راهبردی، می توان تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبشهای اسلامی را به دو صورت بیان کرد: یکی شیوه مستقیم و ایجادى و دیگر تأثیر غیر مستقیم و ایجابى، در نوع اول، انقلاب اسلامی باعث ایجاد یک دسته حرکتها و جنبشهای سازمان یافته و غیر سازمان یافته در دیگر کشورهای اسلامی شد. اما در نوع دوم وقوع انقلاب اسلامی توانست بر جنبشهایی که پیش از انقلاب دارای سابقه و فعالیت بودند اثر گذارد و آنها را گسترش دهد. به تعبیر دیگر:

«منظور از تأثیر مستقیم، این است که این دسته از گروههای اسلامی در اثر ارتباط مستقیم با ایران و گاه نیز به تشویق و تأیید جمهوری اسلامی بوجود آمدند. اما تأثیر غیر مستقیم، لزوماً به معنای وجود ارتباط مستقیم میان جنبشهای اسلامی با جمهوری اسلامی ایران نیست. بلکه وقوع انقلاب اسلامی و اهمیت آن باعث شده است تا جنبشهای اسلامی جدیدی به طور مستقل بوجود آیند و در پی رسیدن به جامعه سیاسی اسلام باشند.» (۹)

مصر:

انقلاب اسلامی در کشور مهم مصر تأثیر عمیق و گسترده ای بویژه در میان افسران جوان و تحصیلکرده داشته است. گرچه بنیادگرایی اسلامی و توسل به شیوه های خشونت آمیز علیه حکومت مصر از اوایل دهه ۷۰ آغاز شده بود و ظهور و پیدایش گروههای چون منظمه التحریر الاسلامیه و جماعه المسلمین را در پی داشت و لیکن انقلاب اسلامی ایران علاوه بر تأثیر در ایجاد و نضج گروههای جدید رادیکال و انقلابی نظیر سازمان الجهاد که منجر به ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ شد موجب تشویق و فعالیت بیشتر و حادثه‌گرهای اسلامی موجود نیز شد.

از دیگر گروهها و جنبش های اسلامی و اصول گرا که به شدت متأثر و ملهم از شعارهای انقلابی حضرت امام خمینی (ره) بودند جنبش البشار الاسلامی است که به شدت و در مقاطع مختلف از

انقلاب اسلامی ایران و حتی از تشیع به عنوان ایدئولوژی انقلاب ایران حمایت کرده و کتاب «جهاد اکبر» حضرت امام خمینی از سوی هواداران و پیروان این گروه به عربی ترجمه و در مصر به چاپ رسید.

اخوان المسلمین نیز از همان آغاز انقلاب اسلامی ایران به تقدیر و تحسین از جنبش انقلابی مردم ایران پرداخت و اساساً انقلاب اسلامی ایران را در راستای مبارزات اسلام در قبال کفر دانست. این گروه در سال ۱۹۷۹ حتی کتابی با عنوان «خمینی القدس سره: الحل الاسلامیه و البدیل» (۱۰) چاپ رساند و در آن از امام خمینی به عنوان جایگزین مناسب و راه حل اسلامی برای مشکلات جهان اسلام یاد نمود.

قابل ذکر است که شورشهای گسترده و تظاهرات خیابانی مردم قاهره، القیوم، اسیوط و دیگر شهرهای مصر که مظاهر فساد و وابستگی به اجانب، بود تقاضای اجرای شریعت در مصر و دیگر اعتراضات و اعتصابهای دانشجویی در دانشگاهها همگی متأثر از انقلاب اسلامی ایران و ناشی از تجدید حیات اسلامی در دهه هشتاد است.

الجزایر:

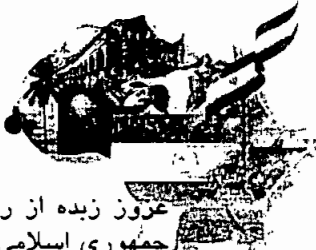
وقوع انقلاب اسلامی در ایران تأثیر قابل توجهی را در کشور الجزایر بویژه در ایجاد و رشد حرکت‌های دانشجویی و جنبشهای انقلابی میان جوانان بجای گذارده است.

در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ دانشگاههای الجزایر شاهد برپایی تظاهرات و ناآرامیهای خشونت بار دانشجویان این کشور بود. در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ نیز گروههای اسلامی و آزادیخواه در پی اعتراض به فساد حاکم از جمله در شهر قسطنطنین ضمن راهپیمایی های خیابانی به دفاتر حزب حاکم و محله های ثروتمندان شهر حمله کردند. (۱۱)

بی تردید شعارهای عدالتخواهانه و استکبار ستیزی انقلاب اسلامی و به تعبیری بیداری اسلامی نقش اساسی را در پیدایش گروههای رادیکالی جدید از جمله جبهه نجات اسلامی و تحریک و تشویق جوانان و دانشجویان و حتی رهبران سنی مسلمان الجزایری در شورش های گسترده و تظاهرات سراسری اکتبر ۱۹۸۸ علیه دولت و نظام استبدادی داشت.

گفتنی است که جبهه نجات اسلامی به رهبری دکتر عباس مدنی که در دهم مارس ۱۹۸۹ رسماً اعلام موجودیت کرد عقاید و دیدگاههای خود را بوسیله هفته نامه المنقذ به اطلاع عموم رساند. نظام حکومتی اسلام یکی از موارد مهمی است که بدون بررسی محتوایی، به طور مکرر در سخنرانی ها و مقاله های المنقذ آمده است. مدنی و سایر رهبران جبهه در اغلب سخنرانی های خود بر «حکومت اسلامی» به عنوان خواسته ملت و لزوم مبارزه برای برپایی آن تأکید کرده اند. او در آغاز فعالیت علنی جبهه و با اطمینان و قاطعیت بیان می کرد که در ۱۹۹۱ سال برپایی حکومت اسلامی در الجزایر خواهد بود. «ما به یاری خدا و به رغم مخالفت دشمنان، حکومت اسلامی را تأسیس خواهیم کرد.» (۱۲)

بهرحال تلاشهای آزادیخواهانه و مبارزات مستمر مردم الجزایر پس از سالها سرکوب فرصت ظهور یافت و نهایتاً در قالب پیروزی چشمگیر «جبهه نجات اسلامی» در دو انتخابات شهرداری ها و پارلمان کشور آشکار شد. بطوریکه شیخ بن



تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم نیجریه
و ایجاد موج بیداری اسلامی در
منتها الیه غرب آفریقا چنان بوده
که علیرغم فشار حکومت‌های نظامی،
مردم و بویژه جوانان بارها و فاداری
خود را به انقلاب اسلامی و رهبری آن
از راه‌های مختلف اعم از تظاهرات چند
هزار نفری، اعلامیه، سخنرانی و ...
نشان داده اند.

داد و انسان را به حرکت وا داشت. در نهایت قاطعانه می توان
اقرار نمود که اسلام قادر است بر دشمنان پیروز گردد و گستاخ
ترین نظام ضد مذهبی را و از گون سازد. اگرچه آن نظام از طرف
رژیم شاهنشاهی تهران حمایت شود. (۱۶)

بهرحال حمایت و ستایش حرکه الاتجاه از انقلاب اسلامی ایران
موجب شد تا دولت استبدادی بورقیه در آوریل ۱۹۸۷ رهبران و
اعضاء برجسته این جنبش را به اتهام ارتباط با جمهوری اسلامی
ایران و قصد ایجاد انقلاب اسلامی و نهایتاً براندازی حکومت و
نظام تونس دستگیر و محاکمه کند. (۱۷)

قابل ذکر است که بعد از این جریان دولت تونس برخورد
شدید و سرکوبگرانه ای را در قبال مبارزان و نیروهای انقلابی
در پیش گرفت و حتی دستور به تعطیلی مساجد داد بطوریکه
هم اکنون در مواقع اذان و اقامه نماز های واجب در ب مساجد
گشوده می شود. به همین دلیل جنبش اسلامی و حرکه الاتجاه،
فعالیت‌های خشونت آمیز را رها کرده و به اقدامات و مبارزات آرام
و مسالمت آمیزی روی آورده اند. هرچند در خفا و پنهان نیروهای
پنهان وجود دارد و منتظر فرصت مناسب برای استقرار حکومت
اسلامی در تونس می باشند.

نیجریه :

تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم نیجریه و ایجاد موج بیداری
اسلامی در منتها الیه غرب آفریقا چنان بوده که علیرغم فشار
حکومت‌های نظامی، مردم و بویژه جوانان بارها و فاداری خود را
به انقلاب اسلامی و رهبری آن از راه‌های مختلف اعم از تظاهرات
چند هزار نفری، اعلامیه، سخنرانی و ... نشان داده اند.

این گرایش به ارزشهای اسلام اصیل و رشد اصول گرایی
به حدی شدید بوده که در سالهای بعد از دهه ۸۰ کنفرانسها و
اجلاسهای متعددی برای بررسی و نقش جدید اسلام در آفریقا
و علل ظهور پدیده بنیادگرایی اسلامی و راههای مقابله با آن
از طرف غربیها برگزار شده است. پیدایش و ایجاد گروهها و
جنبشهای اسلامی از جمله تشکیل گروه کاطمیه، موسسه شهداء،
جنبش امام مهدی (عج)، گروه فاطمیه، گروه زاکزاکیه، موسسه
امام علی (ع)، گروه حراس (۱۸) و « مجمع علماء نیجریه » در سال
۱۹۸۰ از جمله بازتابهای انقلاب اسلامی در این کشور است. دکتر
عمر بیلو دبیرکل این مجمع، و حدت کلمه مسلمین در نیجریه،
آگاهی دادن و رشد فرهنگی مسلمانان، استعمار ستیزی، آموزش

عروز زبده از رهبران جبهه می گوید: اکنون یک همزاد برای
جمهوری اسلامی ایران در الجزایر پیدا شده است ما این دو را
یزادر می دانیم. (۱۳)

اما این پیروزی که می توانست منشأ دگرگونی های وسیع
محلی و منطقه ای و سرآغاز تأسیس جمهوری اسلامی در شمال
آفریقا باشد، با و اکنش تند محافل غربی روبرو شد و در نهایت به
سرکوب سریع و بی امان حرکتهای سیاسی - اسلامی انجامید.
سودان :

انقلاب اسلامی ایران با شعار اسلام خواهی و استکبار
ستیزی شاید بیشترین تأثیر را در سودان داشته است. تجدید
حیات اسلامی در سودان بلافاصله و همزمان با پیروزی انقلاب
اسلامی در ایران نخست در تظاهرات و حرکتهای دانشجویی
مسلمان در سطح دانشگاهها و نیز تشکیل و تأسیس گروههای
انقلابی و آزادیخواه تجلی یافت جالب توجه است که دانشجویان
مبارز به همراه دیگر جوانان پرشور و انقلابی سودان در تظاهرات
گسترده در شهرها و ایالات سودان از جمله در خارطوم شعار
«ایران، ایران فی کل مکان» را سر می دادند که خود حکایت از تأثیر
عظیم انقلاب ایران بر این جنبش و حرکت انقلابی دارد.

دکتر محمدعلی آذرشب رایزن فرهنگی سابق جمهوری
اسلامی ایران در سودان می گوید: طرفداری مردم سودان از
انقلاب اسلامی ایران از همان اوایل آشکار و مشخص بود و اولین
راهپیمایی بزرگ جهان عرب در طرفداری از انقلاب اسلامی ایران
از دانشگاه خارطوم (۱۴) آغاز شده است. متعاقب چنین تظاهرات
و ناآرامیهای گسترده، جبهه انقاز وطنی به رهبری ژنرال عمر
البشیر با همکاری و پشتیبانی جبهه ملی اسلامی به رهبری شیخ
حسن الترابی جنبش انقلابی و مردمی را با عنوان « انقلاب نجات
ملی » به قصد سرنگونی حکومت استبدادی سیدین براه انداختند و
نهایتاً نظام انقلابی جدید را در سودان مستقر ساختند. (۱۵)

تونس :

یکی از کشورهای مهم آفریقا که از لحاظ سیاسی، اجتماعی
و فرهنگی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران واقع شده تونس
است. در این کشور بلافاصله بعد از انقلاب اسلامی جنبش اسلامی
شکل گرفت و رهبران آن با الهام و الگوگیری از انقلاب ایران به
اقدامات مهمی دست زدند. این نکته بوضوح در اعلامیه ها، نوشته
ها و سخنان رهبران و اعضای جنبش اسلامی تونس مشاهده
می شود. یکی از گروههای انقلابی فعال تونس «حرکه الاتجاه
الاسلامی» متشکل از جوانان و روشنفکران مسلمان این کشور
است که در سال ۱۹۸۱ اعلام موجودیت کرد.

نشریات المعرفه و المجتمع که وابسته به حرکت الاتجاه
است طی مقالات متعدد انقلاب اسلامی ایران را الگویی کامل
برای مبارزان و نیروهای انقلابی دانسته و از آن ستایش کرده
است. همچنین از حضرت امام خمینی بعنوان رهبری بیدار و
انقلابی بارها تمجید و نقش تاریخی ایشان را ستوده است. به
خاطر همین موضعگیری انقلابی و حمایت از انقلاب ایران دولت
تونس المعرفه و المجتمع را به کرات توقیف کرده است.

محمدالهاشمی الحامدی یکی از رهبران جنبش
در نقد کتاب « مقالات و اسناد انقلاب اسلامی تونس »
می نویسد : « پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک رویداد تاریخی
عظیم بود که نسل های مسلمان را از رکود و گوشه گیری نجات

انقلاب اسلامی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز تأثیرات عمیق و قابل توجهی در بین مردم غنا و بویژه جوانان و مسلمانان داشته است. تأسیس و پیدایش انجمنهای اسلامی در دبیرستانها و دانشگاههای غنا که به جیمسا (GMSA) معروف است همچنین ایجاد فدراسیون زنان مسلمان (FOMWAG) که در همه استانها و شهرها نیز شعبه و شاخه دارد و هر دو انجمن بطور چشمگیری در بیداری اسلامی و ارائه آگاهیهای اسلامی نقش ایفا می کنند

اسلامی، مبارزه با تز جدایی دین از سیاست را اهداف عمده این مجمع برمی شمارد.

موسسه ایام الله در یک گزارش تحقیقی واصله از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لاگوس در این باره می گوید: یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی در نیجریه این بود که این انقلاب موجب شعله و ر شدن نارضایتی های خفته در میان مردم این جوامع بویژه مسلمانان شد و در حقیقت بنوعی موجب عمومی شدن مشکلات و نارضایتی های تاریخی و شناور در سطح جامعه شد. انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران بعنوان یک واسطه در واقع به دو نتیجه زیر در نیجریه منجر شد:

۱- ایجاد هوشیاری و آگاهی و بیداری عمومی در میان مردم عادی نسبت به طبقه بورژوا.

۲- فراهم آمدن زمینه برای اندیشه های اسلامی که در حقیقت موجب تربیت افراد برای مقابله با سیاستهای استعماری بریتانیا، عوامل بورژوا و بوروکراتها بود.

در ادامه این گزارش آمده است که ایجاد و تکثیر دایره های برادران شیعه در شمال نیجریه، موجب بوجود آمدن طبقه جدیدی در میان مردم شد. جوانانی با عقاید مذهبی و دیدگاههای فرهنگی جدید که در ک آنها از حوادث جهان و بی عدالتی قدرتهای بزرگ بین المللی بویژه در ارتباط با مسلمانان و جوامع آفریقایی، بشدت تغییر کرده بود. یکی از دستاوردهای این موضوع، برگزاری سالگردشهادت امام حسین (ع) در نیجریه است که در طول سال و در تمام برنامه ها برادران شیعه در شمال نیجریه و حتی قسمتهائی از جنوب، یاد آن حضرت را گرامی می دارند. نامهایی چون فاطمه، حسن، حسین، علی و ... بعد از انقلاب اسلامی ایران در نیجریه بسیار رواج پیدا کرد. گروهها و سازمانهای غیر دولتی تشکیل شدند و خودشان را بعنوان مدافعان مردم مستضعف قلمداد و معرفی می کردند. در حقیقت در ک احساس قربانی بی عدالتی بودن بعد از سال ۱۹۸۰ همزمان با نفوذ جریان شیعه در نیجریه گسترش پیدا کرد. انعکاس این حوادث روز به روز در مجلات و روزنامه های نیجریه گزارش داده می شود. (۱۹)

بنابراین ظهور موج شیعه گرایی و اجتماعات و تظاهرات چند صد هزار نفری شیعیان به رهبری شیخ زاک زاک در حمایت از انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام خمینی یکی از مظاهر برجسته نفوذ انقلاب ایران در نیجریه است. هرچند هزاران شیعه و از جمله شیخ زاک زاک به اتهام ارتباط با ایران بارها محاکمه

و به زندان افتاده اند. ولیکن تابحال از شوق و اشتیاق و حمایت مسلمانان و شیعیان از انقلاب اسلامی چیزی کاسته نشده است. هفته نامه تل (Tell) چاپ نیجریه می نویسد:

«بنیادگرایان مسلمان شیعه، مصمم هستند تا انقلاب اسلامی از نوع انقلاب ایران را در نیجریه آغاز نمایند. اخیراً نیز هزاران نفر از پیروان شیخ ابراهیم زاک زاک به خیابان های کادونا، کنچان و زاریا آمدند و با پلیس زد و خورد داشتند که تعدادی کشته و مجروح به جای گذاشت بطوریکه این تظاهرات و اعتراضات به بسیاری از شهرها و ایالت های شمالی گسترش پیدا کرد. این نشریه در خصوص زاک زاک می نویسد: آرزوی او پایه گذاری جمهوری اسلامی براساس شریعت به شکل و مدل ایرانی است و علیرغم اینکه فعالیتهای زاک زاک توسط مأموران و جاسوسان به مقامات دولتی گزارش می شود وی توانسته است پیروانی را جمع آوری نماید. آنها عقیده راسخ مذهبی به اصول گرایی اسلامی دارند که قابلیت آن را دارند که سردمداران حکومت را از تاریخ محو نمایند اگرچه اکثریت مسلمان نیجریه سنی هستند ولی امرای شمالی می دانند که دکتترین شیعه و موضوع عدالت آنچنان جاذبه کاملی را در کشور داراست که می تواند فساد و بی عدالتی و فقر و دزدی را از میان بردارد» (۲۰)

یکی دیگر از جنبه های تجدید حیات اسلامی که ناشی از انقلاب اسلامی ایران است، پوشش جدید زنان و بازگشت آنها به حجاب و وقار اسلامی است که برای سالها در دبیرستانها و دانشگاهها از آن منع شده بودند. البته این زی اسلامی کم کم از شمال به جنوب نیجریه سرایت می کند و بسیاری از غیر مسلمانان نیز جذب آن می شوند.

در همین رابطه از ژولای ۱۹۸۷ در گیری شدیدی بین دانشجویان دختر مسیحی و مسلمان در دانشکده ای در کادونا رخ می دهد که منجر به تعطیل شدن موقت دانشکده می شود.

تأثیر پیام روح بخش و جان افزای انقلاب اسلامی در میان بت پرستان و معتقدین به مذاهب بومی که از مصادیق استضعاف فرهنگی و فکری هستند، پدیده ای دیگر می باشد که حیرت همگان را برانگیخته است. نمازهای جمعه مسلمانان و سایر مراسم اعیاد اسلامی، در این سالها شاهد ایمان آوردن گروه گروه این مردم است که از دنیای تاریکی و جهل به هدایت و نور محمدی (ص) رهنمون می شوند. (۲۱)

دانشگاهها و محافل علمی و پژوهشی نیجریه نیز امروزه شاهد رجعت دوباره تحصیلکردگان مسلمان به ارزشهای اسلام اصیل است.

و خلاصه کلام آنکه پیروزی اخیر مسلمانان در اجرای قانون شریعت یا حکومت اسلامی در ایالتهایی که مسلمان نشین است بی شک از مهمترین تأثیرات انقلاب اسلامی بر حرکت اسلامی نیجریه است که هم اکنون مسلمانان شاهد این موفقیت می باشند.

غنا:

یکی از کشورهایی که برغم بعد مسافت از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در معرض نسیم روحبخش انقلاب اسلامی ایران واقع شده و تجدید حیات اسلامی در آن نمودار شده است کشور غنا است. بطوریکه انقلاب ۱۹۷۹ غنا به رهبری جری جان



تحولات آن بستگی زیادی دارد. لذا چنانچه انقلاب اسلامی ایران بتواند حکومتی کارآمد و مستحکم در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مبتنی بر اصول و ارزشهای دینی در نظام نوین بین الملل مستقر سازد می تواند همچنان الگو بخش و راهنمای مستضعفان جهان و حرکتهای آزادیبخش باشد.

پاورقی ها :

- ۱ - العالم العربی، چاپ لندن، شماره ۳۰۱، سال ۱۹۸۹، ص ۱۱ - ۱۰
- ۲ - ماهنامه نیوافریکن، اوت ۱۹۸۵
- ۳ - روزنامه کیهان، ۲۷ آذر ۱۳۶۸، شماره ۱۳۷۸۸۸
- ۴ - Kwaku Amoako - Attah fosu, Handicrafts in Ghana, p.14 and , Handicrafts, Ghana. (Accra: Black Mask Ltd, 1989) p.30
- ۵ - محسن پاک آئین، سیاست خارجی ایران در آفریقا، مجله سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۲۰۶
- ۶ - آقای موسی علی نانگولی فارغ التحصیل دکتری تبلیغات است و ی پس از این کتابی تحت عنوان « No More lies about Africa » در مورد غرب به رشته تحریر در آورده است. این کتاب جزء پرفروشترین کتب سال معرفی شده و در آمریکا به چاپ پنجم رسید پس از آنکه ایشان با انقلاب اسلامی ایران آشنا شد، با همان سبک کتابی راجع به ایران می نویسد و در آن آنچه منجر به انقلاب اسلامی شد و واقعیاتی که در جامعه ایران وجود دارد را مطرح می کند.
- ۷ - دورنمای روابط ایران و آفریقا، بولتن دیدگاهها، شماره ۱۰۰، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، وزارت امور خارجه ص ۲۱
- ۸ - مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی ایران (تهران، صدرا، ۱۳۷۲) ص ۶۵
- ۹ - حمید احمدی، انقلاب اسلامی و جنبشهای اسلامی - حاتم قادری، مجموعه مقالات پیرامون جهان اسلام (تهران : نشر سفید، ۱۳۶۹)
- ۱۰ - فتحی عبدالعزیز، الخیمینی قدس سره : الحل الاسلامیه و البديل، قاهره : المختار اسلامی، ۱۹۷۹
- ۱۱ - الدولی، سال سوم، شماره ۴، نوامبر ۱۹۸۲، ص ۴۰
- ۱۲ - المنقذ، ۹۰/۱۲/۱۲ به نقل از سید علی قزوینی، بررسی دیدگاههای جبهه نجات اسلامی الجزایر، مجله سیاست خارجی، ص ۲۷
- ۱۳ - روزنامه اطلاعات، ۷/۱۲/۷۰
- ۱۴ - محمدعلی آذرشب، بررسی شرایط سودان (انقلاب نجات ملی)، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره اول، ص ۵۲
- ۱۵ - خاطر نشان می سازد که دکتر حسن الترابی و ژنرال عمر البشیر بعد از دوازده سال باخاطر بروز پاره ای از اختلافات از هم جدا شدند. دکتر حسن الترابی بعد از جدایی از عمر البشیر در سخنرانی عمومی در شهر « و دمدنی » در ۱۸۰ کیلومتری خارطوم گفت : « در این جهان هیچ کشوری بجز جمهوری اسلامی ایران به اسلام و قوانین آن عمل نمی کند و با اسلام مطابقت ندارد » مطالب برگرفته از گفتگو با رابین فرهنگی سابق ج.ا.ا در سودان آقای تسخیری می باشد.
- ۱۶ - روزنامه کیهان، ۶۶/۸/۲۶
- ۱۷ - العالم، شماره ۱۸۷، سپتامبر ۱۹۸۷، ص ۱۴ - ۱۲
- ۱۸ - گزارش و اصله از رابین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لاگوس مورخ ۱۳۸۴
- ۱۹ - tijanial - mikin: The process of change: the case of northern Nigeria reliant publication and printers 1991 - pp21,23,28
- ۲۰ - هفته نامه تل: ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۶، ش ۴۰، ص ۱ - ۲
- ۲۱ - حسین زنجانی، رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی (تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۶۷) ص ۱۳۲

رالینکز نیزینوعی ملهم از شعارهای آزادیخواهی، استقلال طلبی و ضد امپریالیستی انقلاب ایران بود. روابط ویژه و بسیار خوب بین رالینکز رهبری غنا با مسئولین ایرانی و بخصوص سفارت ایران در غنا و همچنین حمایتهای همه جانبه از مواضع جمهوری اسلامی ایران در محافل بین المللی مویید این امر است. آقای فرجی سفیر اسبق ایران در غنا می گوید: وزیر خارجه غنا بارها در شورای امنیت با وزرای خارجه آمریکا و انگلیس در حمایت از ایران مجادله داشته است. وی به نقل از وزیر خارجه غنا می گوید: روزی وزیر خارجه انگلیس به من گفت مگر شما نماینده سفیر ایران هستید و من به او گفتم من نماینده ایران نیستم بلکه نماینده آزادی و عدالتم»

انقلاب اسلامی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز تأثیرات عمیق و قابل توجهی در بین مردم غنا و بویژه جوانان و مسلمانان داشته است. تأسیس و پیدایش انجمنهای اسلامی در دبیرستانها و دانشگاههای غنا که به جیمسا (GMSA) معروف است همچنین ایجاد فدراسیون زنان مسلمان (FOMWAG) که در همه استانها و شهرها نیز شعبه و شاخه دارد و هر دو انجمن بطور چشمگیری در بیداری اسلامی و ارائه آگاهیهای اسلامی نقش ایفا می کنند و امروزه در میان مسلمانان حرکت آفرین اند. جالب توجه آنکه هم فدراسیون زنان که هم اکنون دکتر رابیه امه استاد دانشگاه غنا ریاست آن را بعهده دارد و هم جیمسا با رابین فرهنگی ج.ا.ا. روابط بسیار خوب و نزدیکی دارند و تقریباً در تمامی سمینارها و کنفرانسهایی که توسط این دو مجموعه در غنا برگزار می شود رابین فرهنگی ایران بطور جدی مورد مشاوره قرار می گیرد و از حمایت آن برخوردارند.

ظهور و رشد شیعه و تأسیس رسمی مجمع اهل بیت (ع) غنا یکی از تأثیرات مستقیم انقلاب اسلامی بر این کشور است. برگزاری هرساله مراسم روز قدس در شهرهای مختلف، تعطیل رسمی اعیاد قربان و فطر، رشد بی سابقه حجاب کامل در بین بانوان مسلمان، رواج القابی همچون «حجت الاسلام» در میان علمای مسلمان، نفوذ معنوی نام حضرت امام خمینی و چاپ تقویمهای مصور به تمثال آن حضرت و استقبال گسترده از آن و بزرگداشت آن حضرت در مراسم و مناسبتهای مختلف، رشد روحیه اسلام گرایی و توجه به ارزشهای اسلامی میان مسلمانان همه و همه از مظاهر و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر این کشور است.

در خاتمه لازم است توجه خوانندگان به این نکته معطوف شود که در سالهای اخیر حرکتها و جنبشهای اسلامی با اتخاذ مواضع جدید و متعادل توسل به خشونت را در مقابل دولتها رها کرده و بدنبال اقدامات مسالمت آمیز برای استقرار ارزشهای اسلامی می باشند. همانطور که در تونس، مراکش و مصر شاهد این روند می باشیم. این نکته نیز قابل ذکر است که در بحث از صدور انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر جنبشهای اسلامی هیچگاه صدور انقلاب به مفهوم فیزیکی آن و تصرف دیگر بلاد و حتی دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی دولتها و کشورهای دیگر نبوده است. بلکه همواره در مقام آگاهی دادن، بیداری و الگودهی برای جوامع مسلمان بوده است.

خلاصه آنکه آینده نهضتهای آزادیبخش و حرکتهای اسلامی در جهان و از جمله در آفریقا تا حد زیادی به سرنوشت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران گره خورده است و به

www.pnuna.com

بسنده می‌کردند و سیاست انفعالی در قبال دولت‌های حاکم داشتند. این گروه دوم پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، و با الگو و الهام گرفتن از آن سیاست فعال در پیش گرفتند و از نظر کیفی و کمی به رشد قابل ملاحظه‌ای دست یافتند.

در بیشتر کشورهای اسلامی، جنبش‌ها و گرایش‌هایی که (شیعه یا سنی) تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند از نوع دوم بودند. با این وجود چند سال پس از وقوع انقلاب، گروه‌هایی به طور مستقل، یا منشعب از گروه‌های قبلی به وجود آمدند که موجودیت آنان، مدیون انقلاب اسلامی بود. جنبش‌های اسلامی کشورهای لبنان، عراق، عربستان سعودی و کشورهای عربی خلیج فارس و تونس از این دست هستند. در این قسمت، به تأثیرات برینج حوزه‌ی جغرافیایی کنونی‌های اسلامی یعنی خاورمیانه، آفریقا، آسیای میانه، آسیای جنوب غربی و آسیای جنوب شرقی پرداخته می‌شود.

الف) تأثیرات انقلاب اسلامی بر کشورهای عرب خاورمیانه

عراق

رشد گروه‌های اسلامی شیعه در عراق ملهم از انقلاب اسلامی و حرکتی که در ایران بوده است. هم جواری و ارتباط تاریخی میان جوامع شیعه دو کشور به ویژه حوزه‌های علمی عراق و ایران باعث شده است حرکت سیاسی مذهبی در مرزیک از دو کشور در دیگری تأثیر گذارد، این وابستگی متقابل از دوران انقلاب مشروطیت

بخش اول:

انقلاب اسلامی و جهان اسلام

گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت بنیادگرایی (اصول‌گرایی) در منطقه و کشورهای مسلمان به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه ۱۹۸۰ و در واقع نیمه دوم قرن بیست تبدیل شده است. اکثریت قریب به اتفاق محققان مسایل اسلام، معتقدند که انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین محرک جنبش‌های سیاسی اسلامی بوده است. در برخی کشورهای اسلامی تا قبل از وقوع انقلاب ایران، حرکت‌ها و جنبش‌های مذهبی یا به طور کلی وجود نداشتند، یا چنان‌چه از موجودیت نیز برخوردار بودند، فعالیتشان چشمگیر نبود. در واقع در این کشورها گروه‌های اسلامی بر دو نوع هستند: نخست جنبش‌هایی که قبل از انقلاب اسلامی وجود نداشتند و تنها پس از آن تأسیس شدند و دست به فعالیت زدند و دوم گروه‌ها و جنبش‌هایی که هرچند قبل از انقلاب اسلامی به طور رسمی تأسیس شده بودند اما فعالیت عمده و گسترده‌ای نداشتند و بیشتر به اقدامات تبلیغی در سطح کوچک

به بعد شکل سیاسی گرفته است. (۱) قبل از بررسی تأثیرپذیری جنبش اسلامی عراق از انقلاب اسلامی ایران، باید به ذکر این نکته پرداخت که جنبش شیعه در عراق تحت تأثیر جنبش‌های اسلامی سنی در جهان عرب نیز قرار داشته است. اخوان المسلمین همانند سایر کشورهای عرب، در عراق نیز شاخه‌ای به رهبری محمد محمود الصواف دایر کرد. اما فعالیت عمده‌ای به ویژه، از نظر سیاسی که جز مواردی در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ نداشت. (۲) جنبش‌های اسلامی عراق همگی شیعه هستند و گرچه سابقه بعضی از آن‌ها به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران می‌رسد اما فعالیت و سازماندهی عمده‌ی آن‌ها پس از پیروزی انقلاب شروع شد. مهم‌ترین و برجسته‌ترین گروه شیعه حزب «الدعوة الاسلامیه» است که بنا به قولی اعضای اولیه‌ی آن از حزب «التحریر الاسلامی» عراق (شاخه‌ی عراقی حزب التحریر که در ۱۹۵۲ از سوی شیخ تقی‌الدین نهانی در اردن تأسیس شد) جدا شدند. شیعیان طرفدار حزب التحریر حزب الدعوة الاسلامیه را بنیانگذاری کردند.

۱. فیلیپ اریتز در مقاله‌ای به نام «عراق، تهدیدات انقلابی و واکنش‌های حکومتی» درباره‌ی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در عراق می‌نویسد: «اگر کشوری از تحولات انقلابی ایران، باید نگران باشد کشور عراق است؛ چرا که اولاً از حیث موقعیت جغرافیایی همسایه‌ی ایران است و مرز مشترک بسیاری با ایران دارد و ثانیاً مردم این کشور در سطح هویت اسلامی دارای اشتراکات قابل توجهی با مردم ایران هستند. یادآوری می‌شود از میان شیعیان عراق - که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند - درصدی اصالتاً ایرانی‌اند و همگی این عوامل زمینه را فراهم می‌آورد تا این کشور تا حد زیادی از انقلاب ایران تأثیر پذیرد. (به نقل از: انقلاب اسلامی در گستره‌ی نظام بین‌الملل، سید نادر علوی و علیرضا قربانی، ص ۸۱).

۲. از جمله‌ی فعالیت‌های آن صدور جزوه معروف «حتی یعلم الناس»، «تا مردم بدانند» در اعتراض به سرکوب اخوان مصرز سوی ناصر بود. این جزوه از سوی ناصر بود. این جزوه از سوی رهبران اخوان اردن (محمد عبدالرحمن خلیفه) و سوردان (علی طالب الله) نیز امضا شده بود.



حزب الدعوة از همان ابتدا از حمایت محمدباقر صدر برجسته‌ترین شخصیت روحانی شیعه در عراق برخوردار بود. پس از تأسیس جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های حزب الدعوة علیه دولت بعث عراق شدت گرفت، و ارتباط معنوی حزب با انقلاب اسلامی منجر شد که حزب الدعوة رسماً خواستار سرنگونی رژیم بعث و برپایی حکومت اسلامی در عراق شود. با اوج‌گیری اختلافات لفظی میان ایران و عراق، آیت‌الله محمدباقر صدر و خواجه‌ش بنت‌الهدی از سوی رژیم بعث عراق دستگیر شدند و در زندان به شهادت رسیدند. پس از آن، اکثریت رهبران و اعضا حزب به ایران آمدند؛ اما فعالیت‌های سیاسی و به ویژه نظامی آن‌ها در عراق ادامه یافت. حزب الدعوة نشریه جهاد را در سال‌های گذشته در ایران منتشر می‌ساخته است، که بیانگر اندیشه‌های گروه است. حزب الدعوة فعالیت نظامی گسترده‌ای در طول سال‌های جنگ ایران و عراق در عراق داشته است. علاوه بر حزب الدعوة گروه برجسته‌ی دیگر شیعه عراق «سازمان پیکار اسلامی» (منظومه المسلم الاسلامی) است. گرچه امکانات مالی سازمان پیکار از حزب الدعوة بیشتر است، اما به نظر بعضی‌ها نفوذ حزب الدعوة را در میان عراقی‌ها ندارد. نفوذ انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی عراق زمانی آشکار شد که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، از طرف گروهی از روحانیون عراقی پایه‌گذاری شد. این مجلس در آبان ۱۳۶۱ برای متحد کردن و پیش بردن مبارزه علیه رژیم بعثی وجود آمده است.

مجلس اعلای در یک بیانیه‌ی ۶ ماده‌ای اصول مورد نظر خود را که شامل اعتقاد

ناراضی کشورها بیشتر شیعه بودند و در تبعیض اجتماعی و سیاسی به سر می‌بردند، گرایش به سوی انقلاب اسلامی بسیار شدت داشته است.

در میان کشورهای عرب خلیج فارس، جنبش‌های اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی بیشتر در بحرین، کویت و به صورت اعتراضات و ناراضی اجتماعی در قطر و امارات عربی متحده مشهود بوده است. بحرین تحت حاکمیت اقلیتی سنی است که بر اکثریت شیعیان حکم می‌رانند. این جزیره کوچک در حاشیه جنوب خلیج فارس در واقع کانون جنبش اسلامی شیعی به حساب می‌آید. جنبش اسلامی در بحرین که در گروه جبهه اسلامی برای آزادی بحرین (الجبهة الإسلامية لتحريرالبحرين) تجسم یافته است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمد و رشد کرد. دو عامل مذهب و ناسیونالیسم (تشیع و وجود بخش عظیمی ایرانیان) باعث گرایش به ایران بوده است.

جبهه اسلامی، رهبری اقدام مسلحانه ناموفق دسامبر ۱۹۸۱ را که به کفته‌ی طبقه‌ی حاکم یک کودتای نظامی بود، به عهده داشت.^(۱) این حرکت از جمله عوامل تشکیل شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفت. عربستان سعودی و ۵ کشور خلیج فارس بود، که از حامیان عمده دولت عراق در جنگ علیه ایران به شمار می‌رفت. جبهه‌ی اسلامی بحرین رابطه‌ی ویژه‌ای نیز با سازمان پیکار اسلامی عراق دارد. جبهه نشریاتی نیز به زبان عربی در لبنان منتشر می‌سازد که معروف‌ترین آن «الثورة الرسالية» است.

۱. در رابطه با کودتای بحرین، نظریات جبهه اسلامی... و دستگیری‌های پس از کودتا رجوع کنید به: کیهان، ۱۳۶۰/۹/۳۰ - مجله الثورة الرسالية، مارس - آوریل ۱۹۸۲.

شرفی نه غربی در سیاست خارجی، برقراری حکومت اسلامی در عراق، وحدت اسلامی، کمک به جنبش‌های آزادیبخش و اعتقاد به جمهوری اسلامی ایران بوده اعلام کرد.

مجلس اعلاى انقلاب اسلامی در عراق در سال‌های جنگ، فتاوی‌های گسترده‌ای داشت و امیدوار بود بتواند پس از سقوط رژیم بعث رهبری حکومت را در عراق به دست گیرد، بعد از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی ایران گزارش‌های کم‌تری از فتاوی‌های آن در مطبوعات و رسانه‌های گروهی به چشم می‌خورد.

کشورهای خلیج فارس و عربستان سعودی

ظهور جنبش‌های اسلامی در کشورهای عرب خلیج فارس و عربستان سعودی پدیده‌ی کاملاً تازه‌ای است که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران به وجود آمده است. به علاوه جنبش اسلامی عراق که خود تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد سریع کرد، در جنبش‌های اسلامی کشورهای عربی خلیج فارس به ویژه کویت، قطر و امارات عربی متحده مؤثر بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از یک سو، و اختلاف شکاف اجتماعی خلیج فارس و سرکوب آزادی‌های اساسی از سوی دیگر باعث شده تا جوانان و روحانیون (که عمدتاً شیعه بودند) با اتخاذ خط مشی اسلامی و تأسیس گروه‌های اسلامی پیرو انقلاب ایران در صدد رویا رویی با رژیم‌های حاکم عرب بر آیند. به علاوه شکست جنبش ناسیونالیسم عرب و راه حل‌های چپ‌گرایانه عربی (سوسیالیسم عرب) باعث شد تا همانند سایر نقاط جهان عرب، در خلیج فارس نیز گرایشات اسلامی رشد کند. از آنجا که مسلمانان

گرچه در کویت همانند بحرین گروه برجسته‌ای چون جبهه اسلامی برای آزادی بحرین فعالیت نمی‌کند، و ماهیت گروه حزب‌الله کویت و رهبری آن مشخص نشده است، اما اهمیت جنبش اسلامی آن کم‌تر از بحرین نیست. جنبش اسلامی در کویت همانند بحرین، رابطه‌ی خاصی با گروه سازمان پیکار اسلامی عراق دارد و سپس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با سلطه‌ی خانواده‌ی الصباح سر به مخالفت برداشت. نشریات و رسانه‌های خبری غرب حملات انتحاری علیه سفارت خانه‌های آمریکا و فرانسه در دسامبر ۱۹۸۳ در کویت، سوء قصد علیه جان امیر کویت در ۱۹۸۵ را از اقدامات جنبش شیعی کویت می‌دانند. تعدادی از اعضای جنبش اسلامی کویت در داخل زندان‌های این کشور به سر می‌برند. در سال ۱۹۸۷ نیز گروهی از مخالفان خانوادگی الصباح یک هواپیمای کویتی را ربودند، جنبش اسلامی کویت علاوه بر عراق با گروه‌های اسلامی شیعه در لبنان نیز روابطی دارد. در کشورهای امارات متحده‌ی عربی و قطر نیز گروه‌های اسلامی خاصی فعالیت نمی‌کند، اما شدت طرفداری شیعیان و مسلمانان آن از انقلاب اسلامی مشهود است. همین امر موجب شده است که رهبران این دو کشور برای جلب دوستی جمهوری اسلامی ایران و راضی کردن شیعیان تلاش کنند. در قطر جنبش اسلامی سنی نیز در اثر وجود برخی از اعضای اخوان المسلمین مصر که مشاغل عمده و آموزش و مشاورت را به عهده دارند،^(۱) جایگاه خاصی دارد اما به هر حال جنبش اسلامی در خلیج فارس و عراق، از حمله‌ی شدید و آشکار به دولت‌های

۱. مرید دکمینیان، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷.

امارات متحده و قطر تا اندازه‌ی زیادی اجتناب ورزیده‌اند. در عربستان سعودی، جنبش‌های اسلامی برخلاف گروه‌های سیاسی ناسیونالیست و چپ عربی از سابقه‌ی بیشتری برخوردار هستند. به علاوه حرکت‌های سیاسی خاندان سعودی و هاشمی تحت پوشش مذهب شروع به رشد کردند. با این وجود از ۱۹۳۰ به بعد تا سال ۱۹۷۹، جنبش‌های مذهبی مخالف رژیم سعودی قدرت و حضور چندانی نداشته‌اند. از ۱۹۷۹ به بعد، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، دو جنبش سنی و شیعه به وجود آمدند.

گرایش سنی جنبش اسلامی عربستان، سابقه‌ی کهن دارد. جنبش اخوان که از پیروان محمد بن عبدالوهاب بودند به کمک محمد بن سعود در اوایل قرن ۱۹ بر بخشی از عربستان حاکم شدند، اما از نیروهای مصر تحت رهبری محمد علی پاشا شکست خوردند.^(۱) در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۱۸ - ۱۹۲۵ جنگ‌جویان اخوان کمک عبدالعزیز سعود شناختند و موفق شدند با شکست دادن شریف حسین و پادشاهی هاشمی در ۱۹۳۰ رژیم سعودی را پایه‌گذاری کنند. اما در دهه‌ی ۱۹۲۰ میان اخوان و سعودی‌ها در رابطه‌ی اقدامات سیاسی عبدالعزیز بن سعود اختلاف افتاد، و بجویان اخوان در جریان جنگ سیلا در ۱۹۲۹ شکست سختی خوردند.

گرچه نشانه‌ی آشکاری در رابطه با تأثیرپذیری اخوان جدید از انقلاب اسلامی در نوشته‌های رهبری آن، با اعلامیه‌های گروه در جریان تصرف کعبه دیده نشد؛ بسیاری از تحلیل‌گران معتقد هستند که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران انگیزه‌ی

۱. در مورد شکست وکالی‌ها از نیروی محمد علی رجوع کنید به: نورالدین شیرازی، نظام آل سعود، تهران، انتشارات فراندیش، ۱۳۶۷، ص ۲۳.

بیشتری نسبت به گروه‌های عراقی دارد و از انسجام زیادتری نیز نسبت به جنبش اسلامی عراق برخوردار است. در سال‌های اخیر، گروه دیگری تحت عنوان «حزب الله حجاز» که نام واقعی آن، «جماعة علماء الحجاز» است، اعلام موجودیت کرده است. این گروه که نشریه‌ی «الفتح» را به زبان عربی منتشر می‌کند، مسؤلیت چند حمله علیه منافع عربستان از جمله انفجار در مراکز و تأسیسات اقتصادی و نفتی عراق را به عهده گرفته است. به هر حال گروه‌های اسلام‌گرای منطقه‌ی مجاور ایران، (عراق، کشورهای عرب خلیج فارس و عربستان سعودی) و همچنین گروه‌های اسلامی شیعه و سنی در لبنان، بیشتر از همه جای دیگر نقاط جهان تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران قرار داشته‌اند. این نزدیکی همچنین به دلیل شیعه بودن اکثر این جنبش‌ها باعث شده است که حیات و ادامگی فعالیت‌های آینده‌ی گروه‌های فوق نا‌حَد زیادی به موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران و حمایت آن وابسته باشد. کیفیت روابط سیاسی ایران با دولت‌های منطقه نیز در میان فعالیت‌ها و موضع‌گیری این گروه‌ها تأثیر به‌سزایی دارد.

لبنان

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر مسلمانان عرب و جنبش‌های اسلامی آن بسیار هر جا در لبنان مشهود است. در لبنان به دلیل وجود اکثریت شیعه، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی بسیار زیاد بوده است. در میان گروه‌های اسلامی شیعه، جنبش امل، جنبش امل اسلامی و جنبش حزب الله، و در میان گروه‌های اسلامی «جنبش توحید اسلامی»، تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی رشد کرده و تأسیس شده‌اند.

بسیار مهمی برای حرکت اخوان به شمار می‌رفته است. کرایش شیعی جنبش اسلامی عربستان سعودی تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد کرد. سازمان انقلاب اسلامی در جزیره‌ی عربستان (منظمة الثورة الاسلامية في الجزيرة العربية) که پس از حوادث و شورش‌های عاشورای سال ۱۹۷۹ در استان قطیف، مقر فرماندهی خود را به ایران منتقل ساخت، تجسم جنبش‌های شیعه در عربستان است. سازمان در مناطق نفت خیز شرق عربستان از نفوذ زیادی برخوردار است و فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی آن در ایران، اروپا و جهان عرب چشمگیر است. مجله‌ی الثورة الاسلامية (چاپ لندن) و نیز ندای کعبه (meka calling به انگلیسی)، و مجله‌ی بقیع (به زبان فارسی چاپ تهران) از نشریات این سازمان است گرچه سازمان طی انتشار جزوه‌ای، سابقه‌ی خود را به سال‌های ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ می‌رساند، اما متذکر می‌شود که حوادث سال ۱۹۷۹ در قطیف نام سازمان را بر سر زینان‌ها انداخت. (۱)

سازمان و طرفداران آن کتاب‌های متعددی در لندن در مقابله با رژیم سعودی و سیاست‌های عربستان و خاندان آل سعود منتشر ساخته‌اند. میان سازمان انقلاب اسلامی در جزیره‌ی عربستان و گروه‌های اسلامی در عراق و خلیج فارس روابطی نزدیک برقرار است. سازمان برعکس گروه‌های عراقی به پیروزی قریب‌الوقوع خود معتقد نبوده و در نشریات خود بیشتر خوارستار آگاهی دادن به مردم عربستان سعودی جهت شناخت ماهیت رژیم بوده است. نحوه‌ی فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی آن و موضع‌گیری‌هایش نشان می‌دهد که علی‌رغم عمر کم، پختگی نسبتاً

۱. رجوع کنید به جزوه‌ی سازمان انقلاب اسلامی پیشرو نهضت اسلامی در جزیره‌العرب، ص ۱۵ -

با این وجود جنبش امل بعنوان نیروهای برجسته نظامی و سیاسی شیعیان لبنان به فعالیت و حیات خود ادامه داد. اهمیت نقش سیاسی و نظامی با شرکت رهبر آن در کابینه آشتی لبنان بعد از ۱۹۸۳، و نیز مشارکت در جنگ اردوگاه‌های سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷ آشکار شد.

علاوه بر این سه گروه اسلامی شیعه، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی سنی نیز در لبنان قابل بحث است. مهم‌ترین گروه سنی طرفدار انقلاب اسلامی در لبنان و در واقع در کل جهان عرب، «جنبش توحید اسلامی» (حرکت التوحیدالاسلامی) است.

این جنبش رابطه‌ی چندانی با ایران نداشت اما هنگامی که جمهوری اسلامی در جریان محاصره‌ی شهر طرابلس از سوی ارتش سوریه و طرفداران حزب بعث در ۱۹۸۴، به حمایت از جنبش برخاست و سیاست سوریه را به باد انتقاد گرفت. توانست سوریه را به دست کشیدن از محاصره متقاعد سازد، رابطه‌ی میان جنبش توحید و انقلاب اسلامی حسنه شد. جنبش توحید اسلامی با گروه‌های شیعه لبنان (امل، حزب‌الله و امل اسلامی) نیز رابطه‌ی نزدیک دارد.

فلسطین

جنبش اسلامی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (کرانه باختری و نوارغزه) محصول سال‌های دهه ۱۹۸۰ بوده است. در طول سال‌های بعد از تأسیس اسرائیل (۱۹۴۸) تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و چند سال بعد از آن، گروه‌های متفاوت فلسطین که به ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و چپ‌گرایانه اعتقاد داشتند،

گرچه جنبش «امل» در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط امام موسی صدر جهت سازماندهی جامعه شیعه لبنان و با کمک برخی گروه‌های فلسطینی به وجود آمد، اما تا سال ۱۹۷۹ یعنی سال وقوع انقلاب اسلامی ایران از فعالیت چشمگیری برخوردار نبود و به ویژه در سیاست‌های لبنان جای خاصی نداشت. اما پس از وقوع انقلاب به ویژه بعد از ناپدید شدن امام موسی صدر، شروع به گسترش کرد.

اهمیت جمهوری اسلامی ایران از شیعیان جنوب لبنان نقش مهمی در رشد «امل» داشت، و از سال ۱۹۸۲ به بعد این گروه به یکی از بازیگران عمده‌ی صحنه‌ی سیاست‌های لبنان تبدیل شد. نقش نظامی «امل» در جریان حمله به اسرائیل در زوتن ۱۹۸۲، درگیری مسلمانان با فالانژها در ۱۹۸۳ پس از توافق اسرائیل و لبنان به خوبی آشکار شد.

اختلاف میان امل و انقلاب اسلامی، فرصت را برای گروهی از طرفداران امل به رهبری سید حسین موسوی که چندی قبل از امل طرف شده بود، فراهم ساخت تا گروهی را تحت عنوان «امل اسلامی» به وجود آورند. امل اسلامی متشکل از شیعیانی بود که به شدت از انقلاب اسلامی و خط مشی جمهوری اسلامی پیروی می‌کردند و خود را از نظر سیاسی و مذهبی طرفدار امام خمینی (ره) می‌دانستند. با این وجود امل اسلامی تنها به صورت یک تشکل سیاسی در برابر امل باقی ماند، و پس از چندی به گروه حزب‌الله که مهم‌ترین گروه شیعه‌ی طرفدار انقلاب اسلامی است پیوست. نیروهای حزب‌الله به همراه امل اسلامی همکاری نزدیکی با نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در شرق لبنان به ویژه بعلبک داشتند و نقش مهمی نیز در مبارزات علیه اسرائیل و نیروهای خارجی (آمریکا و فرانسه) ایفا کرده‌اند.

۷۵ درصد از اتحادیه دانشجویی دانشگاه غزه را در دست داشتند. (۱)
یکی از رهبران گروه‌های دانشجویی مسلمان در جریان انتخابات دانشجویی گفته بود: «ما تجربه‌ی ناسیونالیسم و مارکسیسم را پشت سرگذارده‌ایم و حال به این اعتقاد داریم که تنها از راه اسلام می‌توان بر اسرائیل پیروز شد.» (۲) علاوه بر جنبش دانشجویی، گروه‌های اسلام‌گرای متعددی نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سرزمین‌های اشغالی شروع به فعالیت کردند.

اما در جنبش اسلامی فلسطین، در حال حاضر دو گروه عمده‌ی (جهاد اسلامی فلسطین و حماس) نقش اساسی دارند. هر دو در سال‌های دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان پیروزی انقلاب اسلامی ایران اعلام موجودیت کردند. جنبش جهاد اسلامی در فلسطین (حرکت‌الجهاد الاسلامی فی فلسطین) قبل از حماس به وجود آمد و نقش مهمی در مبارزه علیه سربازان اسرائیل و همچنین آغاز قیام در سرزمین‌های اشغالی در دسامبر ۱۹۸۷ ایفا کرد. جهاد اسلامی خود در واقع مولود یک انشعاب از احوان المسلمین است. در سال‌های آخر دهه‌ی ۱۹۷۰، جوانان انقلابی عضو احوان المسلمین در غزه دست به انشعاب زدند و برای کسب آموزش نظامی و مبارزه سازمان، با سازمان الفتح تماس‌هایی برقرار ساختند و به ویژه اعضای الفتح با آموزش نظامی می‌دادند. (۳) این گروه برخلاف رهبران سنتی احوان المسلمین با

۱. رجوع کنید به مقاله‌ی «المجلة»، شماره‌ی ۴۰۲، ۱۹۸۷/۱/۲۷، ص ۱۹.
۲. گزارش ویژه‌ی آسوشیئدپرس در مورد گسترش جنبش اسلامی در فلسطین، کیهان، ۱۳۶۶/۵/۷.
۳. رجوع کنید به: «انتفاضة الاسلامی فی الأرض المحتلة»، العدد ۴۰۷، ۱۹۸۷/۱۲/۱.

انقلاب فلسطین را هدایت می‌کردند. البته اسلام در فلسطین چه قبل از ۱۹۴۸ و چه بعد از آن نقش برجسته‌ای به عهده داشته است، و رهبری جنبش ملی فلسطین در طول دوران قیمومیت انگلستان به عهده رهبران مسلمان قرار داشت. (۱)

وقوع انقلاب اسلامی در ایران همانند سایر کشورهای عرب بر رشد و ظهور جنبش‌های اسلامی در فلسطین نیز تأثیر گذاشت. گذشته از این، شکست ناسیونالیسم عرب پس از ۱۹۶۷، زمینه را برای ورود گروه‌ها و جریان‌های اسلامی در فلسطین آماده ساخته بود.

رشد گروه‌های اسلامی در لبنان و مبارزات آن‌ها علیه نیروهای اسرائیلی و نیروهای نظامی غرب نیز بر ظهور جریان اسلام‌گرا در سرزمین‌های اشغالی تأثیر گذاشت. در سال‌های اولیه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ تأثیر جنبش بیداری اسلامی در خاورمیانه، در میان محافل دانشجویی فلسطینی در کرانه‌ی باختری و نوار غزه آشکار شد.

دانشجویان اسلامی طی مبارزات انتخاباتی برای کسب کرسی‌های اتحادیه‌ی دانشجویان، پس از الفتح مقام دوم را به دست می‌آوردند و نیروهای چپ‌گرا و متحدان آن را شکست می‌دادند. قدرت جناح اسلامی در برخی دانشگاه‌ها قابل مقایسه و حتی برتر از قدرت طرفداران الفتح بوده است. قدرت گروه‌های اسلام‌گرا در دانشگاه‌های اسلامی هیرون (الخلیل) و دانشگاه اسلامی غزه بیش از سایر دانشگاه‌ها مشهود بوده است، و دانشجویان طرفدار گرایش اسلامی کنترل

۱. در مورد نقش اسلام در مبارزات فلسطین‌ها قبل از ۱۹۴۸ رجوع کنید به: حمید احمدی، اعراب و اسرائیل و مسأله‌ی فلسطین (جزوه‌ی درسی)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۷۱-۷۴، ۱۹۵-۱۹۶.

شقاقتی تئوریسین جهاد در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ کتابی تحت عنوان «خمینی‌ها راه حل و آلت‌ناتوبه» (خمینی، ۱۳۸۰، الحل و البدیل) به رشته‌ی تحریر در آورد و انقلاب اسلامی را مورد ستایش قرار داد. از طرف دیگر دکتر فتحی شقاقتی در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود از جوانان و مردم فلسطین خواسته است برای مبارزه با اسرائیل و آزادسازی فلسطین، مردم ایران را الگوی خود قرار دهند.^(۱) از آنجا که جهاد اسلامی نقش مهمی در بسیج اسلامی در نوار غزه به عهده داشت. رهبران جهاد اسلامی فلسطین پس از استقرار در بیروت به جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های طرفدار انقلاب اسلامی در لبنان بیشتر نزدیک شدند و مواضع خود را به مواضع ایران در قبال فلسطین نزدیک کردند.

جهاد اسلامی که قبلاً تا حدی با سازمان الفتح و شاخه‌ی نظامی آن در سرزمین‌های اشغالی همکاری داشت، پس از استقرار در لبنان، و به ویژه پس از سیاست‌های دو سال اخیر رهبران ساف با آن‌ها سر به مخالفت برداشتند. جهاد اسلامی با ابتکار نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ در الجزایر در رابطه با اعلام استقلال کشور فلسطینی مخالفت ورزیده و طی صدور بیانیه‌ای این اقدام را «خائنانه» توصیف کرد. مخالفت جهاد اسلامی با سیاست ساف، پس از مواضع جدید یاسر عرفات در اواخر ۱۹۸۸ در ژنوی طی آن، وی اسرائیل را به رسمیت شناخت، و قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل را پذیرفت، بسیار شدیدتر شده است. نزدیکی جهاد اسلامی به ایران باعث شده.

۱. نگاه کنید به سخنرانی شقاقتی، در نشریه‌ی «الاسلام و فلسطین»، شماره‌ی ۸، اکتبر ۱۹۸۸، صص ۲۶-۲۷.

گروه‌های مقاومت فلسطین به ویژه الفتح روابط حسنه‌ای در ابتدا داشت.^(۱) جهاد اسلامی خط مشی محافظه کارانه‌ی اخوان را به باد انتقاد می‌گرفت، و ضمن محکوم کردن اصلاح طلبان اخوان، سید قطب را تنها نماینده‌ی جناح انقلابی اخوان می‌دانست. شیخ عبدالعزیز عوده رهبر معنوی جهاد اسلامی در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی الفجر چاپ قدس به این مسأله اشاره کرد و انشعاب در اخوان المسلمین (۱) مورد تأیید قرار داد.^(۲)

در سال ۱۹۸۶، با دستگیری و زندانی شدن چند عضو جهاد اسلامی به ویژه احمد عبدالرحمن ابو حصیره و سپس دکتر «فتحی عبدالعزیز الشقاقتی» نام گروه بر سر زبان‌ها افتاد. بسیاری از اعضای جهاد اسلامی در ۱۹۸۶ در زندان‌های اسرائیل به سر می‌بردند، این افراد، و نیز شیخ عبدالعزیز العوده استاد علوم اسلامی دانشگاه اسلامی غزه در ۱۹۸۲ به بعد چند بار در زندان گرفتار شده بودند.^(۳)

جهاد اسلامی در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ چندین عملیات نظامی علیه نیروهای اسرائیل به راه انداخت که مهم‌ترین آن عملیات اکتبر ۱۹۸۷ در محله‌ی «شجاعیه» در شهر غزه بوده که زمینه ساز قیام در ماه دسامبر ۱۹۸۷ شد. رهبران جهاد اسلامی به میزان بسیار زیادی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند. شهید دکتر فتحی

۱. در مورد نظریات جهاد اسلامی و اخوان در رابطه با گروه‌های مقاومت فلسطین به ویژه ساف و الفتح رجوع کنید به: 180-178, winter, 1988, pp. 2, 66, xvii, no. 2, 66, Journal of Palestine Studies
 ۲. رجوع کنید به محله‌ی الظلمة الاسلامیة، ۲۳ نوامبر ۱۹۸۷.
 ۳. رجوع کنید به مقاله‌ی اول قضیه «الجهاد الاسلامی» فی فلسطین... در العالم، شماره‌ی ۱۳۴، سپتامبر ۱۹۸۶، صص ۱۸-۱۹.

است که گروه‌های فلسطینی طرفدار عراق و نیز جنبش‌های اسلامی مخالف انقلاب اسلامی و به ویژه طرفداران عربستان سعودی برای منزوی کردن جهاد اسلامی به تلاقی بردارند. البته جهاد اسلامی از اواسط سال ۱۹۸۹، در نشریه‌ای تحت عنوان «الجهاد» که در بیروت انتشار می‌یابد، به انعکاس نظریات و مواضع خود و نیز شرح فعالیت‌های طرفداران جهاد اسلامی در داخل سرزمین‌های اشغالی می‌پردازد. المجاهد در مقالات خود همچنین طرح‌های سیاسی جهت حل مسئله‌ی فلسطین و نیز مواضع رهبران ساف را که خواستار مذاکره با اسرائیل هستند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. (۱)

گروه دیگری که در جریان قیام در سرزمین‌های اشغالی اعلام موجودیت کرد و در حال حاضر طرفداران زیادی دارد، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حرکه المقاومة الاسلامیة فی فلسطین) ملقب به «حماس» است. حماس در اصل همان اخوان المسلمین فلسطین است که در جریان قیام به وجود آمد. حماس برخلاف جهاد اسلامی قبل از قیام دسامبر ۱۹۸۷ در صحنه فلسطین نبود، در هفت ماه بعد از قیام، در ژوئن ۱۹۸۸ با انتشار یک ميثاق (منشور) ۳۶ ماده‌ای اعلام موجودیت کرد. بنابراین حماس گروه جدیدی همانند جهاد اسلامی نبود، بلکه رهبران آن قبلاً در اخوان المسلمین در غزه به فعالیت مشغول بودند. اما پس از شروع و گسترش فعالیت‌های جهاد اسلامی علیه اسرائیل، این

۱. برای مثال المجاهد در سرمقاله‌ی یکی از شماره‌های خود با نظریات بسام ابوشریف و نیز طرح‌های شامیر، مبارک و... مخالفت ورزیده است. رجوع کنید به المجاهد، المدد الثالث، سپتامبر ۱۹۸۹.

سازمان نیز با انتشار منشور خود اعلام موجودیت کرد. شیخ احمد یاسین رهبر حماس از اخوان المسلمین با سابقه و برجسته نوار غزه به شمار می‌رود که در سال ۱۹۸۵ در جریان مبارزه‌ی زندانیان فلسطینی و گروگان‌های اسرائیل در لبنان، از زندان اسرائیل آزاد شد. حماس از همان آغاز، فعالیت‌های خود را ادامه‌ی حرکت‌های دیگر اسلامی فلسطین نظیر حرکت عزالدین قسام در ۱۹۳۶، جهاد اخوان المسلمین در جنگ ۱۹۴۸، و نیز عملیات جهادی اخوان المسلمین در سال ۱۹۶۸ می‌داند (ماده‌ی ۷ ميثاق حماس). حماس در منشور خود گفت: «الله غایت ما، محمد ﷺ الگوری ما، قرآن قانون ما جهاد، راه ما و مرگ در راه خدا نهایت آرزوی ما است» (ماده‌ی ۸ ميثاق).

سوریه

تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش اسلامی سوریه، بهترین نمونه‌ی رادیکال شدن گروه‌های اسلامی تحت تأثیر انقلاب ایران بوده است. در سوریه جنبش اخوان المسلمین در دهه‌ی ۱۹۸۰ فعالیت‌های خود علیه دولت بعث را گسترش داد و به نبرد مسلحانه وسیع و گسترده متوسل شد. گرچه اخوان سوریه همیشه از اخوان مصر تندروتر بوده است، اما شدت این تندروی تا قبل از دهه‌ی ۱۹۸۰ چندان مشهود نبود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در فوریه‌ی ۱۹۷۹، حملات اخوان علیه رژیم بعث گسترش یافت و جنبش اسلامی سوریه در صدد برآمد به شیوه‌ی مسلمانان ایران به یک انقلاب اسلامی متوسل شود.

نیروهای اخوان از سوی ارتش پایان یافت. به گفته‌ی منابع غیررسمی در این درگیری‌ها که شامل بمباران هوایی شهر حماه بود، ۲۵۰۰ نفر غیر نظامی کشته شدند. رهبران عمده‌ی جبهه اسلامی نیز به خارج گریختند.

جنبش اسلامی سوریه، پس از گروه‌های اسلامی در لبنان، عراق و کشورهای عرب خلیج فارس، بیشترین انگیزه جهت برپایی حکومت اسلامی را از انقلاب ایران گرفت.

این نکته بارها از سوی خود اخوان مورد تأکید قرار گرفته و آن‌ها در ابتدا

حمایت خود را از انقلاب اعلام داشتند. نشریه‌ی «الندیر» ارگان جبهه اسلامی

سوریه در مه ۱۹۸۰ بیانیه‌ای به چاپ رسانید که در ماده‌ی اول آن گفته شد: «مرد:

«انقلاب اسلامی ایران، انقلاب تمام جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام است. هر

چند که ممکن است مکاتب فکری مختلف میان این جنبش‌ها وجود داشته‌اند.»

در ماه دوم بیانیه تأکید شده بود که «هرگونه توسل به زور علیه انقلاب اسلامی ایران

و هرگونه خیانت به آن از طرف دیگر، در آینده به تمام جنبش‌های اسلامی در

سراسر جهان ضربه خواهد زد.»^(۱)

جبهه‌ی اسلامی سوریه همچنین تأکید کرده بود که در طول هزار سال تاریخ

گذشته اسلام، هیچ حادثه‌ای نظیر انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام

خمينی علیه السلام میان مسلمانان وحدت ایجاد نکرده است.^(۲)

۱. الندییر (ارگان جبهه‌ی اسلامی سوریه)، شماره‌ی ۱۸، ص ۲۵ - ۲۶.

2. Umar F. Abdollah, op.cit, p.181.

رویا رویی اخوان با دولت سوریه از سال ۱۹۶۳ یعنی روی کار آمدن حزب بعث شروع شد، و تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، چندین رویارویی (در سال‌های ۱۹۶۴ - ۱۹۶۷) میان آن‌ها روی داد.^(۱)

مرحله‌ی جدید رویارویی در ژوئن ۱۹۷۹ (چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) آغاز شد، و طی آن اخوان در جریان یک حمله‌ی نظامی به دانشکده افسری ۳۸ دانشجوی بعثی را کشت. دولت سوریه در ژوئیه ۱۹۸۰، جرم همکاری با اخوان را مرگ اعلام کرد. در اکتبر ۱۹۸۰ اخوان در سوریه در ائتلاف با چند گروه دیگر اسلامی «جبهه‌ی اسلامی سوریه» (الجبهة الإسلامية في سوريا) را بنیانگذاری کرد.

«جبهه» در نوامبر ۱۹۸۱ سندی تحت عنوان «بیانیه‌ی انقلاب اسلامی در سوریه و برنامه‌ی آن» (بيان الثورة الاسلامي في سوريا و منهاجها) منتشر ساخت و اهداف خود را در آن بیان کرد.^(۲) سرنوشتی رژیم بعث اصل نخست بیانیه بود، و یکی از اهداف دیگر آن زدن به جهاد مسلحانه علیه نظام و تبدیل حکومت بعث به یک حکومت اسلامی عنوان گردید.

شورش‌های گسترده‌ی شهر حماه و حلب در فوریه ۱۹۸۲ اوج درگیری جبهه اسلامی با حکومت بعث بود. این قیام سه هفته به طول انجامید و با سرکوب شدید

۱. در رابطه با درگیری‌های اخوان با حکومت بعث تا قبل از انقلاب ایران رجوع کنید به:

Umar F. Abdollah, *The Islamic Struggle in Syria* Berkeley, Mizan press, pp.108 - 113.

۲. برای اطلاع از جزئیات دقیق درگیری‌های جهاد رجوع کنید به: حماه، مأساة المصمر، من منشورات التحالف الوطني لتحرير سورية، ۱۹۸۲.

جبهه‌ی اسلامی سوریه همچنین اولین جنبش اسلامی بود که از اصطلاح «انقلاب اسلامی» استفاده کرد و در نشریات خود به «انقلاب اسلامی سوریه» اشاره کرد. به گفته‌ی جبهه‌ی اسلامی، انقلاب اسلامی سوریه همانند انقلاب اسلامی ایران نه در غرب و نه در شرق هیچ حامی ندارد.^(۱) همچنین در بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه جمهوری اسلامی تنها حکومت اسلامی موجود در جهان عنوان شده بود.

مصر

در مصر انقلاب اسلامی ایران تأثیر عمیق اما غیر مستقیم بر جنبش‌های اسلامی داشته است. این تأثیرگذاری هم باعث رادیکال شدن برخی جنبش‌ها شده است و هم جنبش‌های میانه رو را به فعالیت بیشتر برای رسیدن به اهداف خود تشویق کرده است. گرچه رادیکالیسم اسلامی و توسل به شیوه‌های قهرآمیز علیه دولت مصر، از اوایل سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ شروع شده و ظهور گروه‌هایی چون سازمان آزادیبخش اسلامی (منظمة التحرير الإسلامية) و جماعة المسلمین با (التکفیر والهجرة) نمونه‌ی خوبی در این رابطه هستند.^(۲) اما پس از انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های جدید رادیکال توسل به شیوه‌های قهرآمیز را گسترش دادند. اوچ این رادیکالیسم ترور انور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ توسط سازمان جهاد

1. *Ibid* p.183.

۲. برای یافتن مطالب بیشتر پیرامون این در گروه رجوع کنید به: هریس دکمبجان، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه‌ی حمید احمدی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶، ص ۱۳۸ - ۱۴۹.

تحت رهبری عبدالسلام فرج بود.

از آنجا که سازمان جهاد یک گروه کاملاً سری بود و فعالیت‌های تبلیغی علنی نداشت، در مورد نظریات رهبران و اعضای آن پیرامون تجربه‌ی انقلاب اسلامی اطلاع دقیقی در دست نیست. به علاوه در نوشته‌های عبدالسلام فرج و به ویژه کتاب مهم او «واجب مکتوم» (الفریضة الغائبة) بیشتر به فقها و تئوری پردازان مسلمان اهل سنت اشاره شده است و افرادی چون ابن تیمیه و دیگران نکیه گاه فکری او بوده‌اند.^(۱) با این وجود، رهبری و اعضای جهاد به خوبی شاهد وقایع ایران بودند و تجربه‌ی اسلامی را در این کشور مشاهده کردند، و خود در پی به کار انداختن انقلاب سیاسی و اجتماعی در مصر به شیوه‌ی ایران بودند.

علاوه بر این، رهبران سازمان جهاد گذشته از این که حوادث ایران را تحسین نظر داشتند و از آن تجربه می‌آموختند، از نوشته‌های رهبری انقلاب ایران هم آشنایی داشتند. تأثیر گرفتند. علاوه بر گروه جهاد اسلامی، جناح‌های اسلامی رادیکال دیگر مصر نظیر جنبش «اليسار الاسلامي» (چپ جدید) شدیداً از انقلاب اسلامی ایران تأثیر می‌گرفته‌اند. اليسار الاسلامي در نشریه خود (اليسار الاسلامي) از انقلاب ایران بارها به دفاع برخاست.

کتاب دیگر امام خمینی رحمه‌الله «مقابله با نفس با جهاد اکبر» نیز از سوی طرفداران چپ اسلامی به عربی ترجمه و منتشر شد. چپ اسلامی همچنین تشیع را که

۱. در مورد سازمان جهاد و عقاید رهبران رجوع کنید به: زبیل کویلی، پیامبر و فرعون و جنبش‌های نوین اسلامی در مصر، ترجمه‌ی حمید احمدی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۱، تهران، ص ۲۲۳ - ۲۵۵.

نماینده به پارلمان فرستاد. به علاوه قدرت یافتن انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌های مصر که از اخوان حمایت می‌کنند، نشانه‌ای از تأثیر انقلاب ایران بر تشدید فعالیت گروه‌های اسلامی مصر است. علاوه بر این، تأثیر انقلاب اسلامی بر حرکت مردمی مسلمانان در مصر آشکار بوده است. ناآرامی‌های گسترده‌ی مردم قاهره، اسیوط، القیوم و مناطق دیگر مصر، فعالیت‌های گسترده‌ی نهضت جمعیت ارشاد اسلامی (جماعة الهدایة) علیه سیاست‌های دولت و تقاضای اجرای شریعت در مصر، و نیز ناآرامی‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های مصر، گسترش حرکت اسلامی را پس از انقلاب ایران نشان می‌دهد.

ب) تأثیرات انقلاب اسلامی بر کشورهای آفریقای

تونس:

«لیزا اندرسن» (Lisa Anderson) در مقاله‌ای با نام «تونس و لیبی: واکنشی به گرایش‌های اسلامی» به بررسی تأثیرات ناشی از انقلاب اسلامی ایران بر این دو کشور پرداخته است. او بر این باور است که: اگرچه انقلاب اسلامی ایده‌ی تازه‌ای را در تونس و لیبی دامن نزده و برای تحقق آرمان‌های مشابه آنچه در این دو کشور دیده می‌شود، هیچ گروه انقلابی در این دو کشور ایجاد نشده، لیکن در کلیت کشورها تأثیرات اجتماعی - اجتماعی تأثیراتی داشته است.

تأثیر عمومی انقلاب اسلامی ایران که در قالب توجه توده‌ها به اسلام و نگرانی دولت‌ها از آثار سیاسی اسلام، تجلی می‌کند غالباً در این دو کشور دیده شده است. از آنجا که مثنی سیاسی دو کشور تقریباً واحد بوده و بر نوعی سکولاریسم

ایدئولوژی انقلاب ایران بود مورد ستایش قرار می‌داد، علاوه بر اليسار الاسلامی، جشن اخوان المسلمین دوره‌ی سادات، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایرانی انگیزه جدیدی برای فعالیت‌های خود پیدا کرد.

اخوان در آن سال‌ها به طور کلی انقلاب اسلامی را در چارچوب مبارزه جهانی میان اسلام و کفر قرار می‌داد. همچنین در ۱۹۷۹ کتابی تحت عنوان «خمینی رضی الله تعالی عنده» منتشر ساخت و در آن امام خمینی رضی الله تعالی عنده و جمهوری اسلامی را راه حلاً اسلامی برای نظام‌های وابسته دانست. (۱)

اخوان در همان اوایل انقلاب اسلامی در ایران طی مقالاتی تحقیقی در مجله المختار الاسلامی به بررسی سیر نهضت ملی - مذهبی در ایران پرداخت و از تشیع به عنوان یکی از مذاهب رسمی اسلام دفاع کرد. به نظر اخوان، افشای جنایات، وابستگی و فساد اخلاقی دوران پهلوی از جمله عوامل انقلاب اسلامی در ایران به حساب می‌آید. (۲) اخوان‌المسلمین در سال‌های نیمه‌ی ۱۹۸۰، توانست در فضای سیاسی جدید مصر که در آن بنیادگرایی و فعالیت‌های اسلامی طرفداران فراوان داشت قدرت بگیرد.

در انتخابات ۱۹۸۴ اخوان طی ائتلاف با حزب وفد نوین تعداد زیادی نماینده به پارلمان فرستاد. در سال ۱۹۸۷ نیز از طریق ائتلاف با حزب لیبرال، بیش از ۴۰

۱. فتوی عبدالعزیز، الخیمینی رضی الله تعالی عنده: الحل الاسلامیة و البدیل، قاهره، المختار الاسلامی، ۱۹۷۹.
۲. پیرامون مواضع اخوان در قبال انقلاب اسلامی ایران رجوع کنید به:

Rudi Matthee "Equiption opposition on the Iranian on the Iranian Revolution", in shi is maned social protest , by Nikki keddie (New Haren and London , 1986) pp.247-279.

چند بار «المعرفة» و «المجتمع» را توقیف کند.
الهام گرفتن جنبش گرایش اسلامی از انقلاب اسلامی ایران بارها در مطبوعات خود
جنبش و نیز از سوی مقامات تونس و مطبوعات جهان مورد تأکید قرار گرفته است.
«محمد الهاشمی الحامدی» یکی از رهبران جنبش در نقد کتاب «مقالات و
اسناد انقلاب اسلامی تونس» می‌نویسد: «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک
رویداد تاریخی عظیم بود که نسل‌های مسلمان را از رکود و گوشه‌گیری نجات داد و
انسان را به حرکت واداشت.

در نهایت قاطعانه می‌توان اقرار نمود که اسلام قادر است بر دشمنان پیروز گردد
و گستاخ‌ترین نظام ضد مذهبی را واژگون سازد. اگر چه آن نظام از طرف دشمن
شاهنشاهی تهران حمایت شود.^(۱)
قبل از پیروزی انقلاب، «المعرفة» ارگان جنبش اسلامی تونس از معدود
نشریاتی بود که حوادث ایران و جنبش اسلامی تحت رهبری امام خمینی رهبر را مورد
تفسیر و ارزیابی مثبت قرار می‌داد و از آن حمایت می‌کرد.

المعرفة ارگان جنبش گرایش اسلامی علاوه بر حمایت از انقلاب ایران و با
نظریات و اعلامیه‌های رهبری آن نظریات و اندیشه‌های دکتر علی شریعتی رهبر
عنوان یکی از چهره‌های بیدارگری اسلامی معاصر منعکس می‌کند.^(۲)
حمایت «حرکه‌الانجاء» از انقلاب اسلامی باعث شد تا دولت بورژوازی از آن به

۱. تونس از استقلال تا امروز، روزنامه کیهان، ۲۶/۸/۱۳۶۶.

۲. در مورد شباهت اندیشه‌های غنوشی به شریعتی رجوع کنید به مجلدهی العالم، العدد ۵۴، ۲۲ فوریه

۱۹۸۵، ص ۶۶.

مبتنی است، امکان بررسی تأثیرات ناشی از انقلاب ایران بر این دو کشور، زیر
عینتی واحد وجود دارد.

در واقع در هیچ یک از کشورهای عرب، رشد جنبش اسلامی پس از انقلاب
ایران همانند تونس نمود نداشته است. جنبش اسلامی تونس در واقع یک جنبش نو
پا و محصول سال‌های دهه ۱۹۸۰ است.

به‌وجود آمد، اما روابط آن با جمهوری اسلامی همانند روابط گروه‌های شیعه لبنان،
عراق، عربستان سعودی و کشورهای عرب خلیج فارس نیست، بلکه نفوذ معنوی
انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه و اهمیت این نقطه که انقلابی تحت نام اسلام
صورت می‌گیرد، مشوق رهبران جنبش اسلامی در تونس بوده است. این نکته در
نوشته‌ها، اعلامیه‌ها و سخنان رهبران و طرفداران جنبش مذکور به خوبی دیده می‌شود.
گذشته از آن در تونس نیز همانند کشورهای مغرب عربی، نهضت اسلامی ملهم
از اخوان المسلمین مصر در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی نفوذ چندانی نداشته و
حزب التحریر الاسلامی دارای فعالیت‌های بیشتری در این کشور بوده است.
مهم‌ترین تجسم جنبش اسلامی تونس گروه «جنبش گرایش اسلامی» (حرکه الانجاء
الاسلامی) است که به طور رسمی در مه ۱۹۸۱ توسط گروهی از روشنفکران
مسلمان این کشور اعلام موجودیت کرد.

جنبش گرایش اسلامی در نشریات خود «المجتمع» و به ویژه «المعرفة» انقلاب
اسلامی را بارها مورد ستایش قرار داد و امام خمینی رهبر را نمونه‌ی رهبر بیدار و
انقلابی اسلام توصیف کرد. همین حمایت از انقلاب اسلامی باعث شد تا دولت

الجزایر

تجدید حیات اسلامی در الجزایر پس از انقلاب ایران، نخست در حرکت‌های دانشجویی مسلمان و تشکیل گروه‌های کوچک رادیکال مشاهده شده است. طرفداران جنبش اسلامی بیشتر در دانشگاه‌های الجزایر حضور دارند و از نظر سیاسی نفوذ قابل توجهی در محافل دانشجویی پیدا کرده‌اند.

در اواخر ۱۹۸۲ و اوایل ۱۹۸۳ تظاهرات دانشجویی وسیعی در سراسر الجزایر به وقوع پیوست و در اوایل ۱۹۸۵ نیز در جریان تخریب یکی از محله‌های الجزیره، گروه‌های اسلامی به خیابان‌ها ریختند و فساد حاکم را به باد حمله گرفتند. در جریان اعتراضات گسترده شهر فسطاطین در نوامبر ۱۹۸۶، محله‌های اعیان‌نشین و دفاتر حزب حاکم (جبهه آزادیبخش ملی) مورد حمله قرار گرفت.^(۱) گذشته از جنبش دانشجویی، برخی گروه‌های رادیکال نیز در دهه ۱۹۸۰ در الجزایر ظهور کردند.

حضور و اهمیت جنبش بنیادگرایی در الجزایر، در شورش‌های گرده سراسری اکتبر ۱۹۸۸ که در آن رهبران سنتی مسلمان و شخصیت‌های دینی جنبش اسلامی نقش داشتند، به نحوی آشکار بود. در الجزایر نیز همانند تونس، در یکسال اخیر جنبش اسلامی از نهضت اصلاحات دمکراتیک دولت (۱) رادیکال احزاب سیاسی که شاذلی بن جدید مشوق آن بوده، استفاده کرده است.

دولت الجزایر گروه جدید «جبهه‌ی نجات اسلامی» (الجهة الإسلامية للإنقاذ)

۱. الدولی، «سال سوم، شماره ۴، نوامبر ۱۹۸۹، ص ۴۰.

۱. کیهان، ۱۲۵۶/۸/۲۱.

عنوان حره‌ای علیه جنبش و رهبری آن استفاده کند. در اوایل آوریل ۱۹۸۷ کادر رهبری و اعضاء برجسته جنبش دستگیر شدند و در جریانات محاکمات آن‌ها، دانشگاه تونس در دادگاه امنیتی یکی از اتهامات جنبش گرایش اسلامی را داشتن ارتباط با جمهوری اسلامی عنوان کرد و گفت: آن‌ها سعی می‌کردند، نظام تونس را سرنگون ساخته و حکومتی به سبک حکومت اسلامی ایران روی کار آورند.^(۱)

را «حرکه الاتجاه الاسلامی» به حرکه النهضة (جنبش نهضت) تغییر داد.

جنبش در مواضع جدید خود توسل به خشونت را در مقابل دولت‌ها رد کرد و

خواستار اقدام مسالمت‌آمیز شد.^(۲)

مواضع جدید و متعادل حرکه النهضة در مقابل مسایل تونس، باعث برخی

انتقادات به آن شده است. اما با این وجود میان دولت تونس که طرفدار

سیاست‌های غیر مذهبی است و از علمائیت طرفداری می‌کند و جنبش نهضت

نوعی نبرد پنهان وجود دارد، و این مساله شاید روزی منجر به رویارویی علنی

شود، زیرا جنبش نهضت طرف اصلی در مخالفت با سیاست‌های علمانی نظام

تونس است.^(۳)

۱. در مورد جریان محاکماتی جنبش و اتهامات وارد بر آن رجوع کنید به: «محاكمة الاتجاه الاسلامي في تونس المشهورون والنفسة»، مجلة العالم، العدد ۱۸۷، سبتمبر ۱۹۸۷، ص ۱۲ - ۱۴.

۲. رجوع کنید به مصاحبه‌ی مجلدهی العالم با رشد الفونسی، شماره ۲۹۷، اکتبر ۱۹۸۹، ص ۱۰ - ۱۲ و همچنین رجوع کنید به «مواضع جدید جنبش اسلامی تونس»، هفته‌نامه‌ی بشت، ۱۹ دی، چاپ قم، سال دهم، شماره ۱۹، مسلسل ۴۷۵، یک شنبه ۱۵/۵/۱۳۶۸.

۳. در این رابطه رجوع کنید به «جدال العلمانية و الاسلام المعارض في تونس» در نشریه‌ی «الهلال

به رهبری دکتر عباس مدنی و دیگران را که در مارس ۱۹۸۹ تشکیل شد به رسمیت شناخته است. جنبه نجات اسلامی اهداف و برنامه‌های خود را در رابطه با مسایل سیاسی، اقتصادی، سیاست خارجی، ارتش، جایگاه ایدئولوژی اسلامی در جامعه الجزایر و نیز شیوه‌های عمل اسلامی در الجزایر بیان کرد.^(۱)

به علاوه احزاب دیگری به نام اسلام در الجزایر نظیر «رابطة الدعوة الاسلامیة»، «باز حزب اتحاد دموکراتیک عربی - اسلامی که خواستار تشکیل یک امت اسلامی (فلسطینی) تا اقیانوس اطلس تحت اراده‌ی یک دولت واحد مرکزی اسلامی است، خواستار رسمیت قانونی بر طبق قانون احزاب مصوبه‌ی ژوئیه ۱۹۸۹ الجزایر شده‌اند.»^(۲)

مراکش

در مراکش نیز نشانه‌های رشد جنبش‌های اسلامی همانند الجزایر در سال‌های دهه ۱۹۸۰ به چشم خورده است.

گروه‌های اسلامی مراکش نظیر جوانان مسلمان (الشباب الاسلامی)، «جماعة السنة» و سربازان اسلام (جندالاسلام) به دلیل سیاست‌های رژیم، به فعالیت مخفی روی آورده‌اند. در نوامبر ۱۹۸۳ به دنبال دستگیری تعداد زیادی از

۱. در رابطه با تشکیل جنبه و عقاید آن رجوع کنید به:

«اعلان عن ميلاد الجهة الإسلامية للاقتداء»، در «الهلل الدولی»، ۱ - ۱۵، ژوئیه ۱۹۸۹.

برای متن کامل اعلامیه جنبه و نیز مشروح برنامه‌ها و اهداف آن رجوع کنید به ضمیمه نشریه:

Latribune' October, No.14, November 1989.

۲. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۸/۳۰.

اعضا گروه جوانان مسلمان در شهرهای فاس و کازابلانکا، دولت آن‌ها را «یک مشت جاسوس ایران» توصیف کرد و مأموران امنیتی مراکش نیز از دستگیر شدگان پیرامون یک «سازمان افراطی ایران» که مأمور فعالیت‌های اسلامی در مراکش است سؤال می‌کردند.

در مراکش شدت سرکوب گروه‌های اسلامی و رهبران آن بسیار زیاد است و برخلاف الجزایر تحمل آن‌ها کم‌تر است. جنبش جوانان مسلمان، مقرر رهبری خود را در ۱۹۸۳ به پاریس منتقل کرد و اما جهت پیشبرد اهداف خود یک سازمان مخفی مسلح به نام «الجهاد» تشکیل داد که ۷۱ عضو آن در ۱۹۸۴ به اتهام فعالیت‌های خشنون‌نار و پخش اعلامیه‌هایی که «جنبه‌ی ایرانی» دارد، محاکمه شدند.

ج تأثیرات انقلاب اسلامی بر جنوب غربی آسیا

افغانستان

وقوع انقلاب اسلامی در ایران شاید بیشترین تأثیر را در منطقه‌ی افغانستان به جای گزارده باشد. حضور بیش از دو میلیون مهاجر افغانی در ایران و آشنایی آن‌ها با آموزه‌ها و تعالیم انقلابی در ایران این تأثیرات را دو چندان کرده است و مهم‌ترین علت برای عدم شکل‌گیری دوستی با ثبات مثبتی بر همین اصل است که از یک سو مردم افغانستان دیگر تحمل دولت‌های دست‌نشانده ابرقدرت‌ها بر خود را ندارند و از سوی دیگر ابرقدرت‌ها و کشورهای همسو با آنان در منطقه نیز پذیرای شکل‌گیری حکومتی با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی در آن نمی‌باشند.

از دیرباز افغانستان همواره مورد توجه استعمارگران شرق و غرب واقع گردیده

تلاقی تمام منافع و توانمندی قدرت‌های برتر جهان تلقی می‌کنند که تسلط بر نقاط استراتژیک آن یک نیاز حیاتی است، از طریق این منطقه (افغانستان) روسیه با هند و چین پیوند می‌خورد و از همین طریق امکان پیوند ایران با هند و تسهیل ارتباط با روسیه فراهم می‌گردد. دروازه‌ی افغانستان در فرآیند حضور جهانی آمریکا و تثبیت قدرت خود در آسیا یک نقطه سرنوشت ساز و یک دغدغه‌ی کاملاً استراتژیک است.

«الیور روی» (Oliver Roy) از جمله پژوهشگران صاحب نام در خصوص مسایل افغانستان است که در «مرکز مطالعات و پژوهش‌های ملی پاریس» به کار اشتغال دارد و تاکنون مقالات متعددی در این زمینه تحریر نموده است. به نظر وی افغانستان به خاطر وجود گروه‌های قومی مختلف، جنگ‌های طولانی و نزدیک به ایران، ظرفیت بالقوه‌ی بسیاری برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران دارد. حضور جمع قابل توجهی از مسلمانان شیعی در افغانستان، مطلب مهمی است که

در ارزیابی میزان تأثیرپذیری این کشور از ایران نباید نادیده گرفته شود. شیعیان که حدوداً ۲۵ درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، اکثریت قوم «هزاره» بوده و به زبان فارسی تکلم می‌کنند و در مناطق مرکزی افغانستان سکونت دارند و مرکز آن‌ها شهر تاریخی «بامیان» است. تشیع همچنین در بین قزلباش‌ها، ترکمن‌ها، تاجیک‌ها و حتی پشتوها پیروانی دارد.

هزاره‌ها از جمله گروه‌های فقیر افغانستان هستند که در قالب ساختار «اریاب مرکزی» (میری) به امرار معاش مشغولند و در دهه‌ی ۱۹۷۰ هزاران نفر از آن‌ها به ایران مهاجرت نموده‌اند. البته در شهرهای افغانستان به گروه‌های مختلفی از شیعیان می‌توان اشاره کرد، از آن جمله قزلباش‌ها در کابل، با شیعیان فندھاری که زمینه را برای طرح

و از هر فرصتی برای تجاوز به این کشور بهره‌برداری شده است. چرا که کشور مسلمان افغانستان در منطقه‌ی حساس و سوق‌الجیشی آسیای مرکزی قرار گرفته و از یک سو به شبه قاره‌ی هند و از سوی دیگر به آسیای مرکزی و چین و از سمت دیگر به آسیای غربی مرتبط می‌باشد.

این کشور در دو قرن گذشته حایلی میان امپراطوری‌های شرق و غرب بوده است. جدایی این منطقه از ایران و پیدایش کشوری به نام افغانستان در راستای جدایی بین مستملکات دو ابرقدرت روسیه و انگلیس و جلوگیری از برخورد و رویارویی بین آن‌ها بود. در نیمه‌ی دوم قرن بیستم نیز افغانستان همانند حایلی میان آمریکا و شوروی به شمار می‌رفت چرا که حکومت‌های افغانستان برای مدت‌ها نسبت به شرق و غرب حالت بی‌طرفی داشتند و این بی‌طرفی را شرق و غرب نیز پذیرفته بودند و دولت‌های افغانستان نیز آن را اجرا می‌کردند. اما وقوع انقلاب اسلامی از یک سو و استقلال سرزمین‌ها و جمهوری‌های آسیای مرکزی از سوی دیگر افغانستان را با موقعیت جدیدی روبه‌رو کرده است. زیرا چنانچه کشورهای آسیای مرکزی بخواهند با کشورهای جهان از طریق آب‌های گرم جنوب (دریای عمان و اقیانوس هند) ارتباط برقرار کنند، یک راه عبور آن از طریق افغانستان است و چنانچه بخواهند کالاهای وارداتی خود را از همان راه وارد کنند، نیز یک راه عبور آن از همین طریق است لذا این کشور در صورتی که اوضاع فعلی در آسیای مرکزی و غربی حفظ شود، تبدیل به یک محل ترانزیت کالا و مسافر می‌گردد و رونق می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت افغانستان منطقه‌ای است که حلقه پیوند اصلی منافع چند قدرت مهم در تحولات آینده آسیاست چرا که در هزاره‌ی سوم میلادی آسیا را فقط

به طور اخص و ملت پاکستان به طور اعم ایجاد شد از این قرار است:

۱. ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی در نسل جوان شیعه که با قبل از انقلاب اسلامی تفاوتی ماهوی عمیق دارد. جوانان شیعه با درک هر چند ناقص انوار تابان ارزش های انقلاب اسلامی به فهم مسایل دینی و خودسازی و جامعه سازی گرایش بیشتری یافته اند، ملت پاکستان به ویژه شیعیان مفهوم ارزش های همچون ایثار، تلاش برای آزادی و استقلال، اصل ولایت، شهادت، زیر بار ظلم نرفتن، مبارزه با هواهای نفسانی و بسیاری ارزش های دیگر را در ابعاد وسیع تر و معنای حقیقی آن از سیر و سلوک مردم مسلمان و انقلابی ایران آموخته اند.
۲. تشکیلاتی تر شدن گروه های شیعی، بدون تردید یکی از علل اصلی پیدایش نهضت اجرای فقه جعفریه، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود که از برکت تحول عظیمی روحانیون شیعه پاکستان بیشتر به خود آمده و این معنا را درک کردند که در قالب یک تشکیلات قوی، مردمی و مذهبی بهتر خواهند توانست به اهداف مورد نظر دست یابند.
۳. انقلاب اسلامی ایران، مردم پاکستان به ویژه شیعیان را به لزوم پیروی از روحانیت انقلابی متوجه ساخت، تا قبل از پیروزی انقلاب، تصویر مثبتی از شیعیان در جامعه وجود نداشت و نیز روحانیت واقف بر شأن و منزلت خود نبود و از این راه و جهت صحیح و بی شائبه و غیر سازشکارانه را به مردم نشان دهد ناتوان بود، لذا در تشخیص یافتن روحانیت و گسترش و گرایشات مردم به سوی آنان، انقلاب اسلامی تأثیر زاید الوصفی داشته است.
۴. قبل از انقلاب اسلامی، روحانیت شیعه در پاکستان فاقد بینش انقلابی

دیدگاه های مربوط به انقلاب ایران در افغانستان فراهم و مساعد می کنند. ارتباط دیرینه ایران و افغانستان به این نگرش دامن زده، آن را تشدید می کند، به گونه ای که در افغانستان می توان تصاویر بسیاری از حضرت امام خمینی علیه السلام یافت. سال های بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، سال هایی که جوانان افغانی مهاجر به شدت سیاسی شده، تحت تأثیر امکاناتی که تازه به دست آورده بودند، نظیر تحصیل و کتب تخصصی، اقدام به تشکیل گروه های معارض شیعی نمودند. تأثیر تحولات ایران در این زمان آن قدر زیاد است که تعدادی از پژوهشگران، این دوره را به نام «دوره ی ایرانی شدن جوانان افغانی» (Ironization) نام نهاده اند و «ادواردز» (Edwards) و «کوپکی» (Kopecki) به آن آشکارا تصریح کرده اند. رواج آداب و رسوم مذهبی ایرانی و کاربرد الفاظ زایدیه ی گفتمان جامعه ی ایرانی - شیعی در افغانستان، حکایت از این مطلب دارد. به همین خاطر است که از دهه ی ۱۹۵۰ به بعد شکل گیری حرکت های شیعی در افغانستان را شاهدیم؛ حرکت هایی که با وقوع انقلاب اسلامی ایران، شدت و سرعت قابل توجهی یافت.

پاکستان:

یکی از همسایگان مهم ایران که از لحاظ سیاسی و اجتماعی در معرض نسیم روحبخش انقلاب اسلامی واقع شد پاکستان است. سقوط رژیم نظامی ضیاء الحق و اهمیت نقش شیعیان در صحنه ی سیاسی پاکستان و سرکوبی سپاه صحابه از این تحولات است. علامه سیدعلی ساجد نقوی رهبر شیعیان پاکستان در مورد تأثیر انقلاب اسلامی در این کشور می گوید: تحولاتی که از رهگذر انقلاب اسلامی و شیعیان پاکستان

سیاسی و مذهبی بود. به برکت انقلاب، روحانیت بیدار شد و به کسب و ترویج معارف اصیل اسلامی و دخالت در مسایل سیاسی همت گمارد.

۵. توجه یافتن به حفظ شعایر اسلامی و دستوره‌های الهی به شکل منطقی‌تر و واقعی‌تر از گذشته از دیگر ثروت پر ارزش انقلاب اسلامی است.

۶. تقویت روحیه همدردی با جهان اسلام و پشتیبانی از نهضت‌های آزادیبخش عالم در مقابل ظلم و ستم حکام دست‌نشانده و استکبار جهانی یکی دیگر از نتایج پرلز و برجسته‌ی بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان است که به لحاظ شکل و شیوه‌ی عملکرد به طور قابل ملاحظه‌ای متمایز از قبل وقوع انقلاب اسلامی است.

جهه‌ی آزادیبخش جامو و کشمیر

جهه‌ی آزادیبخش جامو و کشمیر یکی از گروه‌های فعال و بانفوذ کشمیر است. رهبر جهه‌ی آزادیبخش جامو و کشمیر در مصاحبه‌ای در نیویورک اعلام کرد: «اگر ما وابسته به هند شویم، هویت اسلامی خود را از دست خواهیم داد و وابستگی ما به پاکستان نیز هویت کشمیری ما را از ما خواهد گرفت».

شیعیان در کشمیر از مرز یک میلیون نفر گذشته و فعالیت‌های زیادی در صحنه‌ی اعتراضات و مبارزات برای استقلال جامو و کشمیر از خود نشان داده‌اند. روابط و مناسبات مردم ایران و ساکنین کشمیر مقوله‌ای تاریخ است و عوامل همگرایی نظیر دین و مذاهب، فرهنگ، زبان، جغرافیا و... به ویژه در طول دوران پس از ظهور اسلام همواره موجب تقویت علاقه‌ها و همبستگی‌ها میان آن دو بوده

است. به گونه‌ای که کشمیر را ایران صغیر نام نهاده‌اند. این قرابت و نزدیکی تاریخی مرهون تلاش‌های خالصانه و خداپسندانه میر سیدعلی همدانی در قرن چهاردهم در کشمیر است.

میر سیدعلی همدانی، ملقب به امیر کبیر و معروف به شاه همدان در سال ۷۱۴ هجری قمری در یک خانواده‌ی مذهبی در همدان متولد شد. وی به سبب شدت هجوم قتل و غارت تیمورلنگ به همراه جمعی از مردانش به کشمیر مهاجرت کرد و به تبلیغ و ترویج دین اسلام پرداخت و پس از چندی موفق شد هزاران نفر از هندوان ساکن کشمیر را مسلمان کند.

در تاریخ آمده است چون به سبب همت والای میر سیدعلی همدانی در ترویج و اعتلای اسلام، بت‌های کشمیر شکسته شد (هندوان بت‌پرست به دین اسلام تشرف یافتند) میر سید لقب «بت شکن» یافت.

مردم مسلمان کشمیر به ویژه شیعیان علاقه فراوانی به ایران، انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی علیه السلام دارند. آنان کشمیر را ایران صغیر می‌پندارند. اوایل سال ۶۹ در راهپیمایی عظیمی که با شرکت بیش از دویست هزار نفر در سرینگر برگزار شد، مردم در این راهپیمایی تعداد زیادی تصویر حضرت امام رحمة الله در دست داشتند و شعارهایی نظیر الله اکبر، خمینی علیه السلام سر دادند.

تأثیر انقلاب اسلامی در تحولات اخیر کشمیر در انتخاب مساجد به عنوان پایگاه‌های مبارزه و نیز در شعارهای مبارزان کشمیری به وضوح قابل مشاهده است. برخی از این شعارها عبارتند از: نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، فرمان امام خمینی علیه السلام الجهاد الجهاد، الله اکبر، با علی مدد، بیدار شو، بیدار شو، که فجر فرا

رسیده معنی آزادی چیست؟ لاله‌الله، چه نظامی می‌خواهید؟ نظام مصطفی ﷺ.
و اما در مورد مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحرکات جدید مسلمانان در
جامعو کشمیر قابل ذکر است که دولت ایران بر وظیفه‌ی اسلامی و انسانی خود، تعدی
و ظلم دولت هند نسبت به مسلمانان کشمیری را بارها محکوم نموده و از دولت هند
خواستار تجدید نظر در شیوه‌ی برخورد خود با مسلمانان مظلوم کشمیر شده است.

د) تأثیرات انقلاب اسلامی بر کشورهای آسیای میانه

آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که با توجه به کشورهای زیاد آن،
حساسیت و اهمیت بسیاری دارد. نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی کشورهای این
منطقه، به تأثیرگذاری‌های انقلاب اسلامی ایران رنگ و جلوه‌ی خاصی داده است
که به بررسی کلیات آن می‌پردازیم.

آسیای مرکزی به خاطر علل تاریخی متعدّد در سیاست و حکومت منطقه‌ای
بسته و منزوی بوده است، به گونه‌ای که در آن‌جا نقش مذهب به مؤسسات مذهبی
خاصی به نام «سادوم» (Saudum) محدود می‌شده که صرفاً در سطح تربیت
شخصی فعالیت می‌کرده‌اند. لذا حیات اسلامی مردم مسلمان این منطقه با دیگر
مناطق جهان اسلامی کاملاً متفاوت است. با این حال، باید پذیرفت که با عنایت به
قابلیت‌های پنهانی این منطقه و برخلاف اظهارات محققان غربی، اسلام به مثابه
عاملی مؤثر نقش‌آفرینی می‌کند. اطلاعاتی که منابع موثق داخلی در روسیه منتشر
کردند، مؤید این ادعاست. همین امر ما را وادار می‌دارد تا از تأثیرات انقلاب اسلامی
در میان مسلمانان این منطقه با حساسیت بیشتری سخن بگوییم.

ایران و آسیای میانه در دو ناحیه مرز مشترک دارند: آذربایجان و ترکمنستان.
تأثیر آشکار انقلاب اسلامی را در منطقه‌ی آذربایجان بیشتر می‌توان مشاهده کرد تا
ترکمنستان. تعلق خاطر آذربایجانی‌های دو طرف مرز به یکدیگر و رواج مذهب
تشیع (که تا هفتاد درصد هم گفته شده) در تحکیم این حلقه‌ها مؤثر است. منطقه‌ی
ترکمنستان به علت تعلق بیشتر به مذهب تسنن، از حیث آشنایی و تأثیرپذیری از
انقلاب در مرحله‌ی دوم یا به اصطلاح در پیرامون امواج انقلاب ایران قرار داشته
است. البته توجه به تاجیک‌های فارسی‌زبان سنی مذهب نیز اهمیت خاصی دارد.
گذشته از ارتباط مستقیم مذکور، لازم است به ارتباط‌های با واسطه‌ی این دو منطقه
نیز توجه کنیم. برای مثال: افغانستان واسطه‌ای برای ارتباط با سه کشور آسیای میانه
بوده و از این حیث می‌تواند در انتقال تأثیرات انقلاب ایران نقش مؤثری داشته باشد.
دهه‌ی ۱۹۶۰ را دهه‌ی احیای گرایش‌های اسلامی در آسیای مرکزی لقب
داده‌اند. این فرایند مشتمل بر دو جریان احیای اندیشه‌ی اسلامی در میان
روشنفکران و جریان گرایش جمعیت‌های روستایی و شهری (توده‌ها) است. تأثیر
عمده‌ی این فرایند ایجاد تحولاتی در «هویت» مردم بود که از این نظر بسیار قابل
ملاحظه است. اگر چه جریان فوق در قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ابریشه
دارد، اما نیاپستی فراموش کرد که انقلاب ایران گسترده و سرعت آن را افزایش داد.
در سال ۱۹۸۷ (م) مقاله‌ای در یکی از جراید معتبر منتشر شد که در آن به تعداد
واقعی مساجد در شوروی (سابق) اشاره شده بود. ارقام این مقاله ضمن نشان دادن
گرایش‌های پنهان مذهبی در میان مردم، مؤید دعوی ما نیز هست.
افزایش تعداد طلاب علوم دینی و مراکز دینی (همچون مساجد) و مراکز علوم

آذربایجان

یکی از مناطقی که در همسایگی ایران پیوندهای مستحکم تاریخی قومی و مذهبی با ایران اسلامی دارد جمهوری آذربایجان است این منطقه که کمتر از یک قرن پیش، جزو خاک ایران بوده و از لحاظ قومی و مذهبی با آذربایجان ایران همسانی دارد بیش از ۷۰ سال زیر بوغ استعمار کمونیسم اعتقادات و سنن خود را حفظ نمود و پس از فروپاشی شوروی، نورایمان و مغنویت در این جمهوری منتشر شد و احزاب اسلامی در این کشور رشد کرده و مساجد رونق یافتند و این همه از برکات انقلاب اسلامی بر این ملت بود.

رهبر حزب اسلامی جمهوری آذربایجان گسترش روزافزون فرهنگ اسلامی در بین مردم این جمهوری را از برکات انقلاب اسلامی ایران و سیاست‌های مدبرانه‌ی حضرت امام خمینی علیه السلام دانست.

وی گفت: پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران محدودیت‌هایی را بر طول ۷۰ سال حاکمیت افکار الحادی کمونیسم برای مردم مسلمان جمهوری آذربایجان در زمینه‌ی عمل به احکام اسلامی ایجاد شده بود، از بین برد و در حال حاضر ما شاهد نریایی نمازهای پرشکوه جماعت در مساجد این جمهوری هستیم. وی با اشاره به این که انقلاب اسلامی ایران عالی‌ترین الگو برای تمامی مسلمانان جهان است، افزود: مردم مسلمان جمهوری آذربایجان در تمام زمینه‌های عبادی، سیاسی و فرهنگی از انقلاب اسلامی ایران و ولی امر مسلمانان جهان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تبعیت کرده و خواهند کرد.

دینی و گرایش بیشتر جوانان به این مراکز و نمودهایی از این قبیل همگی حکایت از سخت ادعای مذکور دارند.

البته اگر چه نمودهای گرایش مذکور در اشکال مختلف قابل رؤیت بود، اما در دهه‌ی ۱۹۸۰ غالب تحلیل‌گران سیاسی منطقه‌ی آسیای میانه بر این باور بودند و هیچ‌گونه خطر جدی از این ناحیه متوجه دولت نیست، اما در پی تحولات ۱۹۸۶ و بروز سه شورش عمده، دیدگاه حاکم تغییر کرد و موضوع تشکیل حکومت اسلامی به طور جدی‌تری مطرح شد، به گونه‌ای که تشکیل مؤسسات تازه‌ای چون «اسلام و دموکراسی» را شاهدیم. در نتیجه می‌توان گفت اگر چه نقش تحولات داخلی کشورهای آسیای میانه نقش به‌سزایی داشته، ولی نشانه‌های موجود همگی دال بر این است که حرکت احیای اسلامی به شکل سازمان‌دهی شده‌ی امروزی تا حد زیادی وامدار ایران و انقلاب اسلامی ایران است.

دربارہی میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران (به لحاظ سیاسی) بر کشورهای آسیای میانه دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی از نویسندگان نظیر «بنیگسن» (Benngissen) و «ویمبوش» (Wimbush) بر آنند که جریان احیای اسلام فرایندی است متأثر از تحولات خارج از مرزهای آسیای میانه و به همین علت کشورهای جمهوری اسلامی ایران در بروز و گسترش آن در سطح منطقه‌ی تأثیر فاطح و مهمی داشته‌اند. در مقابل نویسندگان چون «موریل آتکین» (Muriel Atkin) و «الکات» این جریان را متأثر از دو منبع مهم داخلی و خارجی می‌دانند و ضمن تأکید بر اصلی بودن نقش منابع داخلی، از تحولات خارجی (و از آن جمله انقلاب اسلامی ایران) به مثابه عوامل ردیف دوم یاد می‌کنند.

توجیه

از کشورهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی علمی راجع به حاکمیت رژیم لائیک و ضد دین تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفت، ترکیه است. کشوری که تا یک قرن گذشته بزرگ‌ترین حکومت اسلامی (عثمانی) را در مقابل غرب رهبری می‌کرد و داعیه‌ی رهبری جهان اسلام را داشت. مسلمانان این کشور تحت حاکمیت دولت‌های غرب‌گرا و وابسته و تهاجم فرهنگی همه‌جانبه‌ی دشمنان اسلام همواره لزومی بازگشت عزت و اقتدار دوران گذشته را در سر داشتند.

با پیروزی انقلاب اسلامی جانی تازه در کالبد مسلمانان و منفکران این سرزمین دمیده شد و تشکل‌های اسلامی در شهرهای مختلف شروع به فعالیت کردند.

د) تأثیرات انقلاب اسلامی بر کشورهای جنوب شرقی آسیا

مالزی-اندونزی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و انعکاس رسانه‌ای آن در جنوب شرقی آسیا، الهام بخش تحولات جدیدی در جوامع اسلامی آن سامان شد. مسلمانان این کشور با علاقه‌مندی، حوادث ایران را پی‌گیری کرده و مجذوب شخصیت امام خمینی علیه‌السلام شدند، زیرا برای آن‌ها چهره‌ی امام چهره‌ی پر صلابت و نماد پیروزی اسلام بر غرب بود. بسیاری از رهبران مسلمان این جوامع به ایران سفر کرده و با امام و دیگر مقامات ایرانی ملاقات نموده و در بازگشت به کشور خویش خواستار حمایت از انقلاب اسلامی ایران شدند، ولی خیلی زود به این نتیجه رسیدند که نظامی اسلامی به سبک ایران قابل تحقق در کشورهاشان نیست، زیرا زمینه‌ی فرهنگی اجتماعی و

برداشت‌های اسلامی در این جوامع تفاوت‌هایی ماهوی با ایران دارد؛ دیگر این که حوادث بعدی انقلاب اسلامی ایران (مثل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) در کنار تبلیغات منفی غرب، به مقدار زیادی از جاذبه‌ی اولیه‌ی انقلاب کاست و سخن آخر این که دولت‌های این کشورها به شیوه‌های گوناگونی، چون: نظاهر به اسلام، جذب مسلمانان مخالف، سرکوب مسلمانان تندرو و... سعی کردند تا با کنترل اوضاع داخلی از بروز خیزش‌های مردمی اسلامی مشابه آن‌چه در ایران رخ داد جلوگیری کنند.

با این حال، هم‌چنان که خواهد آمد، انقلاب اسلامی ایران تأثیر عمیق و گسترده‌ای بر حیات فکری و اجتماعی مسلمانان جنوب شرقی آسیا گذاشت که به مواردی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. نگرش‌های دولتی

نگرانی دولت‌های جنوب شرقی آسیا از بروز ناآرامی‌های داخلی، موجب شد تا برخورد محتاطانه‌ای با انقلاب اسلامی ایران داشته باشند و ضمن حفظ روابط رسمی و متعارف با ایران به منظور تأمین انتظارات مسلمانان تحت حکومت خویش مبنی بر حمایت از انقلاب اسلامی ایران و کنترل روابط دو جانبه، مانع تأثیر سیاسی انقلاب بر مسلمانان کشورشان شوند. تبلیغات منفی رسانه‌های غربی علیه انقلاب اسلامی ایران و تحریف تحولات آن نیز ابزار مناسبی را برای مقابله با انقلاب فراهم می‌کرد. ^(۱) علاوه بر این، وقوع پاره‌ای از حوادث داخلی در این کشورها نیز، باعث تقویت برخی نگرانی‌های دولتی می‌شد.

۱. کیهان، ۱۳۶۳/۵/۱۰.

ادبیات اسلامی منطقه رواج یافت. مؤسسه‌ای نیز به نام مطهری در شهر «باندونگ» اندونزی تأسیس شد و انتشارات «میزان» در همین شهر اقدام به نشر آثار شیعی کرده و می‌کند. با این همه، آن چه که مورد توجه مسلمانان این منطقه قرار می‌گیرد، نه ایجاد ایرانی یا شیعی انقلاب، بلکه آن دسته از مفاهیم عام اسلامی چون عدالت‌خواهی و مبارزه با استکبار بود.

(ب) تغییر نگرش اسلامی: همزمان با تنزیل و جهای‌ایدئولوژی‌های سکولار و جهان‌سومی در دهه هفتاد میلادی و طرح ایده‌ی بازگشت به ارزش‌های مذهبی اصیل و سپس پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمادی از اسلام رادیکال، نگرش سنتی مسلمانان جنوب شرقی آسیا به اسلام نیز دستخوش دگرگونی شد. متفکران مسلمان از طرح ایدئولوژی اسلامی به عنوان جایگزین نسخه‌های غربی-دنیوی از مارکسیستی یا لیبرالیستی استقبال کرده و تلاش نمودند تا از طریق تغییر مجدد مفاهیم اسلامی، راه حل‌های جدیدی برای مسایل سیاسی و اقتصادی پیدا کنند.

سهام متفکران ایرانی در این فرایند، در کنار دیگر متفکران جهان اسلام، قابل انکار است، به تعبیر یکی از تحلیل‌گران اندونزیایی «مکتب قم» (۱۰۰) خمینی ره، مطهری، محمدباقر صدر و... به تدریج جایگزین «مکتب فرانکفونی» شده و به عنوان منبعی جدید و الهام‌بخش، تعریف جدیدی از آرمان‌های اجتماعی، مثل: آزادی، عدالت، دفاع از محرومان و... مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ارائه کرده است.

از این رو گرایش به بررسی‌های علمی و آکادمیک در مورد اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی افزایش یافته و نسل جوان و تحصیل‌کرده این کشورها به دنبال

بین مقامات دولتی و نظامی نوعی بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به مسلمانان دیده می‌شود که بعضاً از آن به «اسلام ترسی» هم تعبیر می‌شود.

۲. تأثیرات فکری

تأثیرپذیری مسلمانان جنوب شرقی آسیا از تحولات فکری جهان اسلام، در دهه‌های اخیر به مدد گسترش ارتباطات از سرعت بیشتری برخوردار شده است. در این بستری است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه خاص مسلمانان این منطقه را جلب کرده و پیگیری اخبار و تحولات انقلاب در رسانه‌های محلی و نیز ترجمه و نشر آثار متفکران ایران، به تدریج تأثیر خود را بر جای نهاده است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) تغییر گفتمان اسلامی: ترجمه و انتشار آثار امام خمینی ره و دیگر متفکران ایرانی، باعث تغییر تدریجی گفتمان رایج اسلامی در منطقه شد. حساسیت حکومت‌ها نسبت به امام و ویژگی‌های آثار ایشان، موانعی را بر سر راه ترجمه و نشر آثار امام ایجاد می‌کرد ولی آثار شریعتی به گونه‌ای وسیع در اندونزی و مالزی منتشر شده و مورد استقبال نسل جوان و تحصیل‌کرده قرار گرفت.

در سال‌های بعد آثار دیگر متفکران اسلامی مثل شهید مطهری و علامه طباطبایی نیز به تدریج ترجمه، چاپ و منتشر شد. موضوعات مطروحه در آثار ایشان در نشریات مذهبی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. (۱) و ازگان جدیدی در

۱. یادالله فضل‌اللهی، تأثیر انقلاب اسلامی بر استراتژی‌های آمریکا، انقلاب اسلامی، پیش شماره اول، سال اول، زمستان ۷۷، ص ۶۶ و ۶۷.

جمهوری سرسختانه با «مارکوس» رقابت می‌کرد. «آکیونو» به منظور رسیدن به اهداف سیاسی خود از الگوی انقلاب اسلامی در ایران بسیار سود جست و با مطرح کردن شخصیتی روحانی به نام «جیم کاردینال سین» (Jaim Cardinal Sin) کوشید تا به نحوی انگیزه‌ی روحانی انقلابی که به راه انداخته بود، را تأمین کند.

۲. علما و دانشجویان مسلمان و نقش سیاسی آن‌ها

مسلمانان فیلیپین بیشتر در جنوب این کشور مستقرند و بیشتر سنی و شافعی‌اند. البته شکاف شیعی - سنی در این کشور چندان محل توجه نیست و حتی بسیاری از مسلمانان درباری آن آگاهی چندانی ندارند گذشته از قشر تحصیل کرده رفتار توده‌ی مردم حاکی از آن است که صرف اطلاق عنوان «مسلمان» برای همگرایی ایشان کفایت می‌کند. دقیقاً به همین خاطر انقلاب اسلامی ایران در وهله‌ی نخست توجه جمع کثیری از مسلمانان را به سوی خود جلب کرد و صبغه‌ی تشیع آن به هیچ وجه مانع از این گرایش نشد.

۳. جبهه‌ی آزادیبخش ملی «مورو» و انقلاب اسلامی ایران

در سطح فعالیت‌های نهادینه شده، توجه به اصولی که جنبش «مورو» (Moro) اسلامی را به فال نیک گرفت.

به هر حال تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحولات داخلی فیلیپین امر آشکاری است که برخی مقامات و محققان فیلیپین هم آن را تأکید و تأیید کرده‌اند.

۴. نقش دانشجویان ایرانی مقیم فیلیپین

از جمله مهم‌ترین مجراهای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در فیلیپین،

دستیابی به تصویری عینی و فرا تبلیغی از اسلام سیاسی است.

ج) نخبگان جدید: نسل جدیدی از نخبگان مسلمان در جنوب شرقی آسیا در حال ظهور است که - برخلاف اسلاف خود که غالباً تحصیل کرده‌ی خاورمیانه و عمدتاً قاهره بوده و در اجتماعات روستایی صاحب نفوذ هستند - بیشتر تحصیل کرده‌ی غرب بوده و اکنون از نفوذ بیشتری در سطح ملی (دانشگاه‌ها و رسانه‌ها) برخوردارند. این افراد با آرا و نظریات جدید اسلامی (از جمله متفکران ایرانی) شناسایی داشته و نقش مهمی را در انتقال این آرا به جوامع شان بر عهده دارند.

در یک ارزیابی کلی، می‌توان ادعان کرد که جاذبه‌های فکری انقلاب اسلامی، تأثیر زیادی بر این گروه (در مقایسه با سایر گروه‌ها مثل علمای سنی)، بر جای نهاده است.

فیلیپین

«سزار عابد ماجول» (Cesar Abid Mijaul) - پژوهشگری که درباره‌ی تأثیرات انقلاب اسلامی بر جریانات داخلی فیلیپین تحقیق کرده است - معتقد به تأثیرگذاری مؤثر انقلاب اسلامی ایران بر این کشور است.

مهم‌ترین مواردی که «ماجول» به آن‌ها توجه کرده است، عبارتند از:

۱. معارضه با «مارکوس»

«فردیناند مارکوس» (Ferdinand Marcos) در سپتامبر ۱۹۷۲ اقدام به تصویب و اجرای قوانین تازه‌ای در فیلیپین نمود که به خاطر پی آمدهای گسترده‌ی آن افراد بسیاری با آن مخالفت کردند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به «آکیونو» (Benigno Aquino) اشاره داشت؛ سناتوری از کار برکنار شده که برای تصدی مقام ریاست

دانشجویان ایرانی مقیم این کشورند. از دهه‌ی ۱۹۶۰ دانشجویان ایرانی بنا به علل تعدّد به دانشگاه‌های فیلیپین روی آوردند به گونه‌ای که در آستانه‌ی انقلاب اسلامی تعداد آن‌ها به ۲۵۰۰ نفر می‌رسید. در دوازدهم فوریه ۱۹۷۹ حدود ۷۰۰ تن از همین دانشجویان وارد سفارت ایران در مانیل شده، تصاویر شاه را پاره کرده، جشن و شادمانی پرداختند. آن‌ها همچنین ضمن نصب تصاویر رهبر انقلاب به تپه‌های تصاویر قبلی، شعارهایی در حمایت از مردم ایران و علیه آمریکا سر دادند. پس از آن شاهد تکرار این اعمال در قالب تظاهرات و راهپیمایی هستیم که این شیوه در معرفی انقلاب اسلامی ایران بسیار مؤثر بود. این امر دولت فیلیپین را واداشت تا در نحوه‌ی گزینش دانشجویان خود تجدید نظر کند و مانع از ورود دانشجویان تازه ایران به این کشور شود.

این اقدامات اگر چه بعضاً لطماتی را برای طرفین در پی داشته است، ولی در مجموع نقش مؤثر نیروهای تحصیل کرده‌ی فیلیپین را در انتقال آثار انقلاب اسلامی ایران به دیگر قشرهای جامعه نشان می‌دهد، چنان‌که می‌توان اظهار داشت که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در فیلیپین (اعم از حوزه‌ی عملی و نظری) قابل توجه بوده است.

فصل پنجم

بازتاب‌ها و ثمرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی

بخش دوم:

انقلاب اسلامی و استراتژی‌های شرق و غرب

بخش دوم

انقلاب اسلامی و استراتژی‌های شرق و غرب

در این بخش به تأثیر انقلاب اسلامی بر استراتژی‌های شرق و غرب می‌پردازیم. انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده‌ای سیاسی و پویا، در چارچوب تئوری سیستمی به عنوان یک داده در سیستم بین‌المللی رسوخ کرد؛ ساختارهای آن را متأثر ساخت و ستانده‌های قابل تأمل و سازنده‌ای را از جمله تحوّل در ماهیت روابط بین‌الملل و دگرگونی در استراتژی آمریکا موجب شد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم نظام بین‌المللی به سوی یک بلوک‌بندی جدید دو قطبی نیرومند بر اساس توازن نظامی و به تبع آن توازن سیاسی پیش رفت و اغلب کشورهای جهان به نحوی در یکی از این بلوک‌ها جای گرفتند. اما آن‌چه که در این جا دارای اهمیت می‌باشد، این است که با آغاز ظهور دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در صحنه بین‌الملل، جهان سوم یکی از مراکز اصلی رقابت شمرده شد. بر اساس نظریه امپریالیسم لندن و وابستگی جهان صنعتی به منابع اولیه کشورهای جهان سوم،

این مناطق بهترین مکان ضربه زدن به کاپیتالیسم به رهبری آمریکا به شمار می‌آمد. از سوی دیگر، واشنگتن که جهان سوم را مانند مهره‌های بازی «دومینو» می‌دید و سقوط هر یک را سبب سقوط دیگری می‌دانست، از حرکت جدایی طلبانه‌ی کشورهای جهان سوم از مدار غرب تحت عنوان سیاست جلوگیری از گسترش کمونیزم، جلوگیری کرد و در صورت خارج شدن کشوری، به هر وسیله ممکن آن را به مدار خود بازگرداند. آمریکا تا سال ۱۹۷۰، با مداخله‌ی نظامی مستقیم در جهان سوم، انقلاب‌های ضد غربی را سرکوب کرد؛ ولی بعد از شکست در ویتنام، نقش مقابله با خروج کشورهای جهان سوم از حیطه‌ی غرب را به زاندارم‌های منطقه‌ی واگذار کرد. در منطقه‌ی خلیج فارس شاه ایران عهده دار این وظیفه بود. (۱) هر چند این سیاست تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ م سیاستی موفق به نظر می‌رسید، اما از این به بعد، با بروز انقلاب‌هایی در جهان سوم، به یک سیاست شکست خورده تبدیل شد؛ برای مثال لائوس، کامبوج و موزامبیک با حمایت شوروی و مدار غرب خارج شدند و سپس یمن جنوبی و نیکاراگوئه زیر چتر شوروی درآمدند. با این همه تحولات منطقه‌ی خلیج فارس ضربه‌های نهایی را بر بلوک تنش‌زدایی و استراتژی جهان سومی آمریکا وارد آورد. در فوریه ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و این کشور نیز از حیطه‌ی نفوذ غرب خارج شد و این در حالی بود که هیچ کدام از دو قدرت شرق و غرب کنترل بر تحولات ایران و تصمیم‌گیری رهبران سیاسی آن نداشتند.

۱. تحولات روابط بین‌الملل از ۱۹۱۴ تا امروز، احمد تقیب‌زاده، تهران، نشر قومس، ۱۳۶۹، ص ۲۲۸.

ایران از مرزها بگذرده.^(۱)
بدین سان، آمریکا و شوروی، با عنوان پاسداران نظام جهانی پس از جنگ جهانی دوم، به این نتیجه رسیدند که حلّ و فصل مسایل جهانی تنها به اراده و میل بستگی ندارد، بلکه قدرت دیگری مانند ایران نیز وجود دارد که حوزهی اقداماتش، دست کم در همه‌ی جهان اسلام، در حال گسترش است.

در واقع نظام دو قطبی از دهه‌ی ۷۰ به بعد قدرت تحلیل خود دریاری تحولات جهان را از دست داد؛ زیرا ظهور قطب جدید از قدرت و بروز انقلاب اسلامی، که خارج از حیطه‌ی نفوذ دو ابرقدرت عمل می‌کرد، نظم موجود و پذیرفته شده در روابط بین الملل و بلوک‌بندی‌ها و صف‌بندی‌های تثبیت شده‌ی بعد از جنگ جهانی دوم را در هم ریخت، ابرقدرت‌هایی را که تصرّف می‌شد دشمنان جدید آشتی‌ناپذیرند به هم نزدیک کرد و حتی آن‌ها را واداشت تا در مقابل پدیده‌ی جدید - انقلاب اسلامی - موضع واحدی اتخاذ کنند، بر همین مبنا، می‌توان گفت

عراق و ایران حاصل توافق دو ابرقدرت جهان بود و هر دو قطب جهان از حمایت می‌کردند؛ چون ایران از جبر نظام دو قطبی جهان گریخته بود. چنانچه جورج شولتز وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، بر تلاش مشترک مسکو و واشنگتن در جنگ عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد.

تحلیل‌گران و استراتژیست‌های اروپا و آمریکا، تا قبل از انقلاب اسلامی، کمونیسم را خطر عمده می‌خواندند و تمام فعالیت‌ها و کنش‌های انقلابی را بر

۱. همان، ص ۱۷۷.

سیاست نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی ایران، مسأله‌ی گروگان‌های عمارت آمریکا در ایران و از همه مهم‌تر ادامه‌ی جنگ با عراق مواردی نبود که با سیاست‌های قدرت‌های بزرگ منطبق باشد.^(۱)

انقلاب اسلامی ایران تز سیاسی خود را در چارچوب ضدیت با غرب، به ویژه آمریکا و به طور کلی امپریالیسم آغاز کرد. به همین دلیل با شروع انقلاب و تحقق جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷، بر جهان مسلم گردید که ایران نمی‌خواهد بیش از پیش در اردوگاه غرب بماند. حرکت‌های تند ضد آمریکایی مانند برچیدن پایگاه‌های شنود آمریکا، اخراج مستشاران، اخراج تجار و سرمایه‌داران غربی از کشور و بسیاری از اقدامات دیگر حاکی از این واقعیت بود.

شوروی نیز، در عین حال که از برچیده شدن پایگاه‌های استراتژیک آمریکا از مرزهای جنوبی اش خرسند می‌نمود، نگران دو مسأله بود، نخست آن‌که، با خروج ایران از اردوگاه غرب، سرنوشت آرایش جدید جهان به کجا می‌انجامد. دوم آن‌که با این انقلاب تکلیف جمهوری‌های مسلمان نشین جنوب کشور چه خواهد شد.

از همین منظر بود که برژنف تجدید حیات اسلام را مهم‌ترین واقعه‌ی سیاسی قرن ۲۰ خوانده، انقلاب ایران را خطری مستقیم برای مرزهای جنوب شوروی دانست و گفت: «مناطق مسلمان نشین شوروی، که تاکنون بسیار آرام بوده‌اند، با ایران و افغانستان مرز مشترک دارند و ممکن است شور و هیجان مذهبی انقلاب

۱. به نقل از: سید نادر علوی، علیرضا قربانی، همان، ص ۱۷۶.

به عنوان وسیله اصلی دگرگونی سیاسی قهرآمیز، گرفته است»^(۱)

چنان که برخی اظهار می‌دارند اسلام به یک قدرت ژئوپلیتیکی یکپارچه و متعصب تبدیل خواهد شد، جمعیت رو به رشد و قدرت مالی در خور توجه آن، خطری بزرگ است و غرب باید برای رویارویی با جهان متخاصم و متهاجم اسلام، با مسکو پیمان اتحاد تازه‌ای ببندد. آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند نیروهای از بند جسته‌ی بنیادگرایی اسلامی از پایگاه ایران، انقلابی را در منطقه رهبری خواهند کرد و لازم است که غرب و شوروی سیاست جامعی را برای محصور و محدود کردن این انقلاب طی کنند.^(۲)

در واقع تقویت نظامی پاکستان، بازگرداندن مصر به جامعه‌ی عرب تلاش در مسأله‌ی فلسطین - اسرائیل و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، که در مجموع باید انعقاد یک پیمان دفاعی جمعی را ممکن کند، در راستای به ثمر رسیدن این سیاست (سد نفوذ) بود و در راستای دکترین کسینجر - نیکسون، که به کارگیری منابع محلی را تجویز می‌کرد تحقق یافت.^(۳)

۱. روزنامه‌ی هسپری، ۷۲/۱۱/۱۹.

۲. ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین رفی‌نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۳۸.

۳. همایون الهی، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، توس، ص ۲۹۲.

محور کمونیسم تحلیل می‌کردند. پدایش انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده اختاری و تحوّل‌زا، در صحنه‌ی سیاست‌های جهانی سبب تغییر جهت تحلیل‌ها و استراتژی‌ها شد. روزنامه‌ی لاریوبیکا، در مقاله‌ای تحت عنوان «اتحاد بزرگ علیه کمیسر» می‌نویسد:

«پیش از این واشنگتن اعتقاد داشت که تقویت جنبش اسلامی کم‌خطرتر از توسعه‌ی شوروی است علی‌رغم این که امام خمینی ره آمریکا و شوروی را در یک ردیف قرار می‌داد، مسکو این تصور را داشت که توفان اسلام فقط به سوی غرب خواهد وزید. ولی هم اکنون جرج بوش، علی‌رغم مواضع مخالف در قبایل لیسنوئی، از گسیل ارتش سرخ به آذربایجان حمایت کرده و بدین صورت واشنگتن و مسکو، پس از سال‌ها تلاش برای جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی یعنی آنچه که اکنون خطر مشترک می‌دانند با همدیگر متحد شده‌اند.»^(۱)

مسأله‌ی اسلام‌گرایی، به ویژه با افول کمونیسم، به عنوان آلترناتیو در صحنه‌ی جهانی شدت فزونی یافته است. نیکسون، رئیس جمهوری پیشین آمریکا، در ترسیم خطوط استراتژی جهانی آمریکا در قرن آینده‌ی میلادی چنین می‌گوید:

«تغییر در جهان سوم آغاز شده و بادهای آن به مرحله‌ی توفان رسیده است، ما قادر نیستیم آن را متوقف کنیم. در جهان اسلام بنیادگرایی اسلامی جای کمونیسم را

۱. روزنامه‌ی کیهان مروانی، به نقل از لاریوبیکا، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲.

۲. انحلال پیمان سنتو: (سالت ۲) از طرف سنای آمریکا مشکلاتی پدید آورد.^(۱)

ایران در کمربند امنیتی پاکمر بند بهداشتی آمریکا پیرامون نفوذ شوروی مهم‌ترین حلقه به شمار می‌آمد به سبب مرز مشترک حدود ۲۲۰۰ کیلومتری با شوروی از مهم‌ترین نقاطی بود که باید راه توسعه طلبی کمونیستی را سد می‌کرد. وظیفه‌ی عمده‌ی ضد براندازی سنتو نیز عبارت بود از تنظیم و توزیع اطلاعات در مورد فعالیت‌های اتحاد جماهیر شوروی در منطقه و تهیه‌ی برنامه‌هایی برای جنگ‌های چریکی در صورت تجاوز شوروی.

با خروج ایران انقلابی از پیمان سنتو و متعاقب آن خروج پاکستان و... این پیمان فوری ریخت. از این رو سقوط شاه ضربه‌ای فاطع بر سیاست سد نفوذ نظامی آمریکا علیه اتحاد شوروی بود و منافع حیاتی ایالات متحده در منطقه را با چالش روبه‌رو ساخت.

۳. انحلال دکترین نیکسون

دکترین نیکسون در سال ۱۹۶۹ به وسیله‌ی رئیس جمهوری آمریکا، در جریان گرام اعلام گردید تا از این طریق، برای حفاظت از منافع جهانی آمریکا، به قدرت‌های منطقه‌ای کمک کند. از آن جا که با خروج نیروهای انگلیسی منطقه خلیج فارس دچار خلأ قدرت شده بود و آمریکا نیز بعد از جنگ دوم جهانی منافع ملی قابل توجهی در آن داشت، این منطقه مناسب‌ترین مکان برای تجلی این

۱. سایروس ونس، و زیگنو برزینسکی، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرفی، تهران، انتشارات مفتح،

۳. انقلاب اسلامی و استراتژی‌های آمریکا

در این قسمت ما به دو موضوع اشاره می‌کنیم. یکی انقلاب اسلامی و به این نسبت رسیدن استراتژی‌های آمریکا در منطقه و دیگری انقلاب اسلامی و تحول جلد در سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا.

الف) انقلاب اسلامی و استراتژی‌های آمریکا در منطقه

به‌روزی انقلاب اسلامی ایران، تغییراتی بنیادین در موقعیت و استراتژی آمریکا در منطقه به وجود آورد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. از دست دادن پایگاه‌های استراق سمع و مراکز جاسوسی
افزون بر سقوط یک متحد، فوری‌ترین پیام انقلاب برای امنیت ملی آمریکا از دست دادن ایستگاه‌های فوق‌العاده‌ی مهم استراق سمع الکترونیک بود.^(۱) با انحلال دو مرکز مراقبت استراتژیکی آمریکا در بهشهر و کبکان، موقعیت ایالات متحده در کنترل فعالیت‌های امنی شوروی و تحرکات نظامی آن در شمال ایران کاملاً تضعیف شد تا آن‌جا که این مسأله را یکی از دلایل عدم تصویب پیمان سالت ۳ از سوی کنگره‌ی آمریکا ذکر می‌کنند. سایروس ونس می‌گوید:

«از نظر استراتژیک از دست دادن تجهیزات اطلاعاتی که در شمال ایران داشتیم، امکانات ما را برای اطلاع از فعالیت‌های تسلیحاتی شوروی در زمینه‌ی سلاح‌های استراتژیک و هسته‌ای کاهش داد و این امر حتی در تصویب قرارداد تجدید سلاح‌های استراتژیک با شوروی

۱. مارک. ج. گازیوسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمه، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.

دکترین بود؛ اما به خاطر افکار عمومی و تعهد بیش از حد نظامی و پاره‌ای مسایل دیگر، از توسعه یک سیاست امنیتی منطقه‌ای پرهیز شد و در نتیجه سیاست همکاری فزاینده امنیتی با ایران و عربستان سعودی (سیاست به اصطلاح دو ستونی) در پیش گرفته شد.^(۱)

به گفته‌ی برژینسکی، که در زمان وقوع انقلاب اسلامی مشاور سیاسی و امنیتی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا بود، «ایران مهم‌ترین پایگاه استراتژیک در خلیج فارس، پس از خروج انگلیس از شرق سوئز، به شمار می‌رفت. تخلیه‌ی نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، خلأ قدرتی در این منطقه به وجود آورد و سیاست آمریکا در آن زمان بر کردن این خلأ با افزایش قدرت نظامی ایران در وهله‌ی اول و عربستان سعودی در مرحله‌ی بعد بود.

نقطه‌ی اوج این سیاست تصمیم برزینت نیکسون و کسینجر در باز گذاشتن دست شاه برای خرید انواع سلاح‌های آمریکایی بود که به سرازیر شدن سیل اسلحه به ایران و تقویت و گسترش سریع نظامی این کشور منجر شد. به گفته‌ی سایروس ونس، وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا، «ایران جانشین طبیعی و منطقی قدرت رو به زوال انگلستان در خلیج فارس به شمار آمده».

از این رو، سقوط ناگهانی رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ تأثیر منفی بسیاری بر استراتژی آمریکا در منطقه خلیج فارس بر جای گذاشت.

۱. جمیله کدیوره، رویاوری انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸ - ۱۶۸.

آموزی نیکسون بدون ایران بی معناگشت و استراتژی آمریکا در منطقه آسیب‌پذیر شد.

نگرانی آمریکا از انقلاب ایران، با تهاجم یمن جنوبی به یمن شمالی، در فوریه ۱۹۷۹ و سقوط رژیم افغانستان با کودتای مارکسیستی شدت یافت. بدین ترتیب، استراتژی منطقه‌ای آمریکا، (دکترین نیکسون) در رسیدن به هدف اصلی سیاست خارجی این کشور، تعیین حفظ ثبات و امنیت و برقراری توازن بین شرق و غرب در خاورمیانه، ناکام ماند و منافع سرمایه‌داری با تکیه بر اصول دکترین نیکسون بی دفاع گردید.

۴. بی اعتبار شدن آمریکا در منطقه

فروپاشی رژیم پهلوی نه تنها استراتژی آمریکا را در منطقه دگرگون کرد، بلکه تأثیر روانی نیز در منطقه بر جای گذاشت و به اعتبار آمریکا در منطقه شدیداً ضربه زد. افزون بر این، اشغال سفارت آمریکا در تهران و بازداشت کارکنان آن به جاسوس در حقیقت افول اراده‌ی سیاسی در آمریکا را نشان داد و حرمت و اعتبار آن را شکست. مرکز مطالعات استراتژی ملی آمریکا، در مطالعات خود در خصوص کاهش نفوذ این کشور در خاورمیانه می‌نویسد: حرمت و اعتبار این طرف چینی است که به آسانی می‌شکند و این چیزی است که آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس از دست داده است.

شکست‌های پیامی سیاست‌های آمریکا در برابر ایران، (سقوط شاه، اشغال سفارت، شکست عملیات نجات گروگان‌ها و...) حیثیت سیاسی آمریکا را به ویژه در منطقه، چنان تنزل داد که دولت‌های وابسته درباره‌ی توانایی آمریکا در حمایت

گرفت و در همان سال (۱۹۷۹) آمریکا تلاش سیستماتیک را برای توسعه‌ی یک چارچوب استراتژیک جدید در خلیج فارس آغاز کرد.

۱. تئوری هلال بحران

برزینسکی، مشاور امنیتی کارتر، در سال ۱۹۷۹ تئوری هلال بحران را در برابر تحولات منطقه عرضه کرد. او معتقد بود که یک هلال بحرانی، در طول کناره‌های اقیانوس هند، از سرزمین‌هایی با ساختار سیاسی اجتماعی شکننده و مناطقی که برای آمریکا حیاتی است و در معرض از هم پاشیدگی قرار دارد، عبور می‌کند و بی‌نظمی ناشی از آن می‌تواند سرشار از عناصری باشد که به زیان منافع آمریکا و به سود شورپیست است، وی معتقد بود این هلال بحران خاورمیانه و خلیج فارس را در بر می‌گیرد.^(۱)

۲. دکترین کارتر و شکل‌گیری نیروی واکنش سریع

این سیاست جدید در سخنرانی کارتر، در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰، اعلام شد، و یک در این سخنرانی گفت: هر نوع تلاش نیروهای خارجی به منظور تسلط بر منطقه‌ی خلیج فارس تجاوز به منافع حیاتی ایالات متحده‌ی آمریکا تلقی و با هر شیوه‌ی ممکن، از جمله نیروی نظامی، دفع خواهد شد.

این اعلامیه، که بی‌درنگ به دکترین کارتر معروف شد، به وضوح آمریکا را قدرت حامی منطقه معرفی کرد و سیاست انگلیس در خلیج فارس را به طور کامل به آمریکا وانهاد.^(۲)

۱. پیشین، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲. همایون الهی، خلیج فارس و مسائل آن، پیشین، به نقل از سید نادر علوی و علیرضا قربانی، انقلاب اسلامی در گستره‌ی نظام بین‌الملل، ص ۱۹۶.

از آن‌ها به هنگام بروز بحران، دچار تردید شدند. این وضع در اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ تا اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ (چنان بود که حتی رژیم‌های منطقه وابستگی خود به آمریکا را تئوری منفی و سست‌کننده‌ی پایه‌های حکومت خود در درون به شمار می‌آوردند.

آمریکا در جهت رفع این مشکل، اقدامات هماهنگی به عمل آورد. نمایش حضور نیروهای دریایی آمریکا و توسعه پایگاه‌های آن کشور در منطقه، بخشی از این اقدامات است. سفر هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا به منطقه در فوریه سال ۱۹۷۹

علاوه بر تأثیرات شمرده شده، با سقوط شاه نتایج موفقیت‌آمیز مذاکرات کمپ دیوید و آن بهره سیاسی که کارتر می‌توانست به سبب رهبری مؤثر خود در امضای موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید به دست آورد، خنثی شد و چهره‌ی کارتر، به عنوان یک رهبر جهانی، خدشه‌دار گشت.^(۲)

ب) انقلاب اسلامی و تحوّل سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا

پدیده‌ی انقلاب اسلامی، ضمن این که استراتژی امنیتی - نظامی آمریکا را دستخوش تغییرات عمده کرد، منطقه را نیز آسیب‌پذیر ساخت و بر اساس تئوری دومینو، احکام منطقه و آمریکا از سوی ایران احساس خطر کرده، نگران وقوع انقلابی نظیر انقلاب ایران شدند. از این رو، به منظور مقابله با خطراتی که منافع آمریکا در منطقه را تهدید می‌کرد، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا شکل جدیدی

۱. سایروس ونس و رزینگتو برزینسکی، پیشین، ص ۵۷.

۲. پیشین، ص ۱۶۴.

اعلام دکترین کارتر ضرورت مداخله مستقیم آمریکا در منطقه، جهت پر کردن خلأ قدرت ناشی از سقوط شاه، را نشان می داد و خط پایانی بر دکترین نیکسون شمرده می شد. کارتر، برای اجرای استراتژی جدید، نیروی واکنش سریع را بازری نظامی آن قرار داد تا نیازهای مهم آمریکا در منطقه (مقابله با انقلاب اسلامی، جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی، حمایت از دوستان آمریکا و دفاع از عربستان سعودی به عنوان کانون منافع ایالات متحده در خلیج فارس) را تأمین کند.

نیکسون در کتاب «فرصت را دریابیم» در باره این استراتژی جدید می نویسد:

«تا سقوط شاه در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده می توانست منافع خود

را از طریق ایران و عربستان سعودی، که بیش از یک دهه دو ستون اصلی سیاست ما در خلیج فارس بودند، حفظ کند. از ۱۹۷۹ به بعد، که

رژیمی مخالف ما در تهران به قدرت رسید، دیگر یکی از بازیگران اصلی منطقه را نداشتیم که مثل نماینده ما باشد؛ بنابراین، ناچار بودیم

گام های برداریم تا مطمئن شویم که می توانیم منافع حیاتی خود را در

منطقه حفظ کنیم. پرزیدنت کارتر به توافق های مقتضاتی برای استقرار

تجهیزات آمریکایی در کشورهای منطقه دست یافت و نیروی واکنش

سریع راه، که بعدها فرماندهی مرکزی ایالات متحده نام گرفت، به وجود

آورد. پرزیدنت ریگان این کار را دنبال کرد و همکاری گسترده و در

عین حال بدون سر و صدا را با کشورهای خلیج فارس آغاز کرد و از

طریق آن زیر بنای لازم را برای مداخله وسیع آمریکا به قصد دفاع از

عربستان سعودی و جنوب خلیج فارس فراهم کردید اگر این تأسیسات

نمی بود، عملیات توفان صحرا ناکام می ماند. (۱)

۳. توسعه پایگاه های نظامی در کشورهای منطقه

تشکیل پایگاه های استراتژیک در نقاط سوق الجبشی جهان، بخشی از دکترین کارتر بود. آمریکا جهت اجرای دکترین کارتر، علاوه بر ایجاد نیروهای واکنش سریع و جلب حمایت متحدان برای شرکت در تأمین منافع آمریکایی ها در منطقه به توسعه پایگاه های نظامی در اراضی کشورهای ساحلی توجه خاصی مبذول داشت.

در واقع دکترین کارتر در پی تجدید موقعیت برتر آمریکا در منطقه بود که تنها با تضعیف دو منبع خطر یعنی شوروی و انقلاب اسلامی ایران امکان پذیر می شد.

برای نیل به این هدف، ایالات متحده با استفاده از رعب ناشی از اشغال افغانستان؛ گسترش انقلاب اسلامی به تحکیم و تثبیت موقعیت خود در منطقه پرداخت؛

پایگاه های نظامی اش را در کنیا، سومالی، عمان، سواحل دریای سرخ و در جزیره های دیگر گارگارسیا در اقیانوس هند استحکام بخشید و ناوگان جنگی خود را تقویت کرد.

همچنین، در این دوران، به میزان زیادی شاهد مانورهای مشترک میان ایالات متحده و کشورهای منطقه، به منظور افزایش توانایی های این کشورها در مقابله با

حوادث احتمالی، هستیم. (۲)

ویلیام لیمن، مفسر برنامه ی فرونت لاین، می گوید:

«هر هزینه ترین طرح مشترک آمریکا - عربستان مربوط به کوشش

۱. ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین رفی نژاد، تهران، طرح نو، ص ۲۶۵.

۲. جمیله کدبورو، پیشین، ص ۲۱۲.

نتیجه گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی، تعادل قوای منطقه‌ی حساس خلیج فارس و خاورمیانه به هم خورد. شعار اسلام خواهی در قلب کشورها و ملت‌های مسلمان با قدرت هر چه بیشتر مطرح می‌شد. مسلمانان، به صورت یک نیروی مترکم و فشرده درآمده بودند و می‌رفت تا بسیاری از نظام‌های منطقه با الهام از ایران، به دست مردمشان ساقط شوند.

در ارتجاعی‌ترین کشورهای منطقه یعنی عربستان، شورش‌های چشمگیری به وقوع پیوست و عظیم‌ترین آن‌ها بر خورد مسلحانه و نبرد خونین بود که در اوایل انقلاب اتفاق افتاد و ارتش عربستان به کمک نیروهای غربی، انقلابیون مسلمان را که به مسجد الحرام پناه برده بودند، در همانجا سرکوب کرد. در عراق هم مردم مسلمان هم پای مردم ایران در شادی سقوط شاه پایکوبی کردند و صدام و بعث از دیدن این وضع بر آینده‌ی خود بیمناک شدند. ایران که در همسایگی ابرقدرت (سابق) شرق قرار داشت، به علت موقعیت ژئوپولیتیکی و منابع نفتی از حساسیت خاصی برخوردار بود. با بر هم خوردن تعادل این منطقه، انقلاب اسلامی می‌توانست تأثیر مهمی در بر هم زدن تعادل جهان داشته باشد. بدین علت که شوروی فرصت طلبانه به افغانستان حمله کرد و مسلمانان و مجاهدان افغانی که در دفاع از آب و خاک خویش در برابر مهاجمان روسی انگیزه‌ی قوی داشتند، متأثر از انقلاب اسلامی ایران برای مبارزه دو چندان شد و نزدیک ده سال درگیری مستقیم نظامی شوروی در افغانستان به اضافه ناکامی‌ها و عوامل دیگر، فروپاشی و اضمحلال بلوک شرق و جهان کمونیست را به دنبال داشت.

برای مهار کردن انقلاب ایران بود و صلّام حسین وسیله انجام این

مقصود گردیده.^(۱)

بدین سان، تحولات سال ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ تأثیر عمده‌ای بر تحوّل استراتژی آمریکا داشت و درک این نکته که منطقه خلیج فارس محدوده‌ی استراتژیک بسیار مهم برای منافع حیاتی آمریکاست، موجب شد تا حتی بالاترین سطوح تصمیم‌گیری سیاسی آمریکا به منطقه خلیج فارس توجه کند؛ که این امر در تاریخ آمریکای بی سابقه بود. آمریکا با ناکامی در سیاست‌های خود و به دنبال شکست کودتای نوژه و قوّت گرفتن بیشتر خط امام در داخل ایران (نخست وزیری محمدعلی رجایی) طرح حمله نظامی به ایران را در برنامه‌ی کار خود قرار داد.

برژنسکی، مشاور امنیتی کارتر، برای مقابله با خطر رادیکالیزه شدن انقلاب ایران بر حمله‌ی نظامی تأکید داشت:

«استراتژی آمریکا، در مقابله با ایران باید تقویت دولت‌هایی که توان نظامی علیه رژیم خمینی را دارا هستند، مورد توجه قرار دهد».^(۲)

در همین راستا، تأسیس شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان سومین ستون برای سد بستن در برابر قدرت ایران و اسلام، در سال ۱۹۸۱ مطرح شد.^(۳)

۱. ویلیام پونت، پیشین، به نقل از: سید نادر علوی و علیرضا قربانی، انقلاب اسلامی در گستره‌ی نظام بین‌الملل، ص ۱۹۹.
۲. همان.
۳. هوشنگ امیر احمدی، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران.

گسترش و توسعه‌ی انقلاب اسلامی داشته باشد و بازرزترین نمونه‌های این حرکت‌ها و مبارزات انقلابی و رهایی بخش را در لبنان، فلسطین، افغانستان، مصر و غیره می‌توان مشاهده کرد. در هم شکستن صولت و ابهت ابرقدرت‌ها، رشد وحدت و اخوت در میان مسلمانان و فرقه‌های مختلف اسلامی، فروپاشی بلوک شرق و جهان کمونیست و آزاد شدن جمهوری‌های مسلمان‌نشین تحت سلطه و دیکتاتوری این ابرقدرت و شدت گرفتن مبارزات مردم فلسطین علیه اسرائیل اشغالگر و نمونه‌های دیگری از این قبیل از بازتاب‌های انقلاب اسلامی می‌باشد.

در مقاله‌ای تحت عنوان: غرب و تلاش برای تبیین انقلاب اسلامی منطقه جیمزبیل فارین آمده است:

«موجی از هیجان توده‌ای اسلام را فرا گرفته است. از یوگسلاوی (سابق) و مراکش در غرب تا اندونزی، مالزی و فیلیپین در شرق، این اسلام نوظهور که به لحاظ ظاهر یکپارچه نیست ولی به لحاظ ایدئولوژیک منسجم است، در انقلاب ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ م ایران در اشغال مسجدالحرام در مکه (عربستان سعودی) در نوامبر ۱۹۷۹، در افغانستان اشغال شده توسط شوروی، ترور انور سادات رئیس جمهوری مصر در اکتبر ۱۹۸۱، در مقاومت قهرآمیز در لبنان از سال‌های ۱۹۸۳ م انفکاس داشته است.»^(۱)

۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۶۶/۹/۵، به نقل از دکتر محمدباقر خشت‌زاده، چهار چوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی، مؤسسه فرهنگ و دانش و اندیشه معاصر، ص ۳۸۴.

از سوی دیگر حکام منطقه در مقابل انقلاب اسلامی کاملاً ماهیپشان را نشان دادند و بهانه‌ی کافی برای حضور آمریکا در منطقه را فراهم نمودند و پس از جنگ ویتنام، آمریکا بزرگ‌ترین لشکرکشی را در جریان جنگ تحمیلی و جنگ نفت به این منطقه انجام داد. ممکن است عده‌ای این وضع را اوج هیبت، قدرت و عظمت آمریکا بدانند، ولی در واقع باید بگوئیم برعکس این هم آغاز سقوط و اضمحلال این ابرقدرت است. زیرا قبل از انقلاب آمریکا به طور غیر مستقیم و صرفاً از راه ایپلماسی، همه‌ی مهره‌ها را به دلخواه خود می‌چید. اما چون خودشان صدام را برای کوبیدن انقلاب اسلامی بیش از اندازه تجهیز و تقویت کرده بودند، پس از پذیرش قطعنامه آتش بس لازم بود انرژی عراق را تخلیه کرده و به نوعی مجدداً تعادلی را به منطقه بازگردانند. و این جز در سایه‌ی حضور نظامی آمریکا مقدور نبود. بنابراین، کاری را که آمریکا با نیروی سیاسی انجام می‌داد، حالا باید با اهرم نظامی تمام عیار و دخالت مستقیمی انجام دهد. و این به جای آنکه نشانه قدرت باشد نه تنها دلیل بر وجود ضعف فعلی بلکه تجربه نشان داد که این‌گونه برخورد زمینه‌ساز ضعف‌های بیشتر و در نهایت سقوط و اضمحلال خواهد بود.

همچنین با پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از نقاط جهان ملت‌های دریند به ویژه محرومان و مستضعفان جان تازه‌ای گرفتند و برای آزادی و رهایی خویش تلاش‌ها و مبارزات و حرکت‌های گوناگونی را آغاز کردند. ولی اوج و فراز این مبارزات در منطقه‌ی خاورمیانه و کشورهای مسلمان بود که نه تنها در مجاورت و همسایگی ایران انقلابی قرار داشتند، بلکه با این ملت از هماهنگی عمیق و وسیع دینی و فرهنگی نیز برخوردار بودند که این خود می‌توانست تأثیر عمیقی در



انقلاب اسلامی و بازتاب آن در نیجریه

نوید رسولی

انقلاب ایران را به هیچ یک از انقلاب‌های جهان نمی‌توان شبیه دانست، انقلاب‌های بسیاری طی سال‌های اخیر در جهان روی داده است لیکن در اکثر آنها به تغییر رژیم بسنده شده است، بدون آن که اعماق فکری انسان را دگرگون سازد. انقلاب اسلامی ایران، روحیه انسان را از بن دگرگون کرد. انقلاب اسلامی ایران، حیثیت اسلام را به او بازگرداند ... امروز آوای نهضت امام خمینی در دور افتاده ترین نقاط جهان به گوش می‌رسد. در دور افتاده ترین قبایل صحاری آفریقا سخن از روحی تازه است که انقلاب ایران در قرن بیستم به اسلام داده است. (۱)

نیجریه در غرب قاره آفریقا با داشتن بیش از ۱۳۷ میلیون جمعیت - ۵۰ درصد از جمعیت این کشور مسلمان هستند که غالباً در شمال آن زندگی می‌کنند - از کشورهای است که ظرفیت احیای اسلام و اثرپذیری از انقلاب اسلامی را داشته است البته مسئله احیای اسلام تنها به کشور نیجریه منتهی نشده است. در کتابی که از سوی لوئیس برنز با عنوان «هویت اسلامی و تحولات اجتماعی در آفریقای زیر صحرا» منتشر شده به رشد اسلامگرایی در جوامع محدود به اقلیت مسلمان از جمله آفریقای جنوبی، کنیا، مالی، نیجر و ... اشاره شده است که بیانگر میزان توان

چکیده:

صدای انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از وقایع بی بدیل قرن بیستم به نقاط مختلف جهان رسیده است قاره آفریقا بطور کلی و نیجریه بطور خاص تأثیر فراوانی از پیامدهای آن گرفته است. جمعیت انبوه مسلمان این کشور با سابقه یکصد سال حکومت اسلامی همزمان با انقلاب اسلامی تجدید حیات اسلام را نظاره کرد. قانون شریعت اسلامی به همراه خیزشهای اسلامی در برابر مسیحیت و کفر از شاخص های اصلی این دوران است.

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران بدون تردید یکی از بزرگترین انقلاب‌ها و حوادث جهان در قرن بیستم بشمار می‌آید و به تعبیر امام «معجزه قرن» است که انعکاس زیادی در ورای مرزهای ایران داشت و در بیداری، امید و اعتماد به نفس مسلمانان بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی ملت‌ها، نقش بسزایی ایفا کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در حکم پیروزی اسلام بود و توانایی اسلام برای رهبری مردم سرکوب شده به منظور مقابله با رژیمهای فاسد و تحت سلطه خارجی را آشکار نمود و به عنوان نقطه عطف احیای تفکر اسلامی و تحقق عینی آن بشمار می‌رود که به مسلمانان امید و تحرک بخشید و ضمن ایجاد تحول عمیق فکری و فرهنگی، اسلام را دوباره زنده کرد. احمد بن بلا - نخستین رئیس جمهوری الجزایر و مبارز بزرگ در راه آزادی کشورش از استعمار فرانسه - انقلاب اسلامی ایران را چنین توصیف کرده بود: «انقلاب ایران معجزه قرن است.



بالقوه ایدئولوژی اسلام در تهییج احساسات و برانگیختن جنبش‌های اسلام سیاسی است. جالب این که این توان در قالب هویت‌هایی است که با تأثیر فرهنگ و قدرت کنونی غرب در آفریقا مخالف می‌باشند ... به هر حال، انقلاب اسلامی ثابت کرد که مردم

انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در نیجریه



انگلیسی است و از زبانهای متداول که در اکثر نقاط کشور، مردم به آنها تکلم می‌کنند می‌توان هوسا(هائوسا)، یوروبا، ایگیو(ایبو) و فولانی را نام برد.

قدیمی‌ترین تمدن شناخته شده در نیجریه، فرهنگ نک (NOK) است که بین سالهای ۷۰۰ تا ۲۰۰ قبل از میلاد در آن وجود داشته است. اسلام در قرن هشتم میلادی از سوی بازرگانان و معلمان عرب مسلمان که به «وانگاراوا» (Wangarawa) شهرت یافته بودند و از طریق لیبی و سودان در شمال آفریقا، وارد این کشور شد، سپس اصلاح طلبی به نام «عثمان دان فودیودام» برای مدت یک قرن «نظام اسلامی سوکوتو» را در این کشور برقرار کرد. با ورود استعمار و دین مسیحیت، رفته رفته در سال ۱۹۳۰ میلادی حکومت مسلمانان رو به افول نهاد.

نیجریه ۳۶ ایالت دارد و پایتخت آن شهر «ابوجا» است. از قرن ۱۶ میلادی استعمارگران اروپایی(پرتغال، انگلستان) وارد این کشور شدند. در سال ۱۹۰۰ انگلیس کنترل کامل نیجریه را بدست گرفت تا این که در اول اکتبر ۱۹۶۰، این کشور به استقلال رسید. حکومت این کشور جمهوری است و رئیس جمهوری وقت آن اولوسگان اوبا سانجو می‌باشد.(۲)

انقلاب اسلامی و تجدید حیات اسلامی در نیجریه
پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومتی در ایران با نام اسلام و دعوت جهانی رهبر آن به اتحاد مسلمانان و همه مظلومان جهان در برابر ظلم و ستم و استبداد و بی‌عدالتی غرب بی‌تردید در بیداری، امید و اعتماد به نفس مسلمانان بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی ملتها نقش بسزایی ایفا کرده است.

یکی از مصادیق بارز پذیرش پیام انقلاب اسلامی و گسترش آن علی‌رغم بعد مسافت، مسلمانان نیجریه می‌باشند که با وجود جو روانی خاص و فشار حکومت‌های نظامی متعدد، بارها وفاداری خود را به انقلاب اسلامی و بنیانگذار آن امام خمینی(ره)، ابراز داشته‌اند این گرایش و وفاداری به ارزشهای اسلام ناب، به حدی بوده است که کنفرانس‌ها و سمینارهای متعددی در سالهای اخیر برای بررتی «نقش جدید اسلام در آفریقا»، «دلایل تغییر نقش علما» و «علل ظهور پدیده بنیادگرایی اسلامی» - به تعبیر غربی‌ها- «برگزار گردیده است. در این مجامع، مسائل مذکور به دقت مورد تتبع قرار گرفته و راه‌های گوناگونی نیز

تحت ستم‌ایر قدرتها نیز می‌توانند به آزادی و عزت دست یابند و بر این اساس با استناد به اموری چون توالی، تقارن و همشکلی می‌توان گفت که انقلاب اسلامی اثرات و نمودهایی را بر قاره سیاه از جمله نیجریه گذاشته است یعنی در توالی و تقارن انقلاب ایران، نمودهایی از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی و ضد استعماری در این کشور مشاهده می‌کنیم که در روش و محتوا متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند و توجه به آنها ضروری است.

نگاهی اجمالی به کشور نیجریه

جمهوری فدرال نیجریه با مساحتی به وسعت ۹۲۳۷۶۸ کیلومتر مربع در ساحل غربی قاره آفریقا واقع شده است. این کشور از شمال با کشور نیجر، از غرب با بنین، از جنوب با کامرون و از شرق با چاد هم‌مرز می‌باشد و از نظر وسعت، چهاردهمین کشور قاره آفریقا است. این کشور فلات پهناوری است در آفریقای غربی که توسط دو رودخانه «نیجر» و «بنوئه» به سه بخش شمالی، شرقی و غربی تقسیم می‌شود. نیجریه با در اختیار داشتن سه عامل ثروت، جمعیت و قدرت نظامی در قاره آفریقا بویژه در منطقه غرب آفریقا از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشد و به «غول آفریقا» مشهور است. موضع‌گیری این کشور در خصوص مسائل قاره سیاه در نزد کشورهای آفریقایی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد و در موضع‌گیری بسیاری از آنها موثر است. نیجریه به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور قاره آفریقا و سومین کشور پرجمعیت اسلامی طبق جدیدترین برآورد (۲۰۰۴ میلادی)، ۱۲۷ میلیون و ۲۵۳ هزار نفر جمعیت دارد. در واقع می‌توان گفت از هر ۴ نفر آفریقایی یک نفر در نیجریه زندگی می‌کند.

در نیجریه بیش از ۲۵۰ تیره نژادی سیاه پوست وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: هوسا(هائوسا) و فولانی(۲۹ درصد) که بیشترین شمار مسلمانان مربوط به این تیره‌ها است، یوروبا(۲۱ درصد)، ایگیو(ایبو) (۱۸ درصد)، ایجاو(۱۰ درصد) و ...

در این کشور ادیان و مذاهب زیادی وجود دارند که ادیان اسلام و مسیحیت مهم‌ترین آنها می‌باشند. ۵۰ درصد از مردم این کشور مسلمان و غالباً اهل سنت و پیرو فقه مالکی هستند. البته در قانون اساسی نیجریه، هیچ دینی بر دین دیگر تفوق ندارد. زبان رسمی مردم این کشور



منتقدین نیجریه - که عمدتاً مسیحی هستند - بهترین نقاط اروپا و آمریکا را برای تفریحات خود اجاره نموده و ذخایر این ملت ستمدیده را به باد فنا می‌دهند. طبیعی است که مقامات وابسته کشور عربستان نیز از چنین طرح‌هایی استقبال کرده و همکاری‌های لازم را با حکومت «شاگاری» - و حکومت‌های بعدی - به شکل تعلل در صدور ویزا و مسائلی مشابه آن، انجام می‌دادند.

ژنرال «بوهاری» تنها دو هفته پس از کودتا اعلام کرد که هیچ یک از افراد کشور تا زمان پهبودی اقتصاد کشور اجازه رفتن به حج را ندارد که البته خشم مسلمانان تا حدودی وی را وادار به عقب‌نشینی از موضع اولیه خود نمود.

حکومت نظامی «بوهاری» در کنار اقدامات فوق، یک «هیأت وعظ اسلامی» تأسیس کرد که یکی از وظایف آن تغییر در محتوای اشعار و خطبه‌ها و مراسم مذهبی بود. همچنین حکومت به سازمان امنیت ملی، دستور داده بود تا فعالیت‌های اسلامی را تحت کنترل قرار دهد و قابل ملاحظه است که رئیس ستاد رژیم نظامی او نیز علیه ایرانی‌ها و علمای لبنانی به مسلمانان هشدار می‌داد. در سال‌های بعد، مبارزه با حج جدی‌تر شد و تعداد حجاج هر ساله کاهش می‌یافت به طوری که در سال‌های اولیه حکومت ژنرال بابا نگیبا، قانونی وضع گردید مبنی بر این که تنها افرادی می‌توانند به حج بروند که برای اولین بار می‌خواهند به زیارت مشرف شوند.

پرداخت مبلغ ۵ هزار نایرا (یک هزار دلار) نیز به دولت شرط دیگری بود که برای حجاج گذاشته شد. از جنبه‌های دیگر تجدید حیات اسلامی، تغییر در پوشش زنان و بازگشت آنها به حجاب و وقار اسلامی بود که برای سالها در دبیرستانها و دانشگاه‌ها از آن منع شده بودند. این رجعت، محصول فعالیت‌های همه‌جانبه‌ای است که مسلمانان شمال در طول سالها مقاومت، انجام دادند تا موفق شدند رؤسای ایالت‌های مسلمان نشین را قانع کنند که دختران مسلمان باید اجازه چنین پوششی را داشته باشند. لباسی که قبلاً در مدارس اجباری شده و از دوران استعمار هم به ارث رسیده بود همیشه به عنوان مانعی اساسی برای فرستادن این قشر به مدارس به شمار می‌آمد. (۶)

در مورد فوق نیز، مسیحیان بنا بر عادت، آن را جزئی از نقشه جهانی برای اسلامی کردن! نیجریه به حساب می‌آوردند، حال آن که قوانین جدید ایالتی، اجازه

برای مقابل با این موج جدید، پیشنهاد و عملی شده است که به نظر می‌رسد وحدت کلمه مسلمانان و ایجاد تشکیلات واحد برای جلوگیری از تضييع بیش از پیش حقوق خود، گامی اساسی در جهت خنثی نمودن اقدامات و راه‌های پیشنهادی باشد. در همین راستا، تأسیس «مجمع علمای نیجریه» در سال ۱۹۸۰ - و بعد از جریان شریعت - نتایج پربراری را به جای گذاشته است. «دکتر عمر ییلو» دبیر کل این مجمع، اهداف تأسیس آن و موفقیت‌های بدست آمده را چنین برمی‌شمارد:

۱- ایجاد وحدت کلمه در میان مسلمانان نیجریه؛

۲- ایجاد آگاهی و ارتقا رشد فرهنگی مسلمانان و یادآوری حقوق اسلامی و شرعی آنها؛

۳- اعاده حقوقی که در طول سالها سلطه استعمار از مسلمانان گرفته شده است؛

۴- تأسیس و توسعه مدارس در سطح ایالتها و نیز فدرال؛

۵- تعلیم اجباری معارف اسلامی در کلیه مراکز آموزشی (ابتدایی تا دانشگاه)؛

۶- مساعدت و همکاری با کلیه گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی به منظور تحقق اهداف متعالی اسلام. (۳)

بنابر اظهارات «دکتر عمر ییلو» این مجمع تاکنون بسیار موفق بوده است و در رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی علما و عامه مردم، نقش بسزایی داشته است. مبارزه با عقیده انحرافی «سکولاریسم» و «جدایی دین از سیاست» نیز در رأس فعالیت‌های مجمع فوق قرار داشته است که خود نیز به انگیزه‌ای برای متهم کردن آن به «اجتماعی سیاسی» تبدیل شده است. (۴)

از جمله میراث استعمار در نیجریه گذشته از شدت اختلافات قبیله‌ای و مذهبی، ترویج نظام لائیک است که از سوی حکومت‌های ملی بعد از استقلال نیز دنبال شد. اصولاً خصوصیت سیاست مذهبی در نیجریه، مخالفت با مذهب - خصوصاً دین اسلام - و دفاع از سکولاریزم بوده است. (۵)

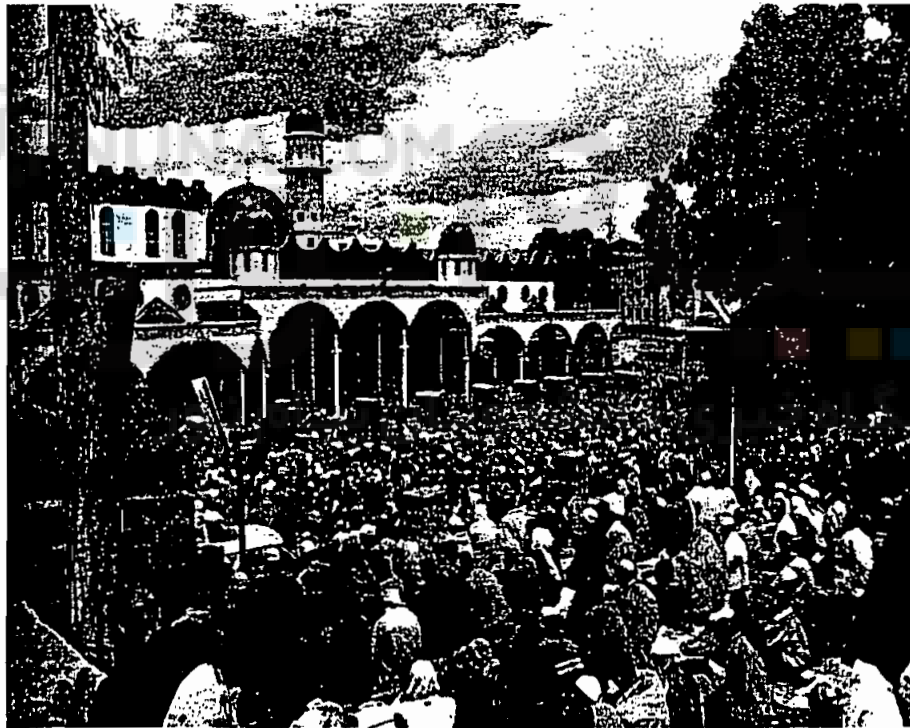
از زمان حکومت «شاگاری»، برای کنترل حرکت‌های این گونه مجامع، مبارزه‌ای آغاز شد که طرح محدود کردن تعداد حجاج نیجریه آن هم به بهانه‌های واهی و بی‌اساس، نمونه‌ای از خواب‌های مسیحیان در این کشور است، چرا که حج را تبدیل به قانونی برای بنیادگرایی اسلامی! دانسته‌اند که می‌بایست به هر طریق ممکن، جلوی آن گرفته می‌شد. این در حالی بود که همه ساله، اکثر قدرتمندان و



پوشیدن لباس قدیم را به مسیحیان داده ود.

در سال ۱۹۸۶ در زمان حکومت رئیس جمهوری بابانگیدا، نیجریه تصمیم گرفت تا این کشور به صورت مخفیانه به ۴۵ عضو سازمان کنفرانس اسلامی بپیوندد که در آن سازمان، ایران و عربستان سعودی - با تصور مدعی گرایانه‌شان درباره جامعه اسلامی - برای حکومت سیاسی به سختی تلاش می‌کردند. از آنجایی که حرکت حکومت نیجریه برای پیوستن به سازمان کنفرانس اسلامی احتمالا تا حدودی جنبه مالی داشت - از دولتهای ثروتمند خاور میانه انتظار کمک مالی می‌رفت - بسیاری از مسیحیان از عضویت این کشور در سازمان کنفرانس اسلامی به هراس افتادند زیرا تصور می‌کردند که این عضویت، اوضاع کشور را به عنوان یک کشور غیر دینی به خطر اندازد و این اقدام را در راستای اسلامی کردن کشور تلقی نمودند، تا اینکه در اثر فشار مسیحیان این کشور که در ابتدا به عنوان عضو ناظر و بعدا

در همین ارتباط در جولای ۱۹۸۷، درگیری شدیدی میان دانشجویان دختر مسیحی و مسلمان در دانشکده‌ای در «کادونا» رخ داد که به تعطیل شدن موقت دانشکده منجر شد. البته این شکل اسلامی جدید به تدریج از شمال به جنوب کشور نیز سرایت کرد. برخی از مسیحیان نیز می‌پرسیدند: مگر مسیحیت به حیا و حجاب و رعایت پوشش صحیح برای زنان دعوت نمی‌کند؟ اگر جواب مثبت است پس چرا جمعی از مسیحیان از میراث به جای مانده از استعمار عینی بر عدم پوشش کامل زنان، طرفداری می‌کنند؟ نظیر این گونه سؤالات، در مورد بسیاری از جنجال‌های تبلیغاتی مسیحیت در نیجریه مطرح می‌شد ولی متأسفانه تغییر روشی مشاهده نمی‌گردید.



به صورت عضو اصلی درآمد، رسماً خروج خود از این سازمان را در سال ۱۹۹۱ اعلام نمود. (۸)
تأثیر پیام روح‌بخش انقلاب اسلامی در میان بت پرستان و معتقدین به مذاهب بومی که از مصادیق واقعی استضعاف فرهنگی و فکری هستند، پدیده‌ای دیگر بود که حیرت همگان را برانگیخت. نمازهای جمعه مسلمانان و سایر مراسم و اعیاد اسلامی، در این سالها شاهد ایمان آوردن گروه گروه این مردم است که از دنیای تاریکی و

روزنامه گاردین در مقاله افتتاحیه‌اش در ۲۷ ژوئن ۱۹۸۷ می‌آورد: «ما اعتقاد داریم که در هر صورت نظام سکولاریسم در این مملکت باقی بماند. در وضعیتی که در آن صدها دین وجود نارد و هیچ کدام هم نمی‌تواند ادعای سیطره و تفوق بکنند! می‌بایست حکم بر آن نظام کرد و به همین دلیل طرح مسائلی چون عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی که تحکیم ملی و وحدت را سست می‌کند به صلاح نیست. (۷)»



نیجریه با اکثریتی مسلمان همواره مرکز مخالفت با هر گونه اسلام زدایی بوده است. شاید علیت این امر را باید در برقراری حکومت اسلامی در این کشور که حدود یک صد سال به طول انجامید، دانست. طی چهار دهه گذشته یعنی از زمان استقلال این کشور - ۱۹۶۰ میلادی - رهبران غیر روحانی نیجریه تمام هم و غم خود را متوجه از ریشه برکندن خواست توده‌های مسلمان کشور مبنی بر استقرار کامل اسلام نموده‌اند در نزاع مربوط به انتخابات و برقراری مراکز قومی، احزاب سیاسی یا مجالس قانون‌گذاری همواره وجود اکثریت مسلمانان و خواسته‌های بحق آنها، زیر پا گذاشته شده است.

تضاد مسلمانان نیجریه با دولت غیر روحانی این کشور آن چنان عمیق بوده است که حتی جنبش‌های مخفی و منحرفی چون قیام «محمد مروا» در کانو باعث برانگیختن جمعیت‌های کثیری شده است. (۱۱) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که تنها یک انقلاب همه‌جانبه اسلامی، گره‌گشای مشکلات کشور می‌باشد. در همین راستا در هتل کنفرانس کنگو، یکی از مراکز که توسط دانشگاه «احمدو بلو» (Ahmadu Bello) در زاریا اداره می‌شد مدتها دانشجویان مسلمان در زاریا خواستار قطع فروش نوشیدنی‌های الکلی در لاین مرکز شده بودند که در نهایت به بار مذکور حمله برده و آنجا را ویران کردند و بر اثر این درگیری ۲۴ دانشجو دستگیر شدند و دیگر دانشجویان دخیل در تظاهرات در نواحی مختلف شهر پراکنده شدند و به نوشتن شعارهای انقلابی پرداختند.

در یکی دیگر از کالج‌ها دو دختر مسلمان با استاد به این مسئله که آنها به عنوان مسلمان نمی‌توانند در برابر خدای ناسیونالیسم سر تعظیم فرود آورند از شرکت در سرود ملی خودداری ورزیدند آنها سرود ملی را به منزله شرک تلقی کردند مدیر کالج این دو دختر مسلمان را مورد توبیخ قرار داد و این عمل باعث برانگیخته شدن مجدد دانشجویان و برپایی تظاهرات عظیمی گشت که به دنبال دخالت پلیس در تظاهرات، عده‌ای دیگر از دانشجویان دستگیر شدند در این زمان دانشجویان مسلمان ایستگاه پلیس را محاصره کردند و خواستار آزادی دوستان خود شدند. دانشجویان کالج‌های دیگر در همسایگی شهر «سوکوتو» به منظور حمایت دوستان دانشجوی مسلمان خود به این شهر سرازیر شدند (۱۲).

جهل به هدایت و نور محمدی (ص) رهنمون می‌شوند. مسلمانان در آفریقا نه از تمکن مالی چندانی برای تبلیغ اسلام برخوردارند و نه از تشکیلات و سازماندهی و امکانات مطبوعاتی که در کلیسای آفریقا می‌باشد، بهره‌ای می‌برند، در مقابل، مسیحیان از بهترین امکانات و پیچیده‌ترین روش‌ها و مدرن‌ترین ابزار استفاده می‌کنند هر چند آمارها بیانگر این مهم هستند که نتایج همیشه مطابق میل مسیحیان نمی‌باشد چرا که تعداد بومیانی که مسیحیت را پذیرفته‌اند به مراتب کمتر از آنهاست هستند که به دین مبین اسلام ایمان آورده و می‌آورند.

دانشگاه‌ها و محافل علمی و پژوهشی نیجریه نیز شاهد رجعت دوباره تحصیل‌کردگان مسلمان به ارزش‌های اسلام اصیل بوده است. بر اساس مقاله‌ای از روزنامه کرسنت اینترنشنال در سال ۱۹۹۱ که حاوی گزارشی از تجدید حیات احکام و روحیه اسلامی در بین اقشار جوان و دانشگاهی نیجریه است، می‌توان مدعی شد که تحولات و نمودهای احیا اسلام و تحکیم آن در جامعه دانشگاهی نیجریه که بعدها به توده‌های وسیع مردم در روستاها و شهرها در این کشور انجامید، متأثر از انقلاب اسلامی ایران است. از جمله این محافل، «انجمن دانشجویان مسلمان» (M.S.S) است. این انجمن در سال ۱۹۵۴ تاسیس گردیده است و در کل کشور دارای تشکیلاتی می‌باشد. انجمن دانشجویان مسلمان و گروه شیعه اکنون از جمله گروه‌های فعال اسلامی در نیجریه محسوب می‌شوند و میلیونها عضو در میان دانشجویان مسلمان کشور دارند. انجمن دانشجویان مسلمان، مایل است که حکومت اسلامی در نیجریه، حکومت اسلامی ایران را الگوی خود قرار دهد. حکومتی که رهبرانش بسیار نزدیک به رهبران ایران باشند و دستورالعملهایی مطابق رهبران ایرانی در خصوص حکومت لائیک و غیردینی نیجریه صادر نمایند و در درگیری‌هایی که اخیراً میان مسیحیان و مسلمانان در چند دانشگاه این کشور بوقوع پیوست، پیش قدم باشند. (۹) آموزش قرآن، معارف و سیاست اسلامی، انجام فعالیت‌های اجتماعی و برگزاری جشن‌ها و مراسم مذهبی و انتشار مجلات، اهم فعالیت‌های این انجمن را تشکیل می‌دهند همچنین بیش از ۱۰۸۲۹ مسجد در دبیرستان‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های نیجریه وجود دارد که تحت کنترل انجمن مذکور بوده. و شیعیان نیجریه توجه ویژه‌ای به آن دارند و اغلب برنامه‌ها و مراسم خود را در آنها اجرا می‌کنند. (۱۰)



تلاش‌ها بیشتر شده است؛ در بین جوانان و اغلب دانشجویان دانشگاه‌ها و کالج‌ها تلاش‌هایی برای مقابله با سکولاریزم و جایگزینی اسلام و قوانین اسلامی وجود داشته است.

در سالهای اخیر گروهی که خود را طرفداران اسلام اصیل می‌دانند با دو هدف شکل گرفته‌اند: ۱- پاک کردن کشور از فساد و تباهی صوفی‌گری ۲- کاهش نفوذ مسیحیان. رهبران دین گروه خود را مبارزان واقعی اسلام دانسته که با تعبیر غلط فرق مختلف صوفیه به عنوان روح اسلام مبارزه می‌کنند. آنها خواستار تغییر بنیادی جامعه اسلامی هستند و معتقدند گروه‌های اصلاح طلب اسلامی را نمی‌توان انقلابی واقعی نامید چرا که فاقد برنامه کاملی برای رسیدن به یک جامعه اسلامی می‌باشند. این گروه مخالف اجرای هر گونه قوانین سکولار و غیر دینی هستند.

از هنگامی که نیجریه به استقلال رسیده است تا زمان حاضر، اختلافات بین علمای وابسته به فرقه و جمعیت‌های مختلف این کشور، همچنان ادامه دارد. این اختلافات در زمانی که امواج آگاهی و هوشیاری اسلامی در کل کشور در حال گسترش بود، نتایج تأسف‌باری را به جای گذاشت. جمعیت‌های نفاق افکن، کار را به جایی رساندند که تهمت شرک را به برخی از مسلمانان می‌زدند، تنها به این دلیل که آنها اعتقاد به اولیا خداوند داشته و قبور اولیاءالله را زیارت می‌کردند و به اموری از قبیل شفاعت و... اعتقاد داشتند. این علمای جاهل - که بعضاً از طرف وهابیت جهانی و سازمان «الرابطة العالم الاسلامی» تئذیه می‌شدند - مشرک بودن مخالفین خود را تا حدی بالا بردند که پشت سر آنها نماز نخوانده و اجازه ازدواج با آنها را نمی‌دادند و... در حالی که آنها خود از جمله امضاءکنندگان «پیمان اتحاد» در سال ۱۹۷۹ بودند که بر اساس آن همه گروه‌ها و فرق اسلامی تعهد نمودند که هیچ کس حق ندارد برادران مسلمان خود را به تهمت‌هایی بی‌اساس چون کافر و مشرک و... متهم کند.

صحنه تأسف‌بارتر، کشاندن اختلافات به میان مردم و نیز استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای کوبیدن یکدیگر بود که به احتمال زیاد خود نقشه‌ای از طرف نیروهای مخالف اسلام در نیجریه به شمار می‌رفت. بر همین اساس، در بسیاری از اوقات، عوامل نظام سکولاریسم برای حل اختلافات مسلمانان وارد عمل شده و مأموران حکومتی نیز با اقداماتی چون ممنوعیت سخنرانی بدون

در تمام موارد، بنیادگرایان مبارزه همیشه با رساترین فریاد و جذاب‌ترین وضعیت، این موفقیت را به دست آوردند که در سرتاسر دنیا توجه عمیق سنی‌ها، شیعیان، ملی‌گرایان و... را به خود معطوف دارند و این جلب توجه به هیچ وجه به برکت نفت نبود. (۱۳) جوانان مسلمان نیجریه به قرآن و اسلام عشق می‌ورزند ولی آن قدر بهای یک جلد قرآن را در این کشور بالا برده‌اند که آنها قادر نیستند، نسبت به تهیه آن اقدام کنند و ناگزیرند قرآن را رونویسی نمایند. گروهی به نام «مایتاسیا» که خود را یک جریان اسلامی معرفی می‌کنند همچون منافقین ایران هر از گاهی در کوچه و خیابان به مردم حمله کرده و به قتل و غارت می‌پردازند تا افراد را نسبت به مسلمانان بدبین کنند. (۱۴)

اعتقادات و سنن اسلامی در بین مسلمانان نیجریه بسیار وسیع و عمیق است که علاقه شدید آنان به خرید و قرائت قرآن، دلیل این مدعا می‌باشد.

تأثیر امام در نیجریه بسیار زیاد است. جوانان در نیجریه هم برای عبادت و هم در امور سیاسی که غیرمسلمانان آن را از اسلام جدا کرده‌اند ولی امام (ره) اندیشه وحدت دین و سیاست را مطرح کردند، اهمیت ویژه‌ای قائل هستند.

شکی نیست که مسلمانان نیجریه اعم از تحصیل کرده‌ها با سکولاریزم، مخالف می‌باشند. این امر در حقیقت از دو نگرانی ناشی می‌شود، اول آن که، سکولاریزم به عنوان ادامه استعمار دیده می‌شود و مردم به خوبی آگاهند که بعد از از بین رفتن حکومت اسلامی «عثمان دان فودیودام» تحمیل شد و دیگر آن که سکولاریزم به قصد مسیحی کردن تمام ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه می‌باشد. به هر حال، مسلمانان نیجریه به خصوص روشنفکران، طی سالها مردم را از خطرات این پدیده آگاه کردند، ولی می‌توان گفت که مسلمانان نیجریه به طور کلی، تلاش کمی برای حذف سکولاریزم از خود نشان داده‌اند و یا حداقل به طور جدی و قوی برای مبارزه با سکولاریزم سازماندهی و بسیج نشده‌اند. این امر به خاطر این است که اکثریت جمعیت نیجریه مفهوم سکولاریزم و یا تأثیر آن را بر خود نمی‌دانند و علمای مسلمان که مسوولیت روشنگری مردم با آنان می‌باشد به نظر می‌رسد از نظر بینش سیاسی - اجتماعی غیر فعال بوده‌اند البته در سالهای اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی و رشد حرکت‌های اسلامی، این گونه



نیجریه‌ای در مراسم اعلام پذیرش شریعت اسلامی به تظاهرات پرداختند. (۱۶) کانو سومین شهر کشور و پایتخت اقتصادی شمال نیجریه از مراکز مسلمان‌نشین این کشور و مرکز امیدهایی است که قانون اسلام برانگیخته است. این شهر با ۳ میلیون نفر جمعیت، مرکز ایالت کانو- با بیش از ۸/۵ میلیون نفر جمعیت- است که پرجمعیت‌ترین ایالت در میان ۳۶ ایالت نیجریه پس از لاگوس به شمار می‌آید. بر همین اساس، در شمال کشور که قوانین شرع اسلام، جاری است زنی را به جرم زنا به سنگسار محکوم کردند و یا لغو مسابقات ملکه زیبایی از سوی حکومت مرکزی که در اثر برانگیخته شدن خشم مسلمانان و نرگیزی با مسیحیان صورت گرفت همگی دلالت بر تأکید و پای بندی مسلمانان این کشور بر اجرای قوانین شرع اسلام دارد. در حقیقت از سال ۱۹۹۹ به بعد ۱۴ ایالت شمالی، قوانین شریعت اسلامی را برقرار داشته‌اند. این ایالات، درمان همه دردها و بهبود وضعیت اقتصادی را در اجرای قوانین اسلامی می‌دانند. مردم این کشور با توجه به این که نیجریه ششمین کشور تولیدکننده نفت در جهان است در فقر و صفا ناپذیری بسر می‌برند. لذا مردم ایالات فوق‌الذکر، تنها راه‌هایی از فقر و فلاکت را در برقراری قانون شریعت اسلامی می‌دانند.

قبل از انقلاب، مردم نمی‌توانستند تظاهرات کنند ولی پس از انقلاب، همت‌ها به برپایی تظاهرات علیه حکومت‌های ظالم و تصمیماتی که خلاف اسلام صادر می‌شود، اشتیاق فراوان نشان می‌دهند... یکی از ویژگی‌های عمده انقلاب اسلامی این است که ۱- اعتماد مسلمانان به دینشان را باز گرداند. ۲- مسلمانان را از هر گروه و فرقه‌ها یکندیگر متحد ساخت و آنها را با یکدیگر آشنا کرد. مثلاً قبل از انقلاب برخی از مسلمانان نمی‌دانستند که فلسطین نیز وجود دارد. ولی بعد از انقلاب مسلمانان به این مهم پی بردند و مطلع شدند که مسلمانان در قاره آسیا هم مظلوم می‌باشند. (۱۷) در حقیقت انقلاب اسلامی ایران سبب بیداری ملت‌های مسلمان در اقصی نقاط دنیا گردید. همچنین تظاهرات مسلمانان نیجریه به منظور برقراری قانون شریعت اسلامی را می‌توان متأثر از انقلاب اسلامی ایران دانست، کشوری که سالیان سال دستخوش کودتاهای نظامی متعدد و روی کار آمدن ژنرال‌های دیکتاتوری بوده است که مجال ابراز عقیده به مردم خود را نمی‌دادند و با توجه به اکثریت مسلمان، حکومت خود را حکومتی لائیک می‌دانستند. سرانجام وادار شدند در مقابل خواست اکثریت مسلمانان

کسب مجوز، به اصطلاح درصدد ختم درگیری‌ها برآمدند. (۱۵) البته ریشه اختلافات در عدم پیروی از معیارهای اسلامی و نفوذ افراد منافق در بین صفوف مسلمانان و نداشتن وحدت کلمه و نفاق افکنی بود.

حرکت‌های روشنگرانه‌ای که بعد از انقلاب اسلامی در نیجریه صورت گرفت هر چند حائز اهمیت هستند ولی به لحاظ عدم اتحاد و نزدیکی آراء علما و رهبران مذهبی جامعه تاکنون محدود بوده‌اند، به هر حال آنچه بیش از همه مهم است این که مسلمانان نیجریه تقریباً این حرکت را درک کرده و در این راستا در حد توان خود- هر چند به صورت رقابت با مسیحیان- به اقداماتی مبادرت ورزیدند که می‌توان به مسئله اسلامی کردن معارف که در چند سال اخیر در بخش مطالعات دانشگاه «عثمان دان فودیو» آغاز شد یا برگزاری «کنفرانس بین‌المللی در آفریقا» در نوامبر ۱۹۸۹ که به تأسیس سازمان اسلامی در آفریقا منجر گردید، اشاره نمود.

در ادامه واکنش‌ها و فعالیت‌های مسلمانان علیه سکولاریزم، پیگیری مواردی چند از جمله دنبال کردن دادگاه‌های منطبق با قوانین اسلامی و دادگاه‌های معروف به شریعت می‌باشد. برای مدت‌های طولانی مسلمانان پیگیر این موضوع بودند اما دولت نیجریه با توجه به نهادهای سکولار خود ایستادگی می‌کرد تا این که دولت ضمن تأکید بر لائیک باقی ماندن قانون اساسی، وجود دادگاه‌های شریعت را همان گونه که در قانون اساسی ۱۹۷۹ در حد احوال شخصیه پیش‌بینی شده بود، پذیرفت. پس از آن، به تدریج قوانین شریعت اسلامی در استانهای شمالی «زمفره»، «سوکوتو»، «نیجر»، «کانو» و... به اجرا گذاشته شد. البته پذیرش قانون اسلامی در این استانها همواره سبب درگیری میان مسلمانان و مسیحیان بوده است و در این درگیری‌ها، چندین شهر بزرگ استان‌های شمالی کشور در آتش خشم مسیحیان در اعتراض به مسلمانان سوخته و ویران گردیده است. این حوادث تا بدانجا پرمخاطره و مصیبت‌بار بوده است که اوپاسانجو- رئیس جمهوری وقت- بارها از استانداران دولتهای شمالی خواسته است تا از فکر برقراری قانون شریعت اسلامی در استانهای خود بیرون بیایند. بر همین اساس، مسلمانان نیجریه بارها با فریاد «الله اکبر» از تصویب قوانین شریعت اسلامی در استانهای کشور استقبال کرده‌اند و حمایت خود را از آن اعلام داشته‌اند. برای مثال تنها در مرکز استان کانو بیش از یک میلیون مسلمان



سالهای اخیر به گونه‌ای رسید که اینک خشونت‌های مذهبی مثل کودتاها، یکی از خصوصیات ویژه در جامعه درآمد است که حکومت‌های دهه ۸۰ با آن مواجه بوده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که شروع کننده اکثر این درگیری‌ها، مسیحیان می‌باشند. در مورد ریشه‌ها و انگیزه‌های مناقشات شمال و جنوب و درگیری‌های قومی و مذهبی نظرات متعددی ابراز می‌شود. برخی به این تضادها رنگ طبقاتی داده و معتقدند آنچه در نیجریه اتفاق می‌افتد در حد یک مجادله میان شمال و جنوب نیست بلکه یک تلاش طبقاتی برای کنترل منابع کشور می‌باشد. برخی دیگر، آن را ناشی از تضادهای قبیله‌ای و عمدتاً برخورد بین چهار قبیله مهم هائوسا(هوسا)، فولانی، ایبو و یوروبا می‌دانند، عده‌ای دیگر معتقدند که انگیزه اصلی این تضادها، ثروت جنوب به ویژه نفت است و اهداف مسیحیان از این گونه اعمال، تجزیه کشور و تسلط بر مناطق نفت‌خیز جنوب می‌باشد که دارای جمعیت اکثریت مسیحی است. نظر چهارم این است که انگیزه اصلی این تضادها در تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، اقتصادی و به خصوص اعتقادی است. این گروه معتقدند تا زمانی که مسیحیان جنوب با اسلام و مسلمانان و مظاهر اسلامی در هر موردی به مخالفت برمی‌خیزند، این درگیری‌ها و تضادها وجود خواهد داشت. گروهی دیگر اعتقاد دارند که بخش اعظم این خشونت‌ها به دلایل سیاسی، سازماندهی شده‌اند و سیاستمداران از نگرانی‌های مذهبی مردم، فقر و عدم امنیت کشور برای دستیابی به مقاصد سیاسی خود سوءاستفاده می‌کنند.

به هر حال، درگیری‌های متعددی میان مسیحیان و مسلمانان در خصوص مسائل و موضوعات متعدد از جمله اجرای قانون شریعت اسلامی طی سالیان اخیر رخ داده است و به یک تنش سیاسی منجر شده است - در اوایل ۱۹۸۷ و در می و اکتبر ۱۹۹۱ - شورشیان ضد مسیحی در بخش‌های شمالی نیجریه شورش کردند که در نهایت بیش از سه هزار نفر در درگیری‌های بین مسلمانان و مسیحیان در این سالها، کشته شدند. سلسله درگیری‌های منظم نیز در می ۱۹۹۲ میان مسیحیان و مسلمانان هوسا و فولانی، بیش از یک هزار تلفات بر جای گذاشت (۱۸) همچنین می‌توان به ماجرای «لاگوس»، «کانو» و «جوس» اشاره کرد. در روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ مسیحیان و مسلمانان بر سر اجرای قوانین شریعت اسلامی در شهر «جوس» به جان هم افتادند که در جریان این درگیری‌ها

کشور - که برپایی قوانین اسلامی در ایالات مسلمان نشین کشور است - سرتعظیم فرود آوردند. ابتکار سیاسی احمدسانی پریمبا (Ahmed Sani yerima) فرماندار ایالت زامفارا که مخالف اوپاسانجو - رئیس جمهوری - بود مبنی بر پذیرش قانون اسلام و نیز اعلام پیوستن ایالت کانو به قانون شرع از سوی رایبو موسی کوانکوازو (Rabiū Musa Kwan Kwazo) - فرماندار کانو و عضو حزب حاکم «پ - د - پ» (حزب دموکراتیک مردم) تحت فشار مسلمانان این ایالت دلیلی بر این مدعا است.

در مقابل تأثیرات انقلاب اسلامی در احیاء اسلام، کشورهای غربی نیز وارد عمل شده و آفریقایی کردن مسیحیت و بومی‌سازی آن را مورد نظر قرار دادند. مسیحیت همواره با ارائه خدمات گوناگون، در صدد جلب مسلمانان کشورهای قاره آفریقا از جمله نیجریه بوده است. هدف از تبلیغات مسیحی، توسعه نفوذ کلیسا در این کشور با نشر مسیحیت و دور کردن مردم از اسلام می‌باشد، همین امر سبب گردیده است که در هیچ دوره و زمانی میان مسلمانان و مسیحیان در نیجریه، سازگاری پایداری وجود نداشته باشد این کشور در کنار عواملی چون استعمار و دخالت‌ها و تحرکات خارجی با ترکیب شدن بیش از ۲۵۰ قبیله و مهمتر از آن تقسیم جمعیت به اکثریت ۵۰ درصدی مسلمان و اقلیت مسیحی ولی با نفوذ و مورد حمایت غرب، همواره آمادگی و زمینه لازم را برای عدم وحدت و ایجاد تنش‌های قومی و مذهبی داشته است. سوابق نشان می‌دهد که از دیرباز بین مردم متعلق به گروه‌های قومی و مذهبی و حتی وابسته به منطقه جغرافیایی خاص، تضاد بوده است. در دوران استعمار، دوره استقلال و بعد از استقلال همواره این اختلافات وجود داشته است که دامنه آن به زمان حاضر نیز کشیده و حتی تشدید شده است. نکته قابل توجه این که تا قبل از دهه ۸۰ این تضادها و درگیری‌ها نوعاً سیاسی و لفظی بوده و کمتر به خشونت کشیده شده‌اند. به عبارت دیگر، رقابت مذهبی میان مسلمانان و مسیحیان بدون شک تنها عامل سیاسی مهم در کشور می‌باشد. در دهه ۱۹۸۰، نفرت بین جوامع مذهبی بیشتر شد چرا که بسیاری از مسیحیان بر این عقیده بودند که مسلمانان حاکم در شمال کشور از سهم نامتناسبی هم در قدرت سیاسی و هم منابع اقتصادی برخوردار هستند. این روابط روز به روز بدتر و تیره‌تر گردید به طوری که در این دهه، کشور نیجریه، خشونت‌های مذهبی و درگیری‌های خونینی را تجربه کرد و



می‌شود. رهبری حرکت در سالهای اول انقلاب بعد از سفری که به ایران داشت به تشیع گرایش پیدا کرد. او به انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار آن حضرت امام راحل توجه خاص دارد و خود را از رهروان امام خمینی (ره) می‌داند. الزاک زاک، حکومت سکولار و غیر دینی در قانون اساسی نیجریه را رد می‌کند و به حکومت روحانیون ایران نگاهی مثبت دارد و به بحث در این خصوص می‌پردازد که برای ایجاد یک حکومت اسلامی باید ابتدا حکومت غیردینی را از بین ببرد و سپس اظهار می‌کند تا زمانی که شریعت، قانون ملی نیجریه نشود، جهاد ادامه خواهد داشت. به همین جهت، این حرکت در شمال نیجریه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و جوانان نیجریه به این حرکت تمایل پیدا کردند. علاوه بر جوانان، اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در شمال نیجریه و تعدادی از متفکرین در جنوب به این حرکت ابراز علاقه می‌نمایند. (۲۱)

حرکت اسلامی شمال نیجریه از اوایل دهه ۱۹۸۰ ابتدا در مراکز آموزش عالی طرح‌ریزی شد و در اواخر دهه ۱۹۸۰ به روستاها و شهرها نفوذ کرد و در دهه ۱۹۹۰ به صورت جنبشی مردمی به خصوص در روستاها تبدیل شد و مورد استقبال قرار گرفت، به طوری که در گردهمایی‌های خود از مردم می‌خواهند که در قالب جمعیت کمتری شرکت کنند تا بتوانند آنها را کنترل کنند. «زاک زاک» در مصاحبه‌ای که با هفته‌نامه Week Vanguard در سال ۱۹۹۹ انجام داده، می‌گوید: «در آخرین تظاهراتی که قبل از دستگیری‌ام علیه عربستان سعودی به لحاظ ممانعت این کشور از پذیرش حجاج نیجریه‌ای برگزار شد، توصیه کردیم که این تظاهرات فقط در ایالت‌ها صورت گیرد ولی صحبت از شرکت یک میلیون نفر بود که ما دیگر نمی‌توانستیم آن را کنترل کنیم... ما خود مایلیم تعداد کمتری در این تظاهرات شرکت کنند تا بتوانیم جمعیت را کنترل نماییم.

او در مصاحبه‌ای دیگر با مجله نیوز در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۰ میلادی می‌گوید: «از سال ۱۹۸۴ ما روز قدس را برای راهپیمایی اعلام کردیم و ژانویه امسال نیز آن را برگزار نمودیم؛ این روز به عنوان روز همبستگی با ملت فلسطین، گرمی داشته می‌شود. بنابر این از سال ۱۹۸۴ تاکنون ما تظاهرات مذکور را در پایان ماه مبارک رمضان داشته‌ایم و راهپیمایی امسال انجام شد و بیش از یک میلیون نفر از ایالت «زاریا» و شهرهای دیگر در آن شرکت

بیش از ۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند که به دنبال این رویدادها، شهرهای «کانو» و «کادونا» نیز دچار هرج و مرج و ناآرامی شدند و... (۱۹) در حقیقت، زمینه سیاسی این خشونت‌های مذهبی، استمرار قدرت نظامی حکومت بود که به دنبال بحث و گفتگوی سیاسی نبود. در هر حال، ریشه این درگیری‌ها را می‌توان در استعمار جستجو کرد که با هدف از میان بردن وحدت میان مسلمانان و جلوگیری از انتشار اسلام به طور عموم و نیز میان مسیحیان و... به مناقشات مذهبی در این کشور دامن می‌زنند. به این ترتیب، می‌توان بیان کرد که ارتباط اسلام و مسیحیت در نیجریه از زمان استعمار در چهار مرحله شکل گرفته است:

مرحله اول: روند سیاسی مستقلی که نقش مهمی را در ایجاد درگیری و کشمکش میان جمعیت عظیم مسلمانان شمال و اکثریت مسیحی جنوب ایفا کرد؛

مرحله دوم: اختلاف میان مسیحیان و مسلمانان که در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی به قانون شریعت جنبه قانونی داد؛

مرحله سوم: نقش بنیادگرایی اسلامی که به تعریف مجدد خود در ارتباط با صوفی‌گری و مسیحیت پرداخته است؛

مرحله چهارم: ایجاد ارتباطی قوی میان رادیکال‌های شمال آفریقا و گروه‌های مسلمان خاورمیانه توسط اصلاح‌طلبان بنیادگرای مسلمان نیجریه‌ای. (۲۰)

تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان

یکی از شاخص‌ترین نمودهای تأثیر انقلاب اسلامی، رسمی شدن، اهمیت یافتن و پدید آمدن مکتب تشیع در برخی کشورهای آفریقایی است، از جمله این کشورها می‌توانیم از نیجریه نام ببریم که از مهم‌ترین کشورهای حوزه غرب آفریقا است. پیدایش شیعیان در این کشور به بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. با وقوع انقلاب افکار مردم این کشور همانند سایر کشورهای مسلمان، متوجه انقلاب و رهبری آن می‌شوند و عموماً این پدیده تاریخی آنها را مبهور خود کرده و نام امام خمینی (ره) در قلوب آنها جای می‌گیرد بنابر این اولین گروه شیعه در نیجریه و بعد از انقلاب اسلامی ایران در قالب «حرکت اسلامی شمال نیجریه» شکل گرفت. این حرکت شیعی به وسیله شخصی به نام «مالام ابراهیم الزاک زاک» (Mallam Ibrahim El-Zak Zaky) که از محبوبیت نسبی در جامعه اسلامی برخوردار است، رهبری



شگفتی داشت و می‌توان ادعا کرد که جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه و پیرامون به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل نمود. شیعیانی که در طول چندین قرن نه تنها در اقلیت بوده و همواره آماج حملات شدید تبلیغاتی به ویژه توسط حکام و خلفای بلاد اسلامی قرار می‌گرفتند و الزاماً با تکیه بر اصل تقیه حتی از بروز افکار و اندیشه‌های خود هراس داشتند با این پیروزی، جانی دوباره گرفته و در صف اول مبارزه با استعمار و استکبار جای گرفتند.

شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غربی که تا این زمان توجه چندانی به مکتب تشیع نداشتند و اسلام را از دریچه اکثریت اهل سنت می‌دیدند ناگهان متوجه غفلت بزرگ خود گردیده و احساس کردند که از نظر شناخت مکتب تشیع در تاریکی و ابهام شدیدی بسر می‌برند لذا گرایش به درک اسلام از دیدگاه مکتب تشیع بیشتر گردید. اگرچه آمار دقیقی در دسترس نمی‌باشد ولی اطلاعات موجود، بیانگر این واقعیت است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد کسانی که از دریچه مکتب اهل بیت(ع) به دین اسلام گرویده‌اند به طور چشمگیری افزایش یافته‌اند، در حالی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی صرفاً کسانی که از این مسیر، اسلام را انتخاب می‌کردند در اثر آشنایی و برخورد تصادفی با ایرانی‌ها و یا شیعیان تحت تاثیر قرار می‌گرفتند. این امر حتی در مورد تغییر مذاهب اهل سنت به مذهب شیعه جعفری نیز صدق می‌کند، بدین معنا که شمار قابل توجهی از پیروان مذاهب اهل سنت پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مذهب تشیع پیوستند. بر اساس اطلاعات به دست آمده تنها در کشور نجریه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیش از ۱۰ میلیون نفر به پیروان مکتب تشیع افزوده شده است. (۲۴) به هر حال، با توجه به موارد فوق، باید بر این نکته اذعان داشت که چنانچه در تقارن یا تسوالی انقلاب اسلامی ایران هر گونه حرکت و تحول سیاسی-اسلامی مشابهی در هر یک از کشورهای اسلامی رخ داده باشد، می‌توان با صراحت بیان کرد که این امر متأثر از انقلاب اسلامی بوده است.

در مجموع می‌توان بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان را در موارد زیر مورد مذاقه قرار داد:

- انتقال از حاشیه به مرکز ثقل جهان اسلام؛
- گرایش محققین، پژوهشگران و اسلام‌شناسان به شناخت بیشتر تشیع؛
- گرایش غیرمسلمانان و حتی مسلمانان اهل سنت به

کردند. اخیراً در پایان آوریل، عاشورای حسینی را داشتیم که این مراسم سوگواری بسر پیامبر اسلام حسین بن علی(ع)، با شرکت صدها هزار نفر از مردم که لباس‌های سیاه پوشیده بودند در کمال حزن و اندوه برگزار شد. (۲۲) همچنین تحت تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی و شخصیت امام راحل بسیاری از مسلمانان به ویژه جوانان جذب انقلاب اسلامی شده‌اند و با مذاهب اهل بیت(ع) آشنا گردیده‌اند. این کار از طریق مراسله با برخی موسسات تبلیغی که کتابهایی به زبانهای مختلف منتشر می‌کنند و یا از طریق برخی کتاب‌های ترجمه شده، صورت می‌گیرد. اما بهترین کانال آشنایی با مذاهب اهل بیت(ع)، حضور گروه‌هایی از این جوانان در حوزه‌های علمیه قم، لبنان و دمشق می‌باشد و برخی از آنها پس از بازگشت به کشور خود به نشر مذهب اهل بیت(ع) در سرزمین‌شان پرداختند.

به این ترتیب، یکی از شاخص‌ترین نمودهای تاثیر انقلاب اسلامی، اهمیت یافتن و تشکیلاتی شدن تشیع در برخی از کشورهای آفریقایی منجمله نجریه است. در این میان، مهمترین کانون تاثیرگذار، پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل یک قدرت سیاسی دینی در ایران و وجود یک شخصیت عرفانی و روحانی در رأس آن، کتاب‌ها و نشریات مختلف مربوط به موسسات دینی و آموزشی و تحصیل و تربیت طلاب نجریه‌ای در حوزه‌های علمیه به ویژه قم بوده است و این در شرایطی است که جریانات وابسته به وهابیت-قادریه، احمدیه و... سنی کرده‌اند با تفسیر غلط اعتقادات شیعی و جعل اکاذیب، کلیه فرق اسلامی را که بسیاری از آنها تحت تاثیر پیام وحدت بخش انقلاب اسلامی نسبت به تشیع، دید مثبت پیدا کرده بودند، به سوی خود جذب کرده و بذر عداوت و کینه را علیه شیعیان خصوصاً جمهوری اسلامی در میان فرقه‌های اسلامی پراکنده سازند.

گروه‌های ضد شیعی که عمدتاً توسط وهابیان سازماندهی می‌شوند با بهره‌مندی از امکانات اقتصادی فراوان اقدام به فعالیت‌های گسترده‌ای علیه تشیع، کرده‌اند. مسلماً پشتیبانی از این جریانها و تحرکات با حمایت کامل صهیونیست‌ها صورت می‌پذیرد تا از این طریق افکار شیعیان را بسیار خطرناک توصیف کنند، به این ترتیب تاثیر انقلاب اسلامی در نجریه نیز زمینه‌ها و موانعی داشته است. (۲۳)

همچنین انقلاب اسلامی بر مسلمانانی که پیرو مکتب اهل بیت(ع) بودند یعنی بر شیعیان جهان تاثیر فوق‌العاده و



مکتب تشیع؛

- ایجاد روحیه انقلابی و در واقع الگوبرداری از انقلاب اسلامی در تقابل با استکبار جهانی؛

- پیدایش امواجی از اسلام سیاسی در میان شیعیان که خواهان بخش یا تمامی قدرت و حکومت هستند. (۲۵)

البته ذکر موارد فوق به این معنا نمی‌باشد که انقلاب اسلامی ایران بر مسلمانان تابع مکتب اهل سنت تأثیر لازم را بر جای نگذاشته است بلکه این گروه نتوانسته‌اند به علت سازو کارهای موجود همانند وابستگی اقتصادی علمای اهل سنت و انتصاب آنها به عنوان ائمه جمعه و جماعات از سوی دولت و... همچون جوامع اهل تشیع، شیوه‌ای انقلابی را در پیش گیرند و جوامع خود را به همان صورت که در ایران اتفاق افتاد، تحت تأثیر قرار دهند.

نتیجه گیری:

مسلمانان در سرزمین پهناور نیجریه، همچون دوران خلافت اسلامی سوکوتو در دوران پس از استقلال - سال ۱۹۶۰ میلادی - برگ‌های زرینی از حماسه، مقاومت و مردانگی در تاریخ به یادگار گذاشتند. مقاومت مسلحانه در کنار مقاومت منفی در برابر نظام و فرهنگ استعمار، چهره‌ای استثنایی از این مردم در غرب آفریقا، ساخته است. در دوران استقلال و چند دهه‌ای که از آن سپری می‌شود، این مقاومت‌ها، همراه با مبارزه‌های اصیل و عمیق برای کسب حقوق و آزادی‌های اسلامی و همچنین رویارویی با فرقه‌ها و جناح‌های غیراسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شدت و جدیت بیشتری دنبال شده و رنگ و بوی تازه‌ای گرفته است، شاید ریشه این مبارزات را بتوان در ابعاد ذیل دانست:

- جمعیت بسیار زیاد نیجریه که بخش عمده‌اش را مسلمانان تشکیل می‌دهند. قابل ذکر است که نیجریه از لحاظ جمعیت، چهارمین کشور دنیاست.

- سالها استعمار، تبعیض و سرخوردگی، اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی نسبت به مسیحیان و فشارهای روحی و روانی مداوم، آنها را در جذب و پذیرش پیام‌رهای بخش اسلام به خوبی آماده کرده است.

- وجود شخصیت‌های اسلامی در تاریخ این کشور مانند «شیخ عثمان دان فودیو دام» و پیروان وی، که در تشکیل حکومت یکصد ساله اسلامی سوکوتو نقش بسزایی را ایفا کردند.

- وجود جوانان، دانشجویان و اساتید آگاه

مسلمان که در پی آشنایی با اسلام ناب محمدی (ص) هستند.

- آزادی فعالیتهای مذهبی برای ادیان مختلف به طوری که هیچ کس حق جلوگیری از آن فعالیتها را ندارد.

ارائه مبانی تئوریک نظام اسلامی و تبیین

بخش‌های مختلف آن همراه با تأکید بر ضرورت چنین

حکومتی برای جوامع اسلامی از جمله نیجریه یکی از

پیامهای مهم انقلاب اسلامی بشمار می‌رود. البته قرن‌ها

تلاش استعمار مبنی بر استقرار نظامهایی که قانون و

فرهنگ دلخواه آنها را در این کشور برقرار کنند و وابستگی

همه‌جانبه را در بعد از استقلال استرار بخشند از یک سو و

حضور مسیحیت جهانی در کنار صهیونیسم بین‌الملل از

سوی دیگر که سالهاست مبارزه جدی را علیه اسلام و

مسلمانان در نیجریه آغاز کرده‌اند، موانعی را در رسیدن

مسلمانان به حقوق حقه خود ایجاد کرده‌اند اما اکثریت

مسلمانان نیجریه خصوصاً جوانان و اقشار تحصیل کرده به

خوبی پیام آزادی بخش انقلاب اسلامی را دریافت نموده و

در دستیابی به آن گامهایی اساسی برداشته‌اند که اتحاد

روزافزون مسلمانان مبنی بر اسلامی شدن قوانین و شوون

جامعه در ایالت‌های مسلمان نشین و وادار نمودن فرمانداران

این ایالت‌ها به پذیرش و اجرای این قوانین در راستای پیام

فوق‌الذکر می‌باشد. در حقیقت مسلمانان نیجریه‌ای با این

حرکت قصد دارند در چارچوب مقابله با پدیده‌های ضد

اسلامی به اجرای حدود و قوانین اسلامی در کشورشان

مبادرت ورزند. با توجه به روند روبه گسترش آگاهی و

افزایش نیروهای روشنفکر متعهد به اسلام، دورنمایی مثبت

و آینده‌ای روشن را برای این کشور می‌توان پیش‌بینی کرد.

رشد و آگاهی مسلمانان نیجریه از اسلام ناب اگر با همین

شدت و قوت به پیش رود، به دور از تصور نمی‌باشد زمانی

که شاهد اعاده حقوق مسلمانان در این کشور در همه

زمینه‌ها باشیم، همان گونه که خداوند تبارک و تعالی در

قرآن وعده داده است:

«وعدالله الذین آمنو منکم و عملوا الصالحات

لیستخلفنهم فی الارض...»

«هو خدا به کسانی از شما بندگان (به خدا و حجت

عصر(ع) ایمان آورد) و نیکوکار گردد وعده فرموده که (در

ظهور امام زمان(عج)) در زمین خلافت دهد چنان که امم

صالح پیامبران، سلف جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه

بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر



- Religion and politics in Africa, Jeff
20 Haynes, P.215

۲۱- جامعه و فرهنگ آفریقا، سال پنجم، شماره ۲۶،
اردیبهشت ۷۸، صص ۱۴-۱۵.

۲۲- بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، دکتر منوچهر محمدی،
ص ۲۵۴.

۲۳- همان منبع، ص ۲۵۵.

۲۴- همان منبع، ص ۳۷۷.

* به نظر می‌رسد آمار ذکر شده کمی اغراق‌آمیز باشد چرا
که هیچ منبع موثقی چنین آماری از شیعیان در این کشور را
ذکر نکرده است.

۲۵- همان منبع، ص ۳۷۹.

۲۶- سوره نور، آیه ۵۵.

همه ادیان، تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس
از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به
یگانگی بی‌هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن
هر که کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبیه‌کارند.» (۲۶)

یادداشت‌ها:

۱- بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، دکتر منوچهر محمدی،
ص ۲۴۹.

2- www.irtp.com
www.aalulbavt.org
www.cia.gov

۳- العالم، شماره ۲۲۰، آوریل ۱۹۸۷، ص ۳۲.

۴- همان منبع، ص ۳۳.

۵- کتاب سبز، وزارت امور خارجه، ص ۱۹.

۶- جمهوری فدرال نیجریه، زنجانی، ص ۳۱.

۷- همان منبع، ص ۳۲.

8- Religion and politics in Africa, Jeff
Haynes, P.217

9- Ibid, p.213

۱۰- چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، شماره چهارم، مهرماه
۸۲، ص ۳۷.

۱۱- شورش «محمد مروا» معروف به «میتاسین» در
دسامبر ۱۹۸۰ در کانو ۴۱۷۷ تن کشته بر جای گذاشت و
سرانجام با دخالت دولت و ارتش پایان یافت. یک سال بعد
(۱۹۸۱)، طرفداران محمد مروا در بالان کوتا نزدیک
مدیگوری و ریگاسا در کانو و قسمت‌هایی از ایالت کانو
دست به شورش زدند که طی آن حدود ۲۰۰ نفر کشته
شدند.

۱۲- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز
اطلاع‌رسانی، سند ۷۰۷.

۱۳- بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، دکتر منوچهر محمدی،
ص ۲۵۰.

14- www.aalulbayt.org

۱۵- العالم، شماره ۱۴۷، ص ۴۲.

۱۶- کیهان، ۷۹/۴/۱۲.

۱۷- فصلنامه حضور، شماره ۱۱، خرداد ۷۴، ص ۲۶.

18- Religion and politics in Africa, Jeff
Haynes, P.213

۱۹- حیات نو، ۱۳۸۰/۹/۱۰.



جامعه و فرهنگ آفریقا/شماره ۴۹/بائبر ۱۳۸۴ صفحه ۲۷